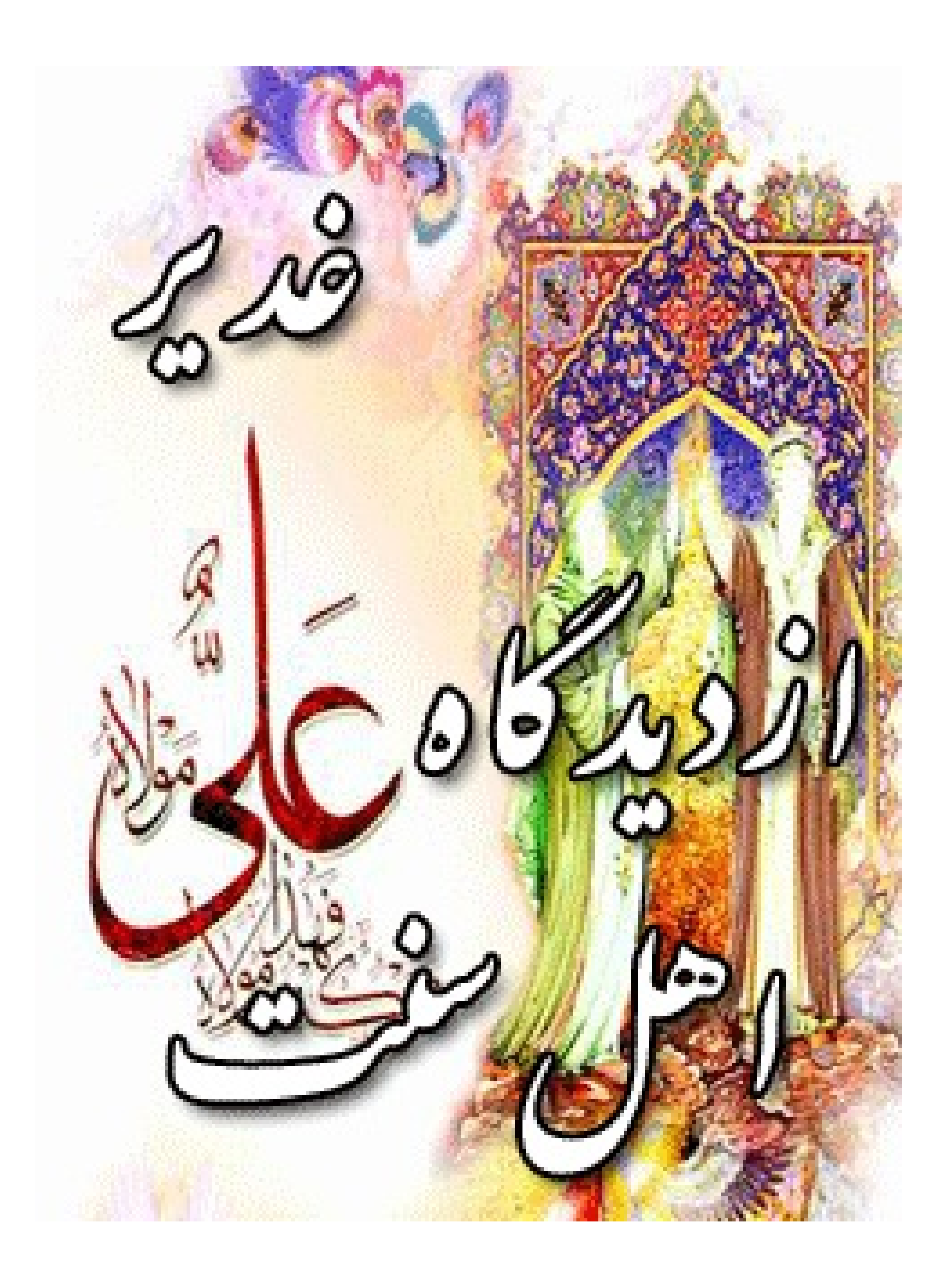

غدیر
ازدیدگاه
اهل سنت
علی


بسم الله الرحمن الرحیم

غدیر از دیدگاه اهل سنت

نویسنده:

محمد رضا جباران

ناشر چاپی:

انصاریان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیر از دیدگاه اهل سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه : جباران محمدرضا، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور : غدیر از دیدگاه اهل سنت محمدرضا جباران

مشخصات نشر : قم انصاریان ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۶۸ص.

شابک : ۹۶۴-۴۳۸-۴۰۳-۲

یادداشت : برگزیده کنگره تجلیل از آثار برتر سازمان صدا و سیما در سال امام علی ع - زمستان ۱۳۸۱.

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۶ .

یادداشت : کتابنامه ص ۱۶۱ - ۱۶۸.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع) ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم -- احادیث اهل سنت

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵۲ /ج ۲۴غ ۴ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۷۰۰۸

دیباچه

یکی از جمله آرمانها و وظایف برنامه های برون مرزی , توجیه و تبیین صحیح ابهامات و شبهاتی است که به علل گوناگون , همچون عدم آشنایی با موازین دین مبین اسلام و دسترسی نداشتن به منابع و مراجع مطمئن و یا به تزویر و نیرنگ دشمنان کژاندیش اسلام , بر دل جان مخاطبان آنسوی مرزها سایه افکنده است .

زدودن زنگار بی خبری , از آیینه دل اسلام جویان و انعکاس نورتابان شریعت محمدی و تشیع علوی ,مستلزم آن است که در

گام نخست با عنایت به کثرت مخاطبان اهل سـنت اندیشه ها و دیدگاههای ایشان در ارتباط با اعتقادات شـیعه را طرحی جامع بیندیشیم و آیین اخوت را همت گماریم .

در این راسـتا و در برآوردن این نیـاز, بر آن شـدیم تا به تـدوین مجموعه هایی مناسب , دست یازیم و دردسترس برنامه سازان قرار دهیم .

بدیهی است مطرح نمودن این گونه

مباحث , جدا از فواید برون مرزی برای مخاطبان داخلی , اعم ازشیعه و سنی نیز جذاب و سودمند خواهد بود.

مجموعه حاضر, عنوان ((غدیر از دیدگاه اهل سنت)) گامی است در این راه , امید آنکه مقبول در گاه احدیت واقع شود.

در پایان از زحمات حجه الاسلام محمد رضا جباران , که این مجموعه با تلاش و کوشش ایشان , مدون گردید تشکر می کنیم .

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

گروه معارف

پیامبر اکرم (ص):.

علیکم بعلی بن ابی طالب فانه مولاکم فاحبوه , و کبیرکم فاتبعوه , و عالمکم فاکرموه , و قائدکم الی الجنه فعززه , فاذا دعاکم فاجیبوه , و اذا امرکم فاطیعوه ,احبوه بحبی , و اکرموه بکرامتی , ما قلت لکم فی علی الا ما امرنی به ربی جلت عظمته , ((۱)) .

همراه علی باشید زیرا او مولا و سرپرست شماست , پس دوستش داشته باشید بزرگ شماست , از او پیروی کنید, دانشمند شماست , گرامی اش دارید درراه بهشت پیشوای شماست , عزیزش دارید هنگامی که شما را می خواند پاسخش دهید, و چون فرمانتان دهد, فرمانش برید به محبتی که به من دارید, دوستش بدارید و به کرامت من گرامی اش دارید من درباره علی چیزی به شما نگفتم , مگرآنچه پروردگارم فرمان داده است .

پیش گفتار

بدون شک شخصیت علی بن ابی طالب (ع) پس از رسول گرامی اسلام (ص) ارزنده ترین وجودی است که پا به عرصه وجود نهاده و عالم امکان را با حضور خویش آراسته است .

شخصیت تابناک آن حضرت چنان در بلندای انسانیت می درخشد, که عقول بشری را در طول

تاریخ , مبهوت وحیران خود کرده است ره یافتن به ساحت قدس آن شخصیت عظیم الهی , هر چند ذائقه طبع را تحریک و واهمه عقل را تشویق می کند, ولی راهی است که جز به قدم عشق نتوان پیمود.

آنچه تا کنون بر قلم و زبان اهل ذوق و فضل , در شرح آن جمال نورانی گذشت , در حقیقت قدر معرفت ماست , نه حد شخصیت او ما با اعتراف و اذعان به بی کرانگی آن روح پاك , برآنیم که از طور حدیث نبوی , قبساتی برگرفته راه تقربی به ساحتش یابیم .

هر چند هدف اصلی در این نوشتار, اثبات عید بودن غدیر و بیان بخشی از آداب این روز مبارک است , به مناسبت فراتر رفته فصلی در شرح شخصیت آن جناب گشوده ایم و در آینه سخنان رسول مکرم اسلام , به تماشای جمال پرفروغ علی بن ابی طالب (ع) می نشینیم امید آنکه ما و خوانندگان را از این سیر معنوی بهره ای وافر باشد.

در پایان تذکر چند نکته ضروری است بیشتر مطالب این تحقیق , از کتب معتبر اهل سنت است محل نقل هرحدیث یا واقعه در کتابهای مورد استناد, با ذکر مجلد هر صفحه تعیین , و در کتابنامه مشخصات هر کتاب از قبیل مؤلف , مترجم , ناشر, و تاریخ و محل نشر آمده است .

در مواردی اندک که کتب اهل سنت از ذکر مطلبی غفلت کرده اند, به کتب معتبر شیعه مراجعه شده و آنها نیز همانندکتب اهل سنت به طور دقیق معرفی شدند در مواردی که در ذیل یک حدیث به ذکر یک یا

چند آدرس بسنده شده , به این معنا نیست که آن حدیث در مراجع دیگر یافت نمی شود, بلکه تنگی مجال باعث شده است که به همین مقداراکتفا کنیم .

متن احادیث را بدون تغییر آورده ایم و در موارد لازم , توضیح و بیانی در ذیل حدیث افزوده ایم

از آنجا که تالیف به زبان فارسی است , بیشتر به ترجمه احادیث اهتمام ورزیدم , و در مواردی که عبارت عربی راضروری می دانستم , از ذکر متن اصلی دریغ نشده است .

فصول پنجگانه این نوشتار عبارتند از:.

فصل اول : داستان غدیر.

فصل دوم : خلافت و وصایت .

فصل سوم : معیارها.

فصل چهارم : یک آسمان فضیلت .

فصل پنجم : آداب و سنن غدیری .

امید داریم این تحقیق کوتاه , قطره ای از فیض اقیانوس غدیر را در خود جای داده باشد.

فصل اول : داستان غدیر

عید

اهل لغت ((عید)) را از مشتقات ماده ((عود)) می دانند, و عود به معنای بازگشت است بنابراین هر عید به پاس رجعتی برگزار می شود.

رجعت مکرر, متحرکی است که پس از گذشتن از قوس نزول رو به سوی بالا- می کند و سیر صعودی خود را می آغازد چنانکه نوروز را به پاس بازگشت حیات به پیکر سرد طبیعت گرامی می داریم , حیاتی که در تطاول خزان به سردی می گراید, و در بیداد سرمای زمستان تا مرز نیستی پیش می رود تا آنجا که گویی هرگز نبوده است و آنگاه در قدوم باد بهار دوباره سر بر می کند و آهنگ صعود می نماید این رجعت را باید گرامی داشت , و این در توان مکتبی است که بیشترین بها را

به مظاهر مادی عالم طبیعت می دهد.

حال اگر بخواهیم این الگو را بر موازین مکتبی تطبیق کنیم که همه عالم را مقدمه وجود انسان و غایت آفرینش انسان را عبودیت می داند, باید عیدش را بزرگداشت رجعت حیات معنوی انسان بدانیم درچنین مکتبی نوروز انسان , روزی است که وی به خویش بازمی گردد و گمشده اش را درمی یابد, روزی که از درکات مادیت روی برتافته آهنگ درجات ملکوت می کند روزی که انسان توفیق می یابد نقاب خاکی از چهره جان پاک خود کنار زده روی به سوی خدا کند.

ماه مبارک رمضان موقعیتی است که سالک روزه دار توفیق می یابد با مقاومت در مقابل بادهای سرکش تعلقات , آتش عشق الهی را که در یخبندان مادیت , خموده شده دوباره روشن کند و مراقبت نماید تا زبانه کشیده تمام هستی اش را گرم , و ناخالصی های وجودش را ذوب کند, تا عبودیت ناب تجلی کند و غایت آفرینش محقق شود آنگاه عید ((فطر)) است .

حج نیز فرصتی دیگر است که حاجی پس از طی مراحل متعددی توفیق می یابد غیر دوست را درمسلخ منی به تیغ کشد, و جان در بند کشیده خویش را آزاد کرده پا به قوس صعودی حرکت انسانی گذارد, و به درجه بلند عبودیت بار یابد, آنگاه عید ((قربان)) است .

از همین جا فرق عید با جشن باز شناخته می شود: جشن بهانه ای است برای شادمانی , و عیدپاس داشتن حیات دوباره انسان است و هم به این دلیل است که برخلاف جشن , عید تشریعی است واعیاد اسلامی در اصل دین تشریع شده اند.

بنابراین

, حقیقت عید اسلامی باز یافتن حیات دوباره است و تعیین آن به عهده شرع اقدس است .

ما بر این باوریم که روز غـدیر, هم از ویژگی حقیقی یک عید اسـلامی برخوردار است , و هم قانونگذاربزرگ اسـلام , پیامبر عظیم الشان (ص) آن را به عنوان عید به امت اسلامی شناسانده است .

نوشته ای که پیش رو دارید به انگیزه اثبات این دو دعوی و بیان مختصری از آداب این عید سعیدسامان یافته است .

مطالعه بخشهای مختلف این نوشتار, این باور را می پرورد که روز عیدغدیر یکی از اعیاد بزرگ اسلامی , بلکه بزرگترین عید مسلمانان است و اگر به دیده تحقیق بنگریم , پی خواهیم برد که بزرگترین عید انسان است .

غدیر

غـدیر در لغت به معنـای برکه , آبگیر و تالاب است چـاله هـایی که در بیابان به انتظار نشسـته تا از ریزش باران یا گـذر سـیل دامنی از آب برگیرند و زلال کنند تا مگر مسافر تشنه صحرا بر این سفره همیشه گشاده باکفی از این نعمت ارزنده رمقی گیرد و مشک خشکیده خویش را از آن پر سازد, غدیر نامیده می شوند.

غدیر خم

مسافری که از مـدینه به سوی مکه حرکت می کند, بیش از پانصد کیلومتر راه پیش رو دارد بعد از پیمودن ۲۷۰ کیلومتر از این مسـافت , به منطقه ای می رسـد که ((رابغ)) نام دارد رابغ ((۲)) شـهرکی است در نزدیکی جحفه , و جحفه یکی از میقاتهای پنج گانه حج است , جایی که حاجیان شام و کسانی که می خواهند ازجده به جانب مکه روند, در آن محرم می شوند.

فاصله جحفه تا مکه تقریبا ۲۵۰ و تا رابغ ۲۶ کیلومتر است ((۳)) و در آن غدیری بوده است که آب گندیده و مسموم آن قابل اسـتفاده مسافران نبوده و قافله ها در آن وادی توقف نمی کردند ((۴)) گویا به همین دلیل خم نامیده شده است چرا که خم به هر چیز فاسدی گفته می شود که بدبو باشد قفس مرغ رانیز به همین دلیل خم می گویند.

گزارشی از حجه الوداع

سال دهم هجرت است , و اسـلام سراسـر جزیره العرب را فراگرفته است همه قبایل عرب به آیین مسلمانی گرویده , به رسالت حضـرت ختمی مرتبـت (ص) اقرار کرده انـد اثری از بـت و بت پرسـتی در هیـچ یـک از قبایـل به چشم نمی خـورد زحمـات صاحب رسالت (ص) به ثمر نشسـته و میوه شـیرین خود را به بارآورده است بت از سریرالوهیت فرود آمده , و کلمه طیبه لااله الااللّه در گستره جزیره العرب , طنین افکن شده است .

اکنون تنها تفاوت مردم , در ایمان قلبی و سابقه آنان در اسلام است پیامبر عظیم الشان (ص) که حدودبیست و سه سال سخت ترین رنج ها را تحمل کرده ,

و در تمام این مـدت طولانی لحظه ای در انجام وظیفه و ابلاغ رسالت سـستی نورزیـده , و هیـچ گاه احساس خسـتگی نکرده , اینک دریافته است که به زودی از این جهان رخت برخواهد بست و به دیدار معبود یگانه اش خواهد شـتافت پس همچنان بی وقفه می کوشد تاآنجا که امت برمی تابد, آداب اسـلام را به آنان بیاموزد اندکی از احکام اسلام باقی است , که هنوز فرصتی برای ابلاغ یا آموزش آنها فراهم نیامـده است فریضه مهم حـج از آن جمله است آن گرامی تا آن روز فرصت نیافته بود حج را چون نماز به مسلمانان بیاموزد و اکنون تنها و آخرین فرصت است .

اعلام عمومی شد که رسول خدا(ص) حج می گزارد مردم از قبایل رو به سوی مدینه نهادند و آن حضـرت در روز پنج شـنبه شش روز, یا شنبه چهار روز به آخر ذیقعده ((۵)) ابودجانه را در مدینه جانشین خود ساخته ((۶)) در حالی که همه همسران و خاندانش او را همراهی می کردند ((۷)) و صد شتر قربانی همراه داشت , ((۸)) از مدینه حرکت کرد.

در آن روزها بیماری سـختی (آبله یا حصـبه) در مدینه شایع بود که بسیاری از مسلمانان را از این مصاحبت میمون محروم می داشت ((۹)) با این حال دهها هزار نفر با پیامبر همراه شدند مورخان همراهان آن حضـرت را چهل هزار, هفتاد هزار, نود هزار, ۱۱۴ هزار, ۱۲۰ هزار و ۱۲۴ هزار نفرنوشته اند ((۱۰)) ولی بـا این همه حق این است که بگوییم : چنـان جمعیتی در رکاب آن حضرت حرکت کردکه شمارش بر جز خدا پوشیده

است ((۱۱)) اینان کسانی بودند که از مدینه می آمدند, ولی تعداد حاجیان به این عده منحصر نمی شد زیرا اهل مکه و ساکنان حومه آن و کسانی که از یمن در رکاب امیرالمؤمنین علی (ع) آمده بودند, نیز در حج شرکت داشتند.

حضرت غسل کرد, بدن مبارکش را روغن مالید, خود را خوشبو کرد, موهایش را شانه زد, ((۱۲)) و ازمدینه بیرون آمد هنگامی که از مدینه بیرون می رفت تنها دو تکه لباس بر تن داشت که یکی را بر دوش انداخته و دیگری را به کمر بسته بود منزل به منزل پیش می رفت , وقتی به ((ذی الحلیفه)) رسید احرام بست ((۱۳)) و همچنان پیش رفت تا در روز سه شنبه چهارم ماه ذیحجه وارد مکه شد از باب بنی شیبه واردمسجدالحرام شد ((۱۴)) , طواف کرد, نماز طواف به جای آورد, بین صفا و مروه سعی نمود و بدین ترتیب اعمال عمره به پایان رسید ((۱۵)) به کسانی که قربانی همراه خود نیاورده بودند, فرمود تقصیر کرده ازاحرام خارج شوند ((۱۶)) و خود چون قربانی همراه داشت در حال احرام باقی ماند, تا در منی قربانی کند ((۱۷)) امیرمؤمنان که از حرکت پیامبر برای حج آگاه شده بود, در حالی که ۳۷ قربانی همراه داشت , باسپاهیان خود برای شرکت در مراسم حج از یمن حرکت کرد, و در میقات اهل یمن به همان نیتی که پیامبر (ص) محرم شده بود, احرام بست , و مانند حضرت رسول , پس از سعی صفا و مروه در احرام باقی ماند ((۱۸)) .

رسول مکرم اسلام (ص) روز هشتم ذیحجه

از طریق منی وارد صحرای عرفات شد, تا مراسم حج راآغاز کنند تا طلوع آفتاب روز نهم در منی ماند و سپس راه عرفات را پیش گرفت , و در خیمه خویش درعرفات فرود آمد.

در عرفات , در اجتماع باشکوه مسلمانان , به شیوایی تمام خطبه خواند در این خطبه مسلمانان را به برادری و احترام متقابل سفارش کرد, بر همه آداب جاهلیت مهر بطلان زد و ختم پیامبری را اعلام نمود ((۱۹)) تا غروب روز نهم در عرفات ماند وقتی آفتاب غروب کرد و هوا کمی تاریک شد, به سوی ((مزدلفه)) شتافت ((۲۰)) شب را در همان جا سپری کرد صبح روز دهم به طرف منی حرکت کرد آداب منی را به جای آورد و بدین گونه مناسک حج را به مسلمانان آموخت .

این حج را حجه الوداع , حجه الاسلام , حجه البلاغ , حجه الکمال و حجه التمام خوانده اند ((۲۱)) با پایان گرفتن مراسم حج پیامبر (ص) به سوی مدینه حرکت کرد هنگامی که به سرزمین رابغ رسید, در محلی که غدیر خم نام داشت , جبرئیل امین بر او نازل شد و پیامی بدین شرح از پروردگار بر او تلاوت کرد:.

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و اللّه یعصمک من الناس ان اللّه لایهدی القوم الکافرین , ((۲۲)) .

ای رسول ما! آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده به مرم برسان و اگر این کار را انجام ندهی , رسالت خود را به انجام نرسانده ای و خدا تو را از مردم ایمن خواهد کرد همانا

خدای ,قوم کفرپیشه را هدایت نمی کند ((۲۳)) .

این پیام الهی ماموریتی خطیر بر عهـده پیامبر اکرم (ص) می گـذاشت , اعلان چیزی که بایـد همگان ازآن باخبر شوند, و اگر چنین نکنـد, گویاکاری صورت نداده است بنابراین بهترین موقعیت برای اعلام چنین پیامی همین جا بود, جایی که راه مصـر و عراق و مـدینه و حضـرموت و تهامه از هم جـدا می شود وهمه حاجیان ناگزیر از آن می گذرنـد غدیر خم مناسب ترین محلی بود که می توانست چنین پیام سترگی رابه گوش همگان برساند.

پس دسـتور توقف صادر شـد فرمود تا رفتگان را باز خوانند و صبر کرد تا آنان که در راهند برسـند ((۲۴)) اجتماع عظیمی در صحرای تفتیده حجاز گرد آمد روزی سـخت گرم و منطقه ای بشدت گرماخیز بود,چنان گرم که مردان نیمی از لباس خود را بر سـر انداخته و نیمی دیگر را به پای خویش می پیچیدند ((۲۵)) همه می خواسـتند بدانند چه چیز باعث شده که پیامبر (ص) در چنین مکان به ظاهر نامناسبی دستورتوقف داده اند حرارت اشتیاق با گرمای هوا آمیخته حاجیان را بی تاب می کرد.

فرمود تا زیر چنـد درخت کهنسال را بروبند و جهاز شتران را بر هم انباشـته کنند منبری بلند برافراشت نزدیک ظهر آن گاه که همه حاجیان در آن صحرا جمع شدند, بر فراز منبر برآمد و خطبه ای بدین شرح ایراد کرد:.

ستایش مخصوص خداونـد است از او کمک می خواهیم و به او ایمان می آوریم و بر او توکل می کنیم و از شـر نفس و بدی کردارمان به او پناه می بریم , خدایی که

هـدایت کننـده ای نیست آنکه رااو گمراه سازد و گمراه کننده ای نیست هر که را او هدایت کند گواهی می دهم که معبودی جزخدای یگانه نیست و محمد بنده و فرستاده اوست اما بعد:.

ای مردم خداونـد نیکی کننده آگاه به من خبر داد که هیچ پیامبری بیش از نصف عمر پیامبر پیش ازخود زندگی نخواهد کرد و انـدکی بیش نمانـده که مرا نیز به سـرای باقی دعوت کنند و من اجابت کنم و همانا از من و همه شـما سؤال خواهد شد پس شما چه پاسخ خواهید داد؟ .

مردم گفتند: گواهی می دهیم که تو پیام الهی را رساندی و پند دادی و کوشیدی خدایت پاداشی نیک دهد.

فرمود: آیا شهادت نمی دهید که معبودی جز خدای یگانه نیست و محمد بنده و فرستاده اوست وبهشت او حق و دوزخش حق است و مرگ حق است و قیامت بدون شک خواهد آمد و خداوندتمام مردگان را زنده خواهد کرد؟ .

گفتند: آری به همه اینها گواهی می دهیم .

عرض کرد: خدایا شاهد باش ((۲۶)) .

سپس فرمود: ای مردم صدای مرا می شنوید؟ .

گفتند: آری .

فرمود: من پیش از شما به حوض کوثر می رسم و شما در کناره حوض بر من وارد خواهید شد,حوضی که عرض آن به اندازه فاصـله صنعا تا بصری است , و در آن جامهایی است از نقره به شماره ستارگان حال بنگرید که پس از من با دو میراث گرانبها چگونه رفتار می کنید.

مردی از میان جمعیت فریاد برآورد: یا رسول اللّه ! آن دو چیز گرانبها چیست ؟ .

فرمود: یکی از آن دو که بزرگتر است , کتاب خداست یک

طرفش در دست خدا و طرف دیگرش به دست شماست , پس آن را محکم نگه دارید تا گمراه نشوید و دیگری که کوچکتر است , عترت و خانـدان من است و خدای نیکی کننده آگاه به من خبر داده است که این دو هرگز از هم جدانمی شوند, تا در لب حوض در قیامت به من رسند من هم از خدا همین را خواسته ام پس شما ازآنها پیشی نگیرید که هلاك می شوید و از آنها وا نمانید که هلاك می شوید سپس دست علی (ع)را گرفت و بلند کرد, به طوری که سپیدی زیر بغل هر دوشان دیده شد و همه مردم علی را شناختند.

آنگاه فرمود: ای مردم ! چه کسی نسبت به مؤمنان از خود ایشان سزاوارتر است ؟ .

گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند.

فرمود: خدا مولا و سرپرست من است و من مولا و سرپرست مؤمنانم و من نسبت به مؤمنین ازخود ایشان سزاوارترم پس هر کس من مولا و سرپرست اویم , علی مولا و سرپرست اوست ((۲۷)) .

این جمله را سه بار تکرار کرد.

سپس گفت : خداوندا! دوستی کن با هر کس که با علی دوستی کند, و دشمنی کن با هر کس که علی را دشمنی کند, دوست بدار هر کس که علی را دوست می دارد, و دشمن دار هر کس او رادشمن می دارد ((۲۸)) , یاری کن هر کس را که یاریش کند و بی یاور بگذار هر کس تنهایش گذارد ((۲۹)) و حق را همواره با علی بدار هر طرف که باشد ((۳۰)) .

ای مردم باید حاضران , این پیام را

به غایبان برسانند ((۳۱)) .

چون خطبه نبوی به پایان رسید امین وحی برای بار دوم نازل شد و او را به این پیام مفتخر ساخت .

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا ((۳۲)) .,

امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد[اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم]پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت این پیام مسرت بخش , فرمود: ((اللّه اکبر! که دین کامل و نعمت تمام گشت و پروردگارم به رسالت من و ولایت علی بعد از من راضی شد)) ((۳۳)) .

مراسم تبریک و تهنیت

پیامبر اکرم (ص) پس از اتمام خطبه از منبر پایین آمد و در خیمه ای نشست و فرمود تا علی (ع) درخیمه ای دیگر بنشیند آنگاه دستور داد تمام اصحاب برای عرض تبریک به دیدار امیرالمؤمنین بشتابندو مقام ولایتش را تبریک گویند.

نویسنده کتاب تاریخ روضه الصفا پس از نقل جریان غدیر می نویسد:.

پس فرود آمد و در خیمه خاص بنشست و فرمود که امیرالمؤمنین علی (ع) در خیمه دیگربنشیند بعد از آن طبقات خلایق را امر کرد به خیمه علی (ع) رفتند و زبان به تهنیت آن حضرت گشادند و چون مردم از این امر فارغ شدند, امهات ((۳۴)) , به فرموده خواجه کاینات نزد علی (ع) رفته او را تهنیت گفتند ((۳۵)) .

و در تاریخ حبیب السیر پس از نقل حدیث غدیر چنین آمده است :.

پس امیرالمؤمنین علی کرم اللّه وجهه به موجب فرموده حضرت رسالت (ص) در خیمه نشست تا طوایف

خلایق به ملازمتش رفته لوازم تهنیت به تقدیم رساندند و از جمله اصحاب عمر بن الخطاب رضی اللّه عنه جناب ولایت مب را گفت : بخ بخ یابن ابی طالب اصبحت مولای ومولی کل مؤمن و مؤمنه , ((۳۶)) .

یعنی خوشا حال تو ای پسر ابوطالب ! بامداد کردی در وقتی که مولای من و مولای هر مؤمن ومؤمنه بودی بعد از آن امهات مؤمنین بر حسب اشارت سید المرسلین به خیمه امیرالمؤمنین (ع)رفته شرط تهنیت به جای آوردند.

مرحوم طبرسی مفسر و محدث نامی امامیه نیز عین این مطلب را در کتاب اعلام الوری روایت کرده است ((۳۷)) .

همه اصحاب دوباره با پیامبر بیعت کردند و همزمان با علی (ع) نیز بیعت کردند اولین کسانی که دست بر دست پیامبر(ص) و علی (ع) نهادند ابوبکر, عمر, عثمان طلحه و زبیر بودند ((۳۸)) همان طور که پیش از این گفتیم عمر برای تبریک و شاد باش جمله ای را به کاربرد که در تاریخ ماندگار شد او گفت :بخ بخ یا بن ابی طالب , اصبحت , مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنه ((۳۹)) شمار بسیاری از محدثان اهل سنت این جمله را از اصحاب رسول خدا(ص) که در آنجا حاضر بوده و این جمله را از زبان عمر شنیده اند, نقل کرده اند از جمله کسانی که این جمله را روایت کرده اند ابن عباس , ابوهریره , برا بن عازب , زید بن ارقم ,سعد بن ابی وقاص , ابوسعید خدری و انس بن مالک را می توان نام برد.

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر شصت

نفر از دانشـمندان اهل سنت را نام می برد که این روایت رادر کتب خود آورده اند ((۴۰)) و بعضی آن را به ابوبکر نیز نسبت داده اند.

آنگاه حسان بن ثابت , شاعر نامی زمان خود برخاسـته عرض کرد: ((یا رسول اللّه ! اجازه می خواهم درحضور شـما چنـد بیت درباره علی (ع) بگویم)).

فرمود: با برکت الهی بگو:.

حسان بر بلندی رفت و چنین سرود:.

يناديهم يوم الغدير نبيهم

بخم و اسمع بالرسول مناديا.

فقال فمن مولاكم و نبيكم ؟

فقالوا و لم يبدو اهناك التعاميا.

الهک مولانا و انت نبينا

و لم تلق منا فى الولايه عاصيا.

فقال له قم يا على فانني

رضيتک من بعدى اماما و هاديا.

فمن كنت مولاه فهذا وليه

فكونوا له اتباع صدق مواليا.

هناک دعا اللهم و ال وليه

و كن للذى عادى عليا معاديا ((۴۱)) .

یعنی :.

پیامبر مسلمانان در روز غدیر با آواز رسا آنان را فرا خواند, و شگفتا! که چگونه فرستاده خدا فریادمی کرد.

پس گفت : مولی و سرپرست و پیامبر شما کیست ؟

در آنجا همه بدون هیچ ابهامی گفتند:.

خدای تو مولای ماست و تو پیامبر ما هستی و هیچیک از ما را نخواهی دید که درباره امر ولایت , تورا عصیان و مخالفت کند.

و آنگاه به علی (ع) گفت : یا علی برخیز که من تو را برای امامت و رهبری پس از خود برگزیدم .

پس هرکس را که من رهبر و سرپرست اویم , همانا این علی سرپرست اوست پس برای او پیروانی صادق و دوستدار باشید.

و در آنجا دعا کرد: خداوندا دوست علی را دوست بدار و با آن کس که با علی دشمنی کند, دشمن باش .

نصب علی به خلافت , در روز غدیر

سه روز طول کشید تا مراسم بیعت و تهنیت به پایان رسید ((۴۲)) حال , تکلیف خلافت کبرای الهی معلوم وخلیفه رسول خدا منصوب شده , مردم او را شناخته و با او بیعت کرده اند دیگر وقت آن رسیده بود که مراسمی چون تاجگذاری شاهان برگزار شود پیامبر(ص) امیرالمؤمنین را خواست و عمامه خود را که ((سحاب)) نامیده می شد بر سر وی نهاد و دنباله های آن را تا روی شانه هایش آویخت و فرمود: یا علی العمائم تیجان العرب , یعنی عمامه تاج عرب است ((۴۳)) .

سپس فرمود: پیش بیا حضرت پیش آمد فرمود: برگرد حضرت برگشت ((۴۴)) آنگاه رو به اصحاب کرده فرمود: ((فرشتگانی که در روز بدر و حنین به یاریم آمدند, این گونه عمامه بر سر داشتند ((۴۵)) .

و فرمود: ((عمامه سیمای اسلام است , ((۴۶)) عمامه علامتی است که مسلمان را از مشرک جدا می کند)) ((۴۷)) و فرمود: ((ملائکه با این شکل به نزد من آمدند)) ((۴۸)) .

بدین ترتیب واقعه غدیر به پایان رسید و حاجیان هر کدام راه دیار خویش گرفته در اطراف جزیره العرب پراکنده شدند آنان حدیث ولایت را به گوش همه مسلمانان رساندند.

اکنون که حماسه غدیر به طور خلاصه معلوم شد, دو نکته قابل ذکر است :.

الف صحت واقعه غدیر از نظر تاریخ ,.

ب مفاد کلام رسول اکرم (ص) در خطبه روز غدیر.

صحت واقعه غدیر از نظر تاریخ

غدیر چشمه ای است که زلال اسلام ناب از آن می جوشد هرکس به این حقیقت اعتراف کند و جان خویش , در زلال حقیقتش شستشو دهد, به پیشگاه باعظمت اسلام ناب بار می یابد

و آن کس که به هرعذر و بهانه , چشم از دیدن و گوش از شنیدن فرو بندد, جز صدای جرسی از دور نصیب نخواهدبرد.

غدیر نخستین موقف و منزلی نیست که پیامبراکرم (ص) جانشین خود را به مردم شناسانده است آن گرامی بارها به هر مناسبت با بیانهای گونه گون و شیوه های مختلف این حقیقت را به مردم یادآور شده وایشان را با رهبر آینده خود آشنا کرده است همه کسانی که با حضرتش حشر و نشری داشتند و از اتفاقات حکومت اسلامی بی خبر نبودند, می دانستند که علی (ع) خلیفه بلافصل پیامبر(ص) و محبوبترین مردم ,و نزدیکترین اصحاب به رسول خداست .

خلافت مساله ای نبود که تا سال دهم هجرت مسکوت مانده باشد خلیفه پیامبر از همان روزی معلوم شد که نبوت در مکه آشکار شد ((۴۹)) .

پس از آن مخصوصا در سالهای بعد از هجرت به قدری این مطلب تکرار شد که تقریبا همه اهل مدینه با آن آشنا بودند همه حدیث ((منزلت)), حدیث ((رایت)) و حدیث ((طیر)) ((۵۰)) را شنیده بودند حدیث ((ثقلین)) ((۵۱)) مکرر بر آنها خوانده شده بود نزول آیاتی چون آیه ((مودت)) ((۵۲)) آیه ((مباهله)) ((۵۳)) و آیه ((ولایت)) ((۵۴)) باعث شده بود, خورشید شخصیت امیرالمؤمنین درخششی روزافزون داشته باشد.

با این همه حدیث غدیر از شهرتی به سزا برخوردار است همه احادیثی که در این زمینه وارد شده صحیح و مشهور و بعضی متواترند, ولی حدیث غدیر از مرز تواتر نیز گذشته است .

مرحوم علم الهدی سید مرتضی , در این باره می فرماید:.

کسی که برای صحت این

خبر دلیل بخواهد, همانند کسی است که برای صحت خبر غزوات وحالات معروف رسول خدا دلیل بخواهد و چنان است که گویی در اصل حجه الوداع شک داردزیرا اینها همه از جهت شهرت در یک رتبه اند.

چرا که همه علمای شیعه این حدیث را روایت کرده و اهل حدیث با اسناد خود آن را نقل نموده اند و مورخان و سیره نویسان همان طور که حوادث معروف را نقل می کنند, بدون سندمخصوصی نسل در نسل از هم روایتش می کنند و محدثان آن را در زمره احادیث صحیح درج کرده اند این خبر مزیتی دارد که هیچ خبر دیگری از آن برخوردار نیست چرا که اخبار بر دو گونه اند:.

یک دسته اخباری است که به سند متصل نیاز ندارند, مانند خبر جنگ بدر و خیبر و جمل وصفین و همه وقایع معروفی که مردم نسل در نسل بدون سند از آن آگاهند دسته دیگر اخباری است که به سند متصل نیاز دارند, مثل اخباری که در باب احکام شرعی وارد شده است .

خبر غدیر به هر دو صورت نقل شده است , یعنی در عین آنکه در کمال شهرت و از سندبی نیاز است , دارای سند متصل نیز می باشد.

افزون بر اینکه اخباری که در باب احکام شرعی نقل شده همگی خبر واحد هستند, ولی خبرغدیر راویان فراوانی دارد ((۵۵))
.

ما در این مقال بر آن نیستیم که راویان حدیث غدیر را نام ببریم , چون نه مقام را گنجایش است و نه حاجتی به آن هست مرحوم علامه امینی نام راویان این حدیث را به ترتیب زمان زندگی ذکر کرده است ما به

ذکر شمار راویان حدیث غدیر در هر قرن بسنده کرده , علاقه مندان را به کتاب ارزشمند الغدیرراهنمایی می کنیم ((۵۶)) .

در میان اصحاب رسول خدا (ص) ۱۱۰ نفر,.

در میان تابعین ۸۴ نفر,.

در میان علمای قرن دوم هجری ۵۶ نفر,.

در میان علمای قرن سوم هجری ۹۲ نفر,.

در میان علمای قرن چهارم هجری ۴۳ نفر,.

در میان علمای قرن پنجم هجری ۲۴ نفر,.

در میان علمای قرن ششم هجری ۲۰ نفر,.

در میان علمای قرن هفتم هجری ۲۱ نفر,.

در میان علمای قرن هشتم هجری ۱۸ نفر,.

در میان علمای قرن نهم هجری ۱۶ نفر,.

در میان علمای قرن دهم هجری ۱۴ نفر,.

در میان علمای قرن یازدهم هجری ۱۲ نفر,.

در میان علمای قرن دوازدهم هجری ۱۳ نفر,.

در میان علمای قرن سیزدهم هجری ۱۲ نفر,.

در میان علمای قرن چهاردهم هجری ۱۹ نفر.

وهمو می نویسد:.

این حدیث را احمد بن حنبل با چهل سند, ابن جریر طبری با هفتاد و اندی سند, جزری مقری باهشتاد سند, ابن عقده با صد و پنج سند, ابوسعد مسعود سجستانی با ۱۲۰ سند و ابوبکر جعابی با۱۲۵ سند روایت کرده است ((۵۷)) .

ابن حجر در کتاب صواعق نوشته است : ((این حدیث را سی نفر صحابی از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده اند و بسیاری از اسناد آن صحیح یا حسن است)) ((۵۸)) .

ابن مغازلی در مناقب می نویسد:.

حدیث غدیر حدیث صحیحی است که حدود صد نفر صحابی که عشره مبشره نیز از آن جمله است آن را از رسول خدا(ص) روایت کرده اند این حدیث ثابت است و ایرادی بر آن وارد نیست واین فضیلتی است که فقط علی (ع) حائز آن شده

و هیچ کس در این فضیلت با او شریک نیست ((۵۹)) .

سید بن طاوس از علمای امامیه در کتاب شریف اقبال الاعمال نوشته است :.

ابوسعد مسعودبن ناصر سجستانی از علمای اهل سنت کتابی در هفده جز به نام الدرایه فی حدیث الولایه تالیف کرده و این حدیث را از صد و بیست صحابی نقل کرده است .

محمدبن جریر طبری در کتابی که به نام الردعلی الحرقوصیه نوشته , حدیث ولایت را از هفتاد و پنج طریق روایت کرده است .

ابوالقاسم عبداللّه حسکانی در این باب کتاب مستقلی به نام دعاالهداه الی ادا حق الولاه تالیف نموده است ابوالعباس احمد بن سعید بن عقده نیز کتابی به نام حدیث الولایه تالیف کرده و این حدیث را از صد و پنجاه طریق روایت کرده است وی پس از نقل عبارات راویان می نویسد:.

همه این کتابها جز کتاب طبری در کتابخانه من موجود است , مخصوصا کتاب ابن عقده که در زمان حیات خودش (۳۳۰ هجری قمری) نسخه برداری شده است ((۶۰)) .

طرفه آنکه از قرن دوم به بعد که مرز مذاهب مشخص می شود, هیچ یک از این راویان شیعه نیستند درمیان شیعیان نیز کمتر عالمی را می توان یافت که این حدیث را با اسناد مختلف نقل نکرده باشد.

اهمیت حدیث غدیر به پایه ای رسیده است که بسیاری از دانشیان جهان اسلام , درباره آن کتابهای مستقل نگاشته اند به تحقیق علامه عالیقدر امینی در الغدیر, تا زمان ایشان بیست و شش کتاب مستقل توسط عالمان برجسته در اثبات تواتر حدیث غدیر یا تحقیق مفاد آن به رشته تحریر درآمده است ((۶۱)) .

این قضیه آن

چنـان روشن و واضـح و در نزد همگان مسـلم بوده است که اهل بیت (ع) و معتقـدان به ایشان به مناسـبت های مختلف بـدان استدلال و احتجاج کرده اند در روایات به موارد زیادی برمی خوریم که امیرالمؤمنین (ع) در طول سالهای پس از وفات پیامبر اکرم (ص) در مجالس مختلف , اصـحاب رسول خدا(ص) را سوگند می دادند که آیا شما به خاطر ندارید رسول خدا(ص) در روز غدیر فرمود: من کنت مولاه و ایشان سوگند می خوردند که آن را به خاطر دارند ((۶۲)) .

بنابر آنچه گـذشت , حـدیث غـدیر واقعیتی است که دست تبهکار انکار از ساحت قـدس آن کوتاه است و چنـد و چون تعداد انگشت شـماری از جاهلاـن عـالم نمـا نمی توانـد بر دامن کبریـایش گردی بنشانـد, چه رسـد که خورشـید روشن حقیقتش را بپوشانـد از همین روست که نویسـنده دانشـمند کتـاب امام علی (ع)عبـدالفتاح عبـدالمقصود مصـری , در ضـمن تقریظ کتاب الغدیر می نویسد:.

حـدیث غـدیر بـدون شـک , حقیقتی است که دسـتخوش باطـل نمی شود, فروزان و درخشان است ,چون روشـنایی روز و آن یکی از حقایق خروشنده الهام است که از سینه پیامبر(ص) پراکنده گشته تا ارزش دست پرورده , برادر و برگزیده خویش در میان امتش را معلوم کند ((۶۳)) .

مفاد حدیث غدیر

جمله ای که در حـدیث غـدیر مورد استشـهاد قرار گرفته و در حقیقت پیـام اصـلی واقعه غـدیر در آن نهفته است این است که حضـرت فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه کسانی که به این حدیث اسـتدلال کرده اندمولی را اولی معنا کرده اند اولی , یعنی کسی که

به تصرف سزاوارتر است به عبارت ساده تر یعنی کسی که لایق سرپرستی , رهبری و اختیارداری است بدین ترتیب معنای حدیث این است : ((هرکس من رهبر وسرپرست اویم , علی (ع) هم رهبر و سرپرست اوست بنابراین تنها کسانی به رهبری و سرپرستی پیامبراکرم (ص) پایبند و ملتزمند که رهبری و سرپرستی علی (ع) را بپذیرند.

اینک باید دانست که آیا در لغت عرب , مولی به این معنا به کار رفته است ؟ یا نه ؟

دیگر آنکه اگربپذیریم مولی در لغت بدین معنا به کار رفته است , آیا در این خطبه نیز این معنی اراده شده است ؟ یا خیر؟ .

مرحوم علامه امینی ۴۲ نفر از علمای بزرگ تفسیر و لغت را نام می برد که بیست و هفت نفر از آنان گفته اند: مولی به معنای اولی است پانزده نفر دیگر گفته اند: اولی یکی از معانی مولی است ((۶۴)) .

اما درباره اینکه آیا در این حدیث نیز مولی , چنان معنایی را افاده می کند, توجه به شرایط و ظروفی که این حدیث در آن صادر شده , و مطالعه خطبه ای که این حدیث در ضمن آن قرار گرفته است , هیچ شکی باقی نمی گذارد که مولی در این حدیث هم به معنای اولی است .

زیرا شخصیتی چون پیامبر اسلام (ص) که عقل کل , انسان کامل و بزرگترین پیامبر و سفیر آسمانی است , در روزی آن چنان گرم که زمین چون آهن گداخته پای مسافران را می گدازد و خورشید مغز انسان را به جوش می آورد, در صحرایی سوزان و بدون

امکانات ((۶۵)) که اگر گوشت را بر زمین می افکندی کباب می شد ((۶۶)) , محلی که هیچ کاروانی در آن توقف نمی کند, دهها هزار حاجی خسته را نگه می دارد,رفتگان را باز می گرداند و منتظر می ماند تا بازماندگان برسند و در گرمترین ساعات روز سخنرانی می کندو در ضمن آن چند بار از مردم سؤال می کند تا مطمئن شود صدای او را به خوبی می شنوند, و در نهایت علی (ع) را به آنان نشان می دهد, با نام و نسب معرفی می کند و می فرماید: ((هرکس که من مولای او هستم علی هم مولای اوست)) سپس همه حاضران را موظف می کند این سخن را به غایبان برسانند, و پس ازآن دستور می دهد همه با او بیعت کنند, و به او تبریک و تهنیت گویند, و عمامه خویش را بر سرش می گذارد و به او می فرماید: ((تاج عرب عمامه است)) و به اصحاب می فرماید: ((فرشتگانی که در روز بدربه یاریم آمدند, چنین عمامه هایی بر سر داشتند)).

حال اگر فرض کنیم این حدیث بدون هر گونه قرینه و تفسیر و توضیحی به دست کسی برسد و بدون غرض به آن توجه کند در می یابد که برخلاف گفته بعضی افراد بی اطلاع پیامبر(ص) در صدد آن نیست که بفرماید: ((هرکس من دوست او هستم علی هم دوست اوست))! یا ((هرکس من یاور او هستم , علی یاوراوست))! چرا که دوستی و یاوری , بیعت و تبریک نمی خواهد, عمامه و تاج گذاری نمی طلبد و به طورکلی چنان اهمیتی

ندارد که در آن موقعیت خطیر و با آن مقدمات اعلام شود.

بدین دلایل است که مرحوم سبط بن جوزی از علمای اهل سنت , پس از بحثی مفصل در این باره , به این نتیجه می رسد که مولی در این حدیث به معنای اولی است ((۶۷)) .

و ابن طلحه در مطالب السؤول می نویسد:.

حضرت رسول (ص) هر معنایی را که لفظ مولی نسبت به خودش دارد, برای علی (ع) قرار داده است و این مرتبه بلندی است که پیامبر مخصوصا علی (ع) را در آن قرار داده است ((۶۸)) .

این نتیجه همان مفادی است که خطبه رسول اکرم (ص) با تمام جملاتش بر آن دلالت دارد و همان چیزی است که صد و بیست هزار عرب خالص , بدون هیچ شبهه ای از کلام رسول خدا(ص) فهمیده اندو به همین جهت بود که حسان برخاست و در مدح حضرت امیر(ع) شعر سرود و پیامبراکرم (ص) نیز اورا تشویق کرد پس از آن نیز هرکس که از این واقعه خبردار شد, چنین فهمید که رسول مکرم اسلام (ص)برای خود جانشین تعیین کرده است در طول قرون متمادی همه اهل لغت و علمای اسلام همین رافهمیدند و صدها شاعر عرب و غیر عرب در این زمینه شعر سرودند, و در اشعار خود تصریح کردند که پیامبر(ص) علی (ع) را به جانشینی خود برگزید و به همین جهت روز غدیر را گرامی داشتند.

امیرمؤمنان علی (ع) در دوران خلافت ظاهری خود در کوفه , بارها به این حدیث استدلال کرده اصحاب رسول خدا(ص) را قسم داد

تـا به آنچه از این واقعه در خـاطر دارنـد, شـهادت دهنـد و در حالی که حـدود چهل سال از واقعه غـدیر گذشـته و بسـیاری از اصـحاب رسول خـدا(ص) از دنیا رفته و باقیمانـده دراطراف بلاد پراکنـده شـده بودند و کوفه از مرکز اقامت صـحابه (مدینه) دور بود و حضـرتش بدون پیش بینی و تمهید مقدمات از آنها شـهادت می خواست , شمار قابل توجهی به پا خاسته به درستی گفتارامیرالمؤمنین شـهادت می دادند تعداد شـهودی را که روایات مختلف ذکر کرده اند, متفاوت است طبق بعضـی روایات ۵ یا ۶ نفر ((۶۹)) , طبـق روایـتی دیگر ۹ نفر ((۷۰)) , و طبـق روایـتی ۱۲ نفر ((۷۱)) , طبق روایـتی ۱۲نفر بدوی ((۷۲)) , طبق روایتی ۱۳ نفر ((۷۳)) , و در روایــتی ۱۶ نفر ((۷۴)) , در روایـتی ۱۸ نفر ((۷۵)) , و در روایــتی دیگر ۳۰ نفر ((۷۶)) , طبق روایـتی گروهی از مردم ((۷۷)) , طبق روایـتی بیش از ده نفر ((۷۸)) , و طبق روایتی دیگرعـده ای ((۷۹)) و در روایتی گروه زیادی ((۸۰)) , و طبق روایـتی دیگر ۱۷ نفر ((۸۱)) شـهادت دادنـد که پیامبر(ص)در روز غـدیر فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه .

همچنین اهل بیت (ع) و دوسـتان و پیروان ایشان در موارد بسـیاری به این حـدیث اسـتدلال و احتجاج کرده انـد مرحوم علامه امینی ۲۲ فقره از این احتجاجات را نقل کرده است ما به ذکر چند مورد بسنده می کنیم

۱ استدلال ام الائمه , فاطمه زهرا(س) به حدیث غدیر:

آیا فراموش کرده اید که پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر فرمود: ((هرکس من

مولای اویم , علی مولای اوست)) ((۸۲)) .

۲ استدلال امام حسن مجتبی (ع) به حدیث غدیر:

هنگـامی که امـام حسن مجتبی (ع) تصـمیم گرفت بـا معاویه صـلح کنـد, خطبه ای ایراد فرمود در بخشـی ازآن خطبه تاریخی آمده است :.

این امت از جدم رسول خدا(ص) شـنید که می فرمود: ((هر امتی کسـی را متولی امور خود کند که ازاو داناتر و شایسته تر در میان خود داشـته باشـند, همواره رو به تنزل می رونـد, مگر آن را که شایسـته تراست , مقـدم بدارنـد)) و شـنید که به پـدرم می فرمود: ((تو نسـبت به من , همانند هارونی نسـبت به موسـی , جز اینکه پس از من پیامبری نیست)) و شـنیدند که در غدیر خم دست پـدرم را گرفت ومی فرمود: ((هرکس را که منم مولای او, علی مولای اوست خـدایا! دوست بـدار آنکه علی رادوسـت می دارد و دشمن بدار آن را که با علی دشمن است)) آنگاه به حاضران فرمود تا غایبان راآگاه سازند ((۸۳)) .

۳ استدلال جناب عمار یاسر به حدیث غدیر

در جنگ صفین هنگامی که جناب عمار یاسر با عمروعاص مواجه شد, فرمود:.

رسول خدا به من دستور داد با ناکثین بجنگم و من امرش را اطاعت کردم و فرمود با قاسطین بجنگم و شما همانها هستید که با شما می جنگم و نمی دانم به جنگ با مارقین هم موفق می شوم یانه ای مرد ابتر آیا نمی دانی که رسول خـدا(ص) به علی (ع) فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه ؟

مولای من خدا و رسول و

پس از او علی است ولی تومولایی نداری ((۸۴)) .

۴ استدلال اصبغ بن نباته به حدیث غدیر

در جنگ صفین امیرالمؤمنین (ع) نامه ای نوشت , و اصبغ بن نباته را ماموریت داد که آن را به معاویه رساند هنگامی که اصبغ وارد مجلس معاویه شد, گروهی از بزرگان لشکر از جمله دو نفر از صحابی رسول خدا ابوهریره و ابودردا در مجلس حضور داشتند اصبغ می گوید: هنگامی که معاویه نامه را خواندگفت : ((چرا علی قاتلان عثمان را به ما تحویل نمی دهد)) من گفتم : ((ای معاویه ! خون عثمان را بهانه مکن ,تو در پی قدرت و حکومتی تو اگر می خواستی به عثمان کمک کنی , در زمان حیاتش کمک می کردی ولی تو به خاطر آنکه خون او را دست آویز قرار دهی , به قدری درنگ کردی تا او کشته شد)) معاویه از این سخن برآشفت و من که می خواستم بیشتر خشمگین شود, به ابوهریره گفتم : ((ای صحابی رسول خدا(ص) تو را به خدای یگانه , دانای آشکار و نهان و به دوستش محمد مصطفی سوگند می دهم آیا تودر روز غدیر حاضر بودی ؟)) گفت : ((آری من حاضر بودم)).

گفتم : ((در آن روز درباره علی از رسول خدا(ص) چه شنیدی ؟)) گفت : ((شنیدم که می فرمود: هر کس من مولای اویم , علی مولای اوست خدایا! دوست بدار هر که او را دوست دارد, دشمن بدار هر که را بااو دشمن است , یاری کن هر که او را یاری می کند, رها کن هر کس که

او را رها می کند)).

گفتم : ((ای ابوهریره ! پس چرا تو با دشمنان او دوستی و با دوستان او دشمنی می کنی ؟)).

ابوهریره آهی کشید و گفت : انا للّه و انا الیه راجعون ((۸۵)) .

افزون بر این در موارد بسیاری , مردم عادی به حدیث غدیر, بر افراد سرشناسی که به مقتضای این حدیث عمل نکرده با امیر المؤمنین (ع) مخالفت کردند, استدلال کرده اند, که از آن جمله است :.

۵ استدلال زن دارمی به حدیث غدیر

وی زنی است سیاهپوست از شیعیان علی (ع) از اهالی داروم که در محله حجون مکه سکونت داشت وبه همین دلیل او را دارمیه حجونیه می گفته اند گویا به دلیل شهرت و غلبه این لقب , نامش در تاریخ ذکرنشده است معاویه در سفر حج او را احضار کرد و گفت : ((می دانی برای چه احضارت کرده ام ؟)).

گفت : ((سبحان اللّه ! من غیب نمی دانم)).

گفت : ((خواستم از تو بپرسم چرا علی را دوست می داری و با من کینه می ورزی ؟

ولایت او راپذیرفته ای و با من دشمنی می کنی ؟)).

گفت : ((اگر ممکن است مرا از پاسخ بدین سؤال معاف کن)).

گفت : ((معاف نیستی)).

گفت : ((حال که چنین است , می گویم : علی را دوست می دارم , زیرا میان رعیت به عدالت رفتارمی کرد و بیت المال را مساوی تقسیم می کرد و بغض تو را دارم چون تو با کسی که از تو به خلافت سزاوارتر بود, جنگیدی و چیزی را که حق تو نبود, مطالبه می کردی ولایت

علی را پـذیرفتم , چون رسول خـدا(ص) ولا یت را به او سپرد, و چون مسـاکین را دوست می داشت و متـدینان را حرمت می نهـاد و بـا تودشـمنی می کنم , چون خون ریخـتی و تفرقه انگیختی , در قضـاوت ظلم کردی و به هوای نفس حکم رانـدی)) ((۸۶)) .

۶ استدلال جوانی ناشناس به حدیث غدیر

ابوهریره وارد مسـجد کوفه شد, مردم گرد او را گرفته بودند, هر کس چیزی می پرسید جوانی برخاست وگفت : تو را به خدا سوگنـد می دهم آیا تو از رسول خـدا (ص) شـنیدی که می فرمود: ((هرکس من مولای اوهسـتم , علی مولای اوست خـدایا! دوست بدار آن را که دوسـتش می دارد و دشـمن داشته باش آن را که بااو دشمنی کند)) ابوهریره گفت : ((شهادت می دهم که خود از رسول خدا (ص) شنیدم که چنین فرمود)) ((۸۷)) .

همچنین در طول تاریخ اسـلام , حتی کسانی که در جبهه مخالف علی (ع) بوده اند, در عین دشمنی باآن حضرت , به حدیث غدیر استدلال کرده اند که از آن جمله است :.

۷ استدلال عمروبن عاص به حدیث غدیر

همه می داننـد که عمروبن عـاص یکی از دشـمنان سرسـخت امیرالمؤمنین (ع) بوده است وی افکـار آشـفته معـاویه را سازمان بخشـید و او را برای مقـابله بـا امیرالمؤمنین (ع) آمـاده کرد بـا دسـیسه های خود او را ازسـقوط حتمی رهانـد, و با طرح مساله حکمیت لشـکر شام را نیرو بخشـید و سـپاه کوفه را به اختلاف وتفرقه انداخت همان جا بود که نطفه خوارج منعقد شد و برای این خدمت , حکومت مصر

را از معاویه پاداش گرفت .

پیش از آنکه معاویه حکومت مصر را به او پیشنهاد کند, در نامه ای از او تقاضای کمک کرده می نویسد: ((علی باعث قتل عثمان شد و من خلیفه عثمان هستم)).

عمرو در جواب معاویه می نویسد:.

نامه ات را خواندم و فهمیدم اما اینکه از من خواسته ای از دین اسلام خارج شده با تو به وادی ضلالت وارد شوم و تو را در راه باطلت یاری کنم و به روی امیرالمؤمنین شمشیر بکشم ,در حالی که او برادر, ولی , وصی و وارث رسول خداست و هموست که دین پیامبر را ادا کرد ووعده هایش را جامه عمل پوشاند, همو که داماد او و شوهر بانوی زنان جهان و پدر حسن وحسین سرور جوانان بهشتی است , نمی پذیرم .

و اما اینکه گفته ای : من خلیفه عثمانم , با مرگ عثمان تو عزل شده خلافتت زایل می شود واما اینکه گفته ای : امیرالمؤمنین صحابه را بر کشتن عثمان تحریک کرد, این دروغ و نارواست وای بر تو ای معاویه ! آیا نمی دانی که ابوالحسن جانش را در راه خدا نثار کرد و در بستر رسول خدا (ص) خوابید و رسول خدا (ص) درباره اش فرمود: ((هرکس من مولای او هستم , علی مولای اوست)) ((۸۸)) .

۸ استدلال عمر بن عبدالعزیز به حدیث غدیر

شخصی به نام یزید بن عمر می گوید: ((من در شام بودم , عمر بن عبدالعزیز اموالی را تقسیم می کرد, من هم برای دریافت سهمم رفتم , وقتی نوبت به من رسید, گفت : تو از کدام قبیله ای ؟

گفتم

: از قریش گفت ازچه طایفه ای ؟

گفتم بنی هاشم گفت : از کدام تیره ؟

گفتم : از وابستگان علی (ع) در عبارت عربی آمده مولای علی گفت : کدام علی ؟

من پاسخ ندادم عمر بن عبدالعزیز دست به سینه اش نهاده گفت : به خدامن هم از وابستگان علی هستم گروهی برای من روایت کرده اند که پیامبر(ص) درباره او فرمود: ((هر کس من مولای او هستم , علی مولای اوست)).

آنگاه رو به دستیار خود کرده گفت : به امثال این شخص چقدر می دهی ؟

گفت : صد یا دویست درهم گفت : اینک به او پنجاه دینار ((۸۹)) بده , چون ولایت علی بن ابی طالب را دارد آنگاه به شهر خود برگرد,سهمت را نیز در آنجا دریافت خواهی کرد ((۹۰)) .

۹ استدلال مامون , خلیفه عباسی به حدیث غدیر:

در ضمن مناظره ای که بین مامون و اسحاق بن ابراهیم قاضی القضاه زمان او در باب فضیلت اصحاب رسول خدا(ص) واقع شد, مامون از او می پرسد: آیا حدیث ولایت را روایت می کنی ؟

وی گفت : آری مامون گفت : آن را بخوان یحیی حدیث را خواند.

مامون پرسید: ((به نظر تو آیا این حدیث وظیفه ای را برای ابوبکر و عمر در مقابل علی تعیین کرده است ؟

یا نه ؟)).

اسحاق گفت : ((می گویند: پیامبر این حدیث را هنگامی فرمود که بین علی (ع) و زید بن حارثه اختلافی افتاده بود زید وابستگی علی را به رسول خدا انکار کرده بود, از این رو پیامبر فرمود: هر کس من مولای او هستم , علی

مولای اوست)).

مامون گفت : ((آیا پیامبر(ص) این حدیث را هنگام بازگشت از حجه الوداع نفرمود؟)).

اسحاق گفت : آری .

مامون گفت : ((زید بن حارثه پیش از غدیر کشته شد تو چگونه می پذیری که پیامبر به خاطر او این حدیث را فرموده باشد؟

به من بگو: اگر پسر پانزده ساله ات به مردم بگوید: ای مردم بدانید هر کس وابسته من است وابسته پسر عمویم نیز هست , آیا به او نمی گویی چرا چیزی را که همه می دانند و بر کسی پوشیده نیست باز می گویی ؟)).

گفت : ((چرا به او خواهم گفت)).

مامون گفت : ((ای اسحاق ! کاری را که برای پسر پانزده ساله ات نمی پسندی بر پیامبر خدا می پسندی ؟

وای بر شما چرا فقهای خود را می پرستید ((۹۱)))).

چنانکه می بینیم در تمام این گفتگوها خلافت حضرت امیرالمؤمنین (ع) مورد بحث است استدلال کنندگان , با این حدیث , خلافت حضرت امیر(ع) را اثبات می کنند, و مخاطبان این احتجاج نیزنمی گویند: مولی در این حدیث , غیر از رهبر و سرپرست است اگر این حدیث , معنایی غیر از رهبری حضرت امیر داشت , ابوهریره چنان عاجزانه در مقابل جناب اصبغ بن نباته آه نمی کشید و سرافکنده وشرمنده نمی شد و عمرو بن عاص در مقابل جناب عمار خلع سلاح نمی شد.

بنابراین اگر کسی به هر انگیزه ای در مفاد حدیث غدیر تشکیک کند, نه تنها حقیقت را کتمان کرده ,کلام رسول خدا(ص) را نیز تحریف نموده است , و به قول مامون خلیفه عباسی چیزی را به رسول مکرم

اسلام نسبت داده که نمی توان به نوجوانی پانزده ساله نسبت داد.

فصل دوم : خلافت و وصایت

خلیفه بر حق

طبق اعتقاد مذهب شیعه , خلیفه پیامبر(ص) دارای دو گونه وظیفه است :.

۱ حکومت ظاهری

یعنی زمامداری , اجرای قوانین , حفظ حقوق , نگهبانی از کیان اسلام و.

در این جهت , خلیفه مانند سایر زمامداران است , با این تفاوت که حفظ عدالت اجتماعی , ازواجبات و ویژگیهای حکومت اسلامی است .

۲ حکومت معنوی

بدین معنا خلیفه موظف است نکات مبهم و پیچیده مکتب را که به هر دلیل پیشتر بیان نشده است برای مسلمانان روشن کند.

خلیفه علاوه بر ایفای وظیفه زمامداری باید مبین احکام و مفسر قرآن نیز باشد, و بتواند مکتب را ازهر گونه انحراف حفظ کرده در مقابل شبهات از آن دفاع کند بنابراین خلیفه باید داناترین و آگاهترین افرادامت به مبانی مکتب و موازین شریعت باشد, یعنی بیش از همه از چشمه های جوشان علم و حکمت نبوی سیراب شده باشد پس باید پیشینه ای دیرسال در اسلام داشته و به حد کافی از وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) بهره برده باشد همچنین لازم است در مواقع حساس و منافع عمومی مسلمانان ومکتب اسلام را بر منافع شخصی خود ترجیح داده , برای حفظ دین جان فشانی و فداکاری کرده باشد.

خلیفه در سمت زمامداری , حاکم بر تمام اموال مسلمانان است خمس , زکات , خراج , جزیه ,غنایم جنگی , معادن و سایر ثروتهای عمومی , اموالی هستند که در اختیار خلیفه قرار می گیرد و خلیفه موظف است , بدون هر گونه تخلف و اجحافی این اموال را میان مسلمانان تقسیم کند, یا

در جهت مصلحت عمومی مملکت اسلامی به کار گیرد بنابراین باید به دنیا بی رغبت باشد, تا در مواقع حساس دچار لغزش نشود درست به همین دلیل , خلافت منصبی الهی است که از جانب خداوند متعال به شایسته ترین و داناترین افراد امت واگذار می شود, و دست انتخاب از ساحت قدسی آن کوتاه است .

به عبارتی دیگر خلافت منصبی است انتصابی که رای مردم هیچ گونه تاثیری در آن ندارد بر این مبناست که برای تعیین جانشین پیامبر, باید به دنبال نص و صدور حکم بگردیم و کلمات رسول خدا(ص) را که در این باب وارد شده است منصفانه مورد توجه قرار داده , بر مبنای آن عمل کنیم .

دانستیم که واقعه غدیر یکی از مستندترین وقایعی است که در تاریخ اسلام اتفاق افتاده , و حدیث ولایت یکی از مسلم ترین کلماتی است که از رسول خدا(ص) صادر شده و از نظر معنا و مفهوم هیچ گونه ابهام و اجمالی ندارد, چنانکه هر کس بویی از ادبیات عرب استشمام کرده , و با موازین عرفی عقلایی آشنایی داشته و با دیده انصاف و بدون غرض و پیش داوری این حدیث را مورد توجه قرار دهد,اعتراف می کند که این حدیث بر امامت , رهبری و اولویت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) دلالت دارد.

حتی اگر از این حدیث چشم پوشیم , باز هم به اندازه کافی درباره امامت و رهبری امیرالمؤمنین علی (ع) از طریق شیعه و سنی روایت به دست ما رسیده است .

ما پاره ای از احادیثی را که در این باب از رسول مکرم

اسلام (ص) وارد شده است , در دو بخش جداگانه یادآور می شویم :.

بخش اول احادیثی است که همانند حدیث غدیر, به صراحت بر خلافت امیرالمؤمنین علی (ع)دلالت دارند.

بخش دوم احادیثی است که با معرفی شخصیت امیرالمؤمنین علی (ع) بر مفاد حدیث غدیر وخلافت آن حضرت صحه می گذارند.

پس از آن با صرف نظر از احادیث موجود و ادله لفظی , به بررسی شایستگی های ذاتی و فضایل آن حضرت خواهیم پرداخت , و در نهایت از سابقه عید غدیر و آداب این عید سخن خواهیم گفت .

دلایل صریح بر خلافت علی (ع)

ادله ای که با صرف نظر از حدیث غدیر, خود به طور مستقل و به طور صریح بر خلافت و رهبری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) دلالت دارند, به اندازه ای است که ذکر تمام آنها نیاز به فرصتی فراخ وتالیفی پربرگ و بار دارد اینک جز ذکر چند مورد, فرصت و مجال نیست .

پیشتر یادآور می شود که هر چند جامعه اسلامی پس از پیامبر مکرم اسلام (ص) در تعیین رهبر خود به اشتباه رفت و خلیفه برحق پیامبر اکرم (ص) را مدت بیست و پنج سال از دخالت در امور مسلمین بازداشت , ولی چیزی از ارزش ذاتی آن حضرت نکاست , بلکه تنها خود را از رهبری معصوم , محروم کردچرا که ارزشها و فضایل آن حضرت وابسته به منصب ظاهری خلافت نبود, بلکه ارزش منصب خلافت به تصدی آن حضرت بستگی داشت , یعنی هر گاه غیر او در این منصب نشست , این منصب تنزل یافت و تنها زمانی به

ارزش واقعی خود رسید که علی (ع) بر آن تکیه زد.

نوشته اند:.

وقتی امیرالمؤمنین علی (ع) وارد کوفه شد, مردی پیش آمد و عرض کرد: به خدا قسم ای امیرالمؤمنین !خلافت از تو زینت یافت , نه تو از خلافت وجود تو این منصب را بالاـ برد, نه اینکه تو با آن برتری یافته باشی خلافت به تو محتاج بود نه تو به خلافت ((۹۲)) .

عبدالله فرزند امام احمدبن حنبل می گوید: ((روزی پیش پدرم نشسته بودم گروهی از اهل کوفه واردشدند و درباره خلافت خلفا صحبت کردند, ولی درباره خلافت حضرت علی کلام طولانی شد پدرم سربلند کرد و گفت : چقدر درباره علی و خلافت بحث می کنید! خلافت علی را زینت نداد, بلکه علی خلافت را زینت داد)) ((۹۳)) .

۱ حدیث یوم الدار

خلافت پیامبر مکرم اسلام (ص) و رهبری جامعه اسلامی مسئله ای نبود که پیامبر اکرم (ص) تا آخرین روزهای عمر شریف خود آن را مسکوت گذاشته تکلیف جامعه اسلامی را نسبت به آن روشن نکندپیامبر اکرم از همان روزی که مامور شد رسالت خود را علنی کند, موظف شد جانشین خود را نیزمعرفی کند.

هنگامی که آیه شریفه و انذر عشیرتک الاقربین ((۹۴)) در سال سوم بعثت نازل شد, آن حضرت علی (ع)را خواند و فرمود: ((خدایم دستور داده است خویشان نزدیک خود را به اسلام دعوت کنم غذایی تهیه کن و قدحی از شیر فراهم آور, و فرزندان عبدالمطلب را دعوت کن , تا من ماموریت خویش را به انجام رسانم)) حضرت علی (ع) می فرماید: ((من تمام بنی عبدالمطلب را که حدود

چهل نفر بودند دعوت کردم و غذایی را که فراهم کرده بودم پیش آوردم غذا خوردند و شیر نوشیدند, ولی غذا و شیر به همان حال خود باقی ماند هنگامی که پیامبر(ص) می خواست با آنها صحبت کند, ابولهب گفت : محمد شما راسحر کرده است و مجلس از هم پاشید فردای آن روز حضرت به من دستور داد دوباره آنها را دعوت کنم و غذا و شیری تهیه نمایم هنگامی که جمع شدند و غذا خوردند, حضرت لب به سخن گشوده فرمود:ای فرزندان عبدالمطلب به خدا قسم در عرب جوانی را نمی شناسم که برای قوم خود بهتر از آنچه من برای شما آورده ام آورده باشد: من برای شما خیر دنیا و آخرت را آورده ام و خدایم به من فرموده است شما را به آن بخوانم کدامیک از شما مرا در این کار یاری می کند من (علی) که در آن ایام از همه جوانتربودم گفتم : ای پیامبر خدا من تو را یاری می کنم حضرت گردن مرا گرفت و فرمود: این برادر, وصی وخلیفه من در میان شما می باشد, از او بشنوید و او را اطاعت کنید در این هنگام اهل مجلس همه برخاستند و در حالی که می خندیدند به ابوطالب گفتند: به تو دستور می دهد که از علی اطاعت کنی)) ((۹۵)) .

طبق روایتی پیامبر اکرم (ص) سه بار پیشنهاد خود را تکرار کرد و هیچ کس جز علی (ع) او رااجابت نکرد ((۹۶)) .

۲ حدیث منزلت

دلیل دیگری که بر خلافت حضرت علی (ع) دلالت دارد, حدیث منزلت است حدیث منزلت

ازمشـهورترین احادیثی است که از پیامبر اکرم (ص) صادر شده و بسیاری از اصحاب رسول خدا(ص) آن راروایت کرده اند ابن عساکر در تاریخ دمشق ((۹۷)) این حدیث را از ۲۳ نفر از صـحابه به طرق و اسنادمختلف روایت کرده است به طوری که از قراین اسـتفاده می شود, این کلام شـریف چنـدین بار ازرسول خـدا(ص) صادر شـده است , ولی مشـهورترین مورد آن در غزوه تبوک است .

در غزوه تبوک پیامبر اکرم (ص) خود فرماندهی سـپاه را به عهده گرفته از مدینه خارج شد و علی (ع) رابه جانشـینی خود در مـدینه گمـارد این تنها جنگی است که علی (ع) پیامبر را همراهی نکرده است , به همین جهت برای آن حضـرت مشـکل بود که در مدینه بماند و پیامبر خدا(ص) راهی میدان نبرد شودهنگام حرکت سـپاه , خدمت پیامبر اکرم (ص) رسیده عرض کرد: مرا با زنان و کودکان در مدینه می گذارید؟

حضرت در جواب فرمود:.

اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی ((۹۸)) ,.

آیا نمی خواهی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی ؟

با این فرق که بعد از من پیامبری نمی آید.

از قرآن کریم چنین برمی آید که جناب هارون نسبت به حضرت موسی , پنج سمت داشته است :برادر, شریک نبوت , وزیر و یاور, پشتیبان , ((۹۹)) خلیفه و جانشین ((۱۰۰)) .

بنـابراین حضـرت علی (ع) نیز همیـن پنـج نسبت را بـا پیـامبر اکرم (ص) دارد برادر اوست , چـون او را به برادری برگزیـد و فرمود: ((در دنیا و آخرت

تو برادر منی)) ((۱۰۱)) در ابلاغ پیام الهی شریک اوست , چون فرمود: ((جز من و علی کسی از جانب من پیامی نمی رساند)) ((۱۰۲)) وزیر اوست , چون خود فرمود: ((علی وزیر من است)) ((۱۰۳)) پشتیبان اوست , چون خداوند او را با علی (ع) یاری کرد ((۱۰۴)) و خلیفه اوست , چون خود او را به خلافت برگزید ((۱۰۵))

۳ حدیث وصایت و وراثت

پیامبر اکرم فرمود:.

لکل نبی وصی و وارث و ان علیا وصیی و وارثی , ((۱۰۶)) .

هر پیامبری وصی و وارثی دارد و علی وصی و وارث من است .

و فرمود:.

انا نبی هذه الامه و علی وصیی فی عترتی و اهل بیتی و امتی من بعدی , ((۱۰۷)) .

من پیامبر این امتم و علی بعد از من در میان خانواده و امتم وصی من است .

و فرمود:.

علی اخی و وزیری و وارثی و وصیی و خلیفتی فی امتی , ((۱۰۸)) .

علی برادر, وزیر, وارث , وصی و خلیفه من در میان امت من است .

در این روایات دو عنوان وصی و وارث مورد تاکید قرار گرفته است هر یک از این دو عنوان به تنهایی برخلافت امیرالمؤمنین علی (ع) دلالت دارند.

وصی

وصی کسی است که می تواند در تمام اموری که شخص وصیت کننده , حق تصرف داشته تصرف کند,مگر در صورتی که فقط در مورد خاصی به او وصیت شده باشد که در این صورت فقط در همان موردخاص , حق تصرف دارد.

در این روایات , پیامبر اکرم (ص) وصایت حضرت امیر(ع) را به مورد خاصی منحصر نکرده و او را به طور مطلق وصی

خود قرار داده است , یعنی آن حضرت می تواند در تمام اموری که به پیامبر اکرم (ص)مربوط می شود تصرف کند به عبارت دیگر علی (ع) از تمام اختیارات پیامبراکرم (ص) برخوردار است واین , همان معنای خلافت است .

وارث

آنچه در ابتدا از کلمه وارث به ذهن می آید این است که شخص وارث مالک اموال مورث باشد, ولی علی (ع) از نظر شرعی وارث اموال پیامبر نبوده است زیرا طبق فقه امامیه زمانی که میت دارای فرزندباشد, نوبت ارث به خویشان او نمی رسد فرزند در طبقه اول ارث قرار دارد و خویشان در طبقات بعد و می دانیم که پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات خود دارای فرزند بوده است فاطمه زهرا(س) حداقل هفتاد و پنج روز پس از پیامبر(ص) زنده بوده اند, و جز او, همسران پیامبر که مجموعا یک هشتم اموال اورا به ارث می برده اند, در قید حیات بوده اند بر فرض که این همه را ندیده بگیریم , علی (ع) پسرعموی پیامبر است و پسر عمو در طبقه سوم ارث قرار دارد, و می دانیم که عباس عموی پیامبر در زمان وفات آن حضرت زنده بوده است , و عمو در طبقه دوم قرار دارد.

اما طبق فقه اهل سنت , پس از پرداخت سهم همسران (یک هشتم) مال به دو بخش تقسیم می شود:یک قسمت به فاطمه زهرا(س) که تنها دختر است , داده می شود و قسمت دیگر که از سهم او خارج است , به عمویش عباس تعلق می گیرد بنابراین حضرت امیر(ع)

به هیچ وجه وارث اموال پیامبر نبوده است از سویی , چون پیامبر صریحا او را وارث خود اعلام کرده است , باید در این احادیث موضوع ارث چیز دیگری باشد قهرا موضوع ارث در این احادیث , دانش , مقام و منصب معنوی و موقعیت اجتماعی پیامبراکرم (ص) است آری , علی وارث علم و سنت پیامبر است , و به همین دلیل خلیفه ایشان است .

پیامبراکرم (ص) به علی فرمود: ((تو برادر و وارث منی)) عرض کرد: ((یا رسول اللّه ! من چه چیزی ازشما ارث می برم ؟)) فرمود: ((همان چیزی که پیامبران پیش از من ارث گذاشته اند)) عرض کرد: ((ایشان چه چیزی به ارث نهاده اند؟)) فرمود: ((کتاب پروردگار و سنت پیامبرشان را)) ((۱۰۹)) و امیرالمؤمنین علی (ع)خود نیز فرمود: ((من وارث علم پیامبرم)) ((۱۱۰)) .

۴ علی سرپرست مؤمنان

پیامبر اکرم (ص) هر وقت با کسانی مواجه می شد که به هر دلیل با علی (ع) ناسازگاری می کردند, یاجاهلانه از او به پیامبر(ص) شکایت می بردند, می فرمود:.

ما تریدون من علی ان علیا منی و انامنه و هو ولی کل مؤمن بعدی , ((۱۱۱)) .

از علی چه می خواهید علی از من است و من از او پس از من علی سرپرست هر مؤمنی است .

هر چند کلمه ((ولی)) در لغت دارای معانی متعددی است , در این حدیث جز به معنای رهبر وسرپرست نیست , توجه به کلمه ((بعد از من)) در حدیث این نظر را تایید می کند چون اگر منظور از ولی ,دوستدار, دوست ,

یاور, همسایه , هم قسم و امثال این معانی باشد, اختصاصی به زمان بعد ازپیامبر(ص) نداشته در زمان حیات آن حضرت نیز صادق بود.

۵ نتایج سرپرستی علی (ع) در کلام رسول خدا(ص)

هر وقت اصحاب درباره خلیفه رسول خدا(ص) و رهبر جامعه اسلامی پس از آن حضرت , با حضرتش گفتگو می کردند, حضرت در حالی که طبق بعضی از روایات آه می کشید از نتایج و ثمرات سرپرستی علی (ع) سخن به میان می آورد.

از جمله می فرمودند:.

ان و لیتموها علیا وجد تموه هادیا مهدیا یسلك بکم علی الطریق المستقیم , ((۱۱۲)) .

اگر خلافت را به علی بسپرید, می بینید که هدایت شده و هدایت کننده ای است , که شما را به راه راست می برد.

اما والذی نفسی بیده لئن اطاعوه لیدخلن الجنه اجمعین اکتعین , ((۱۱۳)) .

قسم به آنکه جانم در دست اوست , اگر از علی اطاعت کنند, همگی , همگی وارد بهشت می شوند.

ان تستخلفوا علیا و لا اراکم فاعلین تجدوه هادیا مهدیا یحملکم علی المحجه البیضا, ((۱۱۴)) .

اگر علی را خلیفه کنید و گمان نمی کنم چنین کنید می بینید که او راه یافته هدایتگری است که شما را از راه اصلی می برد.

۶ خلافت انتصابی علی (ع)

پیش از این در توضیح حدیث غدیر گفتیم که معرفی علی (ع) به دستورالهی بوده است , اینك روایتی رانقل می کنیم که این مطلب را به خوبی افاده می کند.

از رسول گرامی اسلام (ص) روایت شده است : ((شب معراج , هنگامی که به مقام قرب نهایی

رسیدم ودر پیشگاه پروردگارم ایستادم , فرمود: یا محمد! من عرض کردم : لبیك فرمود: آیا بندگان مرا آزمایش کرده ای تا بدانی کدامیک از ایشان در پیشگاه من مطیع ترند؟ .

عرض کردم : پروردگارا مطیع ترین ایشان علی است .

فرمود: راست گفتی ای محمد! آیا برای خود خلیفه ای انتخاب کرده ای که وظایف ترا انجام دهد و به بندگانم آنچه از قرآن نمی دانند بیاموزد؟ .

عرض کردم : پروردگارا! تو برایم انتخاب کن .

فرمود: من علی را برایت انتخاب کردم , او را به وصایت و خلافت خود برگزین)) ((۱۱۵)) .

همچنین فرمود: ((خدا برای هر امت , پیامبری انتخاب کرده است و برای هر پیامبر وصی و جانشینی من پیامبر این امتم و علی وصی من است)) ((۱۱۶)) .

فصل سوم : معیارها

اشاره

پیامبر مکرم اسلام (ص) علاوه بر اینکه در روز غدیر و مقامات دیگر با بیانهای مختلف به طور صریح وروشن علی (ع) را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی می کرد, بیانات دیگری نیز دارد که لازمه آنهاخلافت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است در این دسته از احادیث که ما بخشی از آنها را تحت عنوان معیارها گرد آورده ایم , پیامبرگرامی اسلام (ص) در صدد تعیین میزان و معیاری است که جامعه اسلامی در مواقع اشتباه و در مواردی که حق و باطل به هم می آمیزد و تمییز حق از باطل بر غیر اهل نظر مشکل می شود, با تمسک به آن حق را یافته از باطل اجتناب کنند در این احادیث , حضرتش علی (ع) را به عنوان چراغ هدایت , معیار ایمان

و میزان حق تعیین کرده است طبق این احادیث علی (ع) یک رهبرعادی نیست , بلکه رهبری الهی است که گفتار و کردارش میزان است , کار درست کاری است که او انجام می دهد, حرف حق سخنی است که او می گوید, و جبهه حق همان جایی است که او ایستاده است , و هرکس که نه در صف اوست , باطل و ناحق است .

۱ محبت

یکی از معیارهایی که می تواند برای تعیین رهبر جامعه اسلامی پس از رسول گرامی اسلام (ص) تعیین کننده باشد, میزان علاقه و محبت آن حضرت به افراد است تا جایی که تاریخ موفق به نقل حالات مسلمانان و وقایع صدر اسلام شده و راویان حدیث از خود به یادگار گذاشته اند, هیچ کس به اندازه علی (ع) مورد علاقه پیامبر اکرم (ص) نبوده است ((۱۱۷)) به طوری که ابن حجر در کتاب صواعق نوشته است : ((علی (ع) محبوبترین مردان نزد رسول خدا بوده است)) ((۱۱۸)) .

آن حضرت نه تنها خود علی (ع) را بشدت دوست می داشت , مسلمانان را نیز به محبت او می خواندو دوستی او را به مثابه یک زمان الهی به همه ابلاغ می کرد ((۱۱۹)) .

گاه می فرمود: ((خدا از من بیشتر دوستش دارد)) ((۱۲۰)) .

و یا: ((محبوبترین مردم نزد خدا علی است)) ((۱۲۱)) .

به اصحاب می فرمود: ((خدایم فرموده است : چهار نفر از اصحابم را دوست بدارم و به من فرموده است : خود آنها را دوست می دارد گفتند: یا رسول اللّه آنها کیانند؟

ما همه دوست داریم از آنهاباشیم .

فرمود:

بدانیـد که علی از آنهـاست و بعـد سـاکت شـد دوبـاره لب به سـخن گشود و فرمود: بدانیـد که علی از آنهاست و ساکت شـد ((۱۲۲)) .

و باز می فرمود:.

خدا و رسولش , علی را دوست دارند و علی خدا و رسول را دوست دارد.

(یحب اللّه و رسوله و یحبه اللّه و رسوله) ((۱۲۳)) .

انس بن مالک می گوید: ((مرغ بریانی برای حضرت رسول (ص) هدیه آوردند حضرت دست به دعابرداشت و عرض کرد: خدایا کسی را برسان که خدا و رسول او, وی را دوست می دارند در همین هنگام علی (ع) در زد چون من دوست می داشتم چنین کسـی از انصار باشـد, به او گفتم پیامبر مشـغول کاری است , علی (ع) برگشت و پس از مـدتی دوباره در زد من همان عذر را آوردم , حضرت بازگشت هنگامی که برای بار سوم در زد, پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای انس بگذار وارد شود, منظور من همو بود)) ((۱۲۴)) .

علاوه بر این برای محبت ورزیـدن به آن حضـرت خواص و ویژگیهایی ذکر شـده است که مشابه آنها درمورد هیچ کس وارد نشده است از جمله اینکه :.

۱ ۱ دوستی با علی دوستی با خدا و رسول و کینه علی (ع) کینه خدا و رسول است .

از ابن عبـاس روایت شـده که روزی پیـامبر اکرم (ص) در حـالی که دست علی (ع) را در دست داشت خـارج شـد و فرمـود: ((آگاه باشـید! هر کس کینه علی در دل داشـته باشد, کینه خدا و رسول را داشـته است وهر کس علی را دوست بدارد, خدا و رسولش

را دوست داشته است)) ((۱۲۵)) .

پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) می فرمود:.

تو در دنیا و آخرت , سروری دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست ,دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست .

وای بر آنکه بعد از من با تو دشمنی کند,.

یا علی ! انت سید فی الدنیا و سید فی الاخره حبیبک حبیبی و حبیبی حبیب اللّه و عدوک عدوی و عدوی عدو اللّه والویل لمن ابغضک بعدی ((۱۲۶)) .

و می فرمود:.

هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس به او بغض بورزد بغض مرابه دل دارد,.

یا علی محبک محبی و مبغضک مبغضی ((۱۲۷)) .

۲ ۱ محبت علی (ع) موجب سعادت است .

می فرمود: ((هرکس مرا و این دو را (حسن و حسین (ع)) و پدر و مادرشان را دوست بدارد, در قیامت هم رتبه من خواهد بود)) ((۱۲۸)) .

و می فرمود: ((هرکس می خواهد در مرگ و زندگی , همانند من باشد و در بهشت جاویدی که خدا به من وعده داده است , ساکن شود, علی بن ابی طالب را دوست بدارد)) ((۱۲۹)) .

فرمود:.

این جبرئیل است که به من خبر می دهد: سعادتمند واقعی کسی است که علی را در حیات وبعد از مرگش دوست داشته باشد, و شقاوتمند واقعی کسی است که بغض علی را در زمان حیات یا پس از مرگش در دل داشته باشد ((۱۳۰)) .

ابن عباس می گوید: به پیامبر اکرم (ص) عرض کردم : یا رسول اللّه ! آیا برای نجات از آتش چاره ای هست ؟ .

فرمود: آری .

عرض

کردم : آن چیست ؟ .

فرمود: حب علی بن ابی طالب ((۱۳۱)) .

۱۳ حب علی (ع) عمل صالح است .

فرمود:.

محبت علی بن ابی طالب سیئات را نابود می کند, چنانکه آتش هیزم را,.

حب علی بن ابیطالب یاکل السیئات کما تاکل النار الحطب ((۱۳۲)) .

و فرمود:.

سر لوحه نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب است , ((۱۳۳)) .

عنوان صحیفه المؤمن علی بن ابی طالب .

۱۴ بی حب علی (ع) هیچ عملی پذیرفته نیست .

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

اگر بنده ای هزار سال و هزار سال و هزار سال در بین رکن و مقام , خدا را عبادت کند, ولی با بغض علی بن ابی طالب و خاندان من در پیشگاه خدا حاضر شود, خداوند او را به رو در آتش جهنم می اندازد,.

لو ان عبدا عبد اللّه الف عام و الف عام و الف عام بین الرکن و المقام ثم لقی اللّه عز و جل مبغضا لعلی بن ابیطالب و عترتی اکبه اللّه علی منخریه فی النار ((۱۳۴)) .

و فرمود:.

یا علی ! اگر امت من چنان روزه بدارند که قامتشان کمانی شود و چنان نماز بخوانند که جسمشان آب شود, ولی بغض تو در دل داشته باشند, خداوند به روی در آتشان می افکند,.

یا علی لو ان امتی صاموا حتی یکونوا کالحنایا و صلوا حتی یکونوا کالاوتار ثم ابغضوك لاکبهم اللّه علی وجوههم فی النار ((۱۳۵)) .

۱ ۵ بغض علی (ع) با حب رسول خدا جمع نمی شود.

فرمود:.

علی جان ! دروغ می گوید کسی که فکر می کند مرا دوست دارد ولی با تو کینه می ورزد,.

یا علی من زعم انه یحبنی

و هو يبغضك فهو كذاب ((۱۳۶)) .

۶ ۱ بغض علی (ع) با ایمان جمع نمی شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

هرکس گمان می کند به من و دین من ایمان آورده است , ولی به علی (ع) بغض می ورزد,دروغ می گوید, او مؤمن نیست .,

من زعم انه آمن بی و ما جئت به و هو يبغض عليا فهو كاذب ليس بمؤمن ((۱۳۷)) .

۷ ۱ بغض او کفر است .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ((هرکس با بغض تو از دنیا رود, کافر از دنیا رفته است , ولی مانند مسلمانان اورا محاسبه می کنند)) ((۱۳۸)) .

جا دارد که روایت بالا را شکافته ژرفای آن را دریابیم درباره نحوه محاسبه کفار در قیامت دونظریه هست :.

نظر اول : اینکه کفار به خاطر کفرشان مؤاخذه و عقاب می شوند ولی به خاطر ترک اعمالی که دراسلام واجب است , مؤاخذه نمی شوند, همان طور که به دلیل ارتکاب اعمالی که در اسلام حرام است ,عقابی نمی بینند زیرا این حسابرسی مخصوص کسانی است که به کفر آلوده نباشند, وگرنه با وجود کفرهر گناهی کوچک می نماید.

نظر دوم : کفار هم به دلیل کفر و عدم اعتقاد صحیح مؤاخذه می شوند, هم به موجب اعمال و کردار,یعنی در بعد عقاید عقاب کفر را می بینند و در حوزه اعمال به کیفر هر گناهی که مرتکب شده و هرواجبی که ترک کرده اند, عقاب می بینند طرفداران این نظریه قاعده ای را تاسیس کرده می گویند: الكفارمعاقبون على الفروع كما انهم معاقبون على الاصول , یعنی کفار همان طور که به جرم انکار اصول دین عقاب می شوند,

به خاطر فروع دين هم عقاب مى بينند.

حديث ياد شده , كيفر كينه توزان على (ع) را بر اساس نظريه دوم , تبيين مى كند.

۱۸ محبت على نشانه ايمان و بغض او نشانه نفاق است .

پيامبر اكرم (ص) به او فرمود:.

لا يحبك الا مؤمن و لا يبغضك الا منافق , ((۱۳۹)) .

جز مؤمن تو را دوست نمى دارد و جز منافق به تو بغض نمى ورزد.

او خود مى فرمود: ((به خدا سوگند! پيامبر(ص) به من گفته است كه جز مؤمن مرا دوست نمى دارد وجز منافق به من بغض نمى ورزد)) ((۱۴۰)) .

و به همين جهت بود كه اصحاب مى گفتند: ((ما منافقان را از دشمنى با على بن ابى طالب مى شناختيم)) ((۱۴۱)) .

۲ آزار على , آزار رسول (ص)

پيامبر اكرم (ص) فرمود:.

هركس على را بيازارد مرا آزرده است ,.

من آذى عليا فقد آذانى ((۱۴۲)) .

۳ سب على , سب رسول (ص)

پيامبر اكرم (ص) فرمود:.

هركس به على بد بگويد, به من بد گفته است و هر كس به من بد بگويد به خدا بد گفته است و هر كس به خدا بد بگويد, خدايش به رودر آتش جهنم مى افكند ((۱۴۳)) .

۴ جدايى از على , جدايى از رسول

پيامبر اكرم (ص) فرمود:.

هركس از على (ع) جدا شود از من جدا شده و هر كس از من جدا شود از خدا جدا شده و هركس از من جدا شود از خدا جدا شده است ,.

من فارق علیا فارقنی و من فارقنی فارق اللّه عزوجل ((۱۴۴)) .

۵ جنگ با علی , جنگ با پیامبر

ابوهریره می گوید: پیامبر اکرم (ص) علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین (ع) را دید فرمود: هرکس با شمابجنگد, من با او می جنگم و هر کس با شما در صلح باشد با او در صلحم , انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم ((۱۴۵)) .

۶ پرچم هدایت

پیامبر اکرم (ص) به ابابرزه فرمود:.

خداوند تعالی درباره علی بن ابی طالب (ع) به من فرموده است : او پرچم هدایت , نشانه ایمان ,پیشوای دوستان خدا و پرتو روشنایی بخش همه کسانی است که خدا را اطاعت می کنند,.

یا ابابرزه ان رب العالمین عهد الی عهدا فی علی بن ابی طالب صلوات اللّه علیه وآله فقال : انه رایه الهدی و منار الایمان و امام آولیائی و نور جمیع من اطاعنی .

۷ علی و حق

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

علی با حق است و حق با اوست , به هر طرف که بچرخد,.

علی مع الحق و الحق معه حیثما دار ((۱۴۶)) .

۸ حق و علی

فرمود:.

علی به هر سوی بچرخد حق با اوست ,.

الحق مع علی حیث دار ((۱۴۷)) .

۹ علی , حق و قرآن

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

علی با حق و قرآن است و حق و قرآن همراه علی است , از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر به من برسند,.

على مع الحق و القرآن و الحق و القرآن مع على لن يتفرقا حتى يردا على الحوض ((۱۴۸)) .

۱۰ على و قرآن

پيامبر اكرم فرمود:.

على با قرآن است و قرآن با على است , از هم جدا نمى شوند تا در كنار حوض كوثر بر من واردشوند,.

على مع القرآن والقرآن مع على لا يفترقان حتى يردا على الحوض ((۱۴۹)) .

۱۱ على (ع) به منزله كعبه

پيامبر اكرم (ص) فرمود:.

يا على ! تو به منزله كعبه اى كه همه به سوى او مى آيند, ولى او به سوى كسى نمى رود, ((۱۵۰)) .

انت بمنزله الكعبه تؤتى و لا تاتى .

و فرمود:.

مثل على در ميان شما مثل همين كعبه است كه نگاه كردن به آن عبادت و حج آن واجب است .

مثل على فيكم كمثل الكعبه المتسوره النظر اليها عباده والحج اليها فريضه ((۱۵۱)) .

۱۲ على (ع) باب آمرزش

پيامبر اكرم (ص) فرمود:.

على باب آمرزش است , هركس از اين باب داخل شود مؤمن است و هر كس از آن خارج شود كافراست ,.

على باب حطه فمن دخل منه كان مؤمنا و من خرج منه كان كافرا ((۱۵۲)) .

۱۳ ميزان ايمان

پيامبر اكرم (ص) فرمود:.

اى على ! اگر تو نباشى پس از من مؤمنين شناخته نمى شوند,.

لولاك يا على ما عرف المؤمنون من بعدى ((۱۵۳)) .

۱۴ جدا کننده حق از باطل

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

ای علی تو جدا کننده حق از باطلی ،.

انت الفاروق بین الحق والباطل , ((۱۵۴)) .

۱۵ نشانه ایمان

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

ای علی ! من تو را به عنوان نشانه ای بین خود و امتم قرار دادم , هرکس از تو پیروی نکند کافر است .

جعلتک علما فیما بینی و بین امتی فمن لم یتبعک فقد کفر ((۱۵۵)) .

۱۶ مقسم بهشت و دوزخ

پیامبر اکرم (ص) به او فرمود: ((تو قسیم آتشی , انت قسیم النار)) ((۱۵۶)) .

و آن حضرت خود می فرمود: من قسیم آتشم , انا قسیم النار)) ((۱۵۷)) .

و فرمود: ((من قسیم آتشم روز قیامت به جهنم می گویم : این برای تو و این برای من یا: این را بگیر واین را رها کن)) ((۱۵۸)) .

قسیم در این سه روایت به معنای مقاسم است , یعنی هر یک از دو نفری که چیزی را بین خود قسمت می کنند بنابراین وقتی می گوییم علی (ع) قسیم آتش است , یعنی آن حضرت و جهنم , مردم را بین خودتقسیم می کنند پس منظور از این روایات این است که ذات مقدس علوی , در مقابل جهنم است , یعنی همان طور که بعضی از مردم نصیب آتش جهنم می شوند, گروهی دیگر سهم علی بن ابی طالب (ع)می شوند بنابراین می توان گفت : علی (ع) بهشت مجسم است .

نکته دیگری که از روایت سوم برمی آید این است که اختیار این تقسیم با علی (ع) است زیرا اوست که به جهنم می گوید چه کسی را بگیرد و چه کسی را رها کند همچنین پیامبر اکرم (ص) به او فرمود: توتقسیم کننده بهشت و جهنمی , انت قسیم الجنه والنار ((۱۵۹)) .

قسیم در این

حدیث به معنای قاسم است , یعنی کسی که چیزی را قسمت می کند ظاهر این حدیث آن است که علی (ع) بهشت و جهنم را بین افراد قسمت می کند, ولی در حقیقت , نیازی به این تقسیم نیست بلکه وجود آن حضرت خود معیار قسمت است , یعنی علی (ع) ملاك و میزان بهشتی بودن است هر کس تا زمانی بهشتی است , که از وجود مقدس علوی منحرف نباشد ولی هنگامی که منحرف شد و باآن وجود پاك سازگاری نداشت , هیزم خشکی است که جز سوختن در آتش جهنم به کاری دیگر نمی آیدپس مفاد این حدیث نیز با سه حدیث گذشته یکسان است و مفاد همه آن است که : علی (ع) خود بهشت مجسم و معیار بهشتی بودن افراد است .

۱۷ جواز عبور از صراط

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ((تا علی (ع) برای کسی جواز ننویسد, از صراط عبور نمی کند)) ((۱۶۰)) .

۱۸ رستگاری در پیروی از علی

پیامبر اکرم (ص) در حالی که به علی (ع) اشاره می کرد, فرمود:.

قسم به آنکه جان من در دست اوست , این و شیعیانش در قیامت رستگارند,.

والذی نفسی بیده ان هذا و شیعته هم الفائزون یوم القیامه ((۱۶۱)) .

۱۹ پیروان علی (ع) در بهشتند

پیامبر اکرم (ص) به او فرمود:.

تو و شیعیانت در بهشتید,.

انت و شیعتك فی الجنه ((۱۶۲)) .

۲۰ حزب رستگار

پیامبر اکرم در حالی که به علی (ع) اشاره می کرد, فرمود:.

او و حزبش رستگارند,.

هذا و حزبه المفلحون ((۱۶۳)) .

۲۱ پیروان علی , پسندیده و راضی

او خود فرمود:.

رسول خدا(ص) به من خبر داده که من و شیعیانم در حالی محشور می شویم که ما از خدا راضی وخدا از ما راضی است .,

ان خلیلی (ص) قال یا علی انک ستقدم علی الناس و شیعتک راضین مرضیین ((۱۶۴)) .

مشابه این تعبیر در قرآن شریف نیز وارد شده است : در سوره بینه در تعریف بهترین خلایق می فرماید:رضی اللّه عنهم و رضوا عنه , یعنی : خدا از ایشان راضی است و ایشان از خدا راضی است .

در ذیل این آیه نیز روایاتی از رسول اکرم نقل شده است که به مقتضای آنها, منظور علی و شیعیانش هستید این مقام که خدا از انسان راضی و انسان از خدا راضی باشد از مراتب عالی کمال انسانی است ,جنانکه قرآن شریف آن را مخصوص نفوس مطمئنه که با تکیه به یاد خدا به آرامش رسیده از اضطراب عالم کثرت آسوده اند, برشمرده می فرماید: یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه .

۲۲ یاد علی (ع) عبادت است

قال رسول اللّه (ص): ذکر علی عباده ((۱۶۵)) .

۲۳ نگاه به چهره علی (ع) عبادت است

از عایشه روایت شده است که می گفت : ((پدرم را دیدم که زیاد به چهره علی (ع) نگاه می کند به او گفتم :ای پدر چرا تو این اندازه به چهره علی (ع) می نگری ؟)).

به من گفت : ((دخترم از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: نگاه کردن به چهره علی (ع) عبادت است)) ((۱۶۶)) .

۲۴ علی (ع) باب بهشت

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

من شهر بهشتم و علی باب این شهر است در خطاست کسی که فکر می کند از غیر در می توان واردبهشت شد.,

انا مدینه الجنه و علی بابها یا علی کذب من زعم انه یدخلها من غیر بابها ((۱۶۷)) .

۲۵ درخشش علی در بهشت

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

همان طور که ستاره صبح برای اهل دنیا می درخشد, علی (ع) برای اهل بهشت می درخشد.,

علی یزهر لا هل الجنه کما یزهر کوکب الصبح لا هل الدنیا ((۱۶۸)) .

۲۶ علی (ع) بر مسلمانان

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

حق علی بر هر مسلمانی , همانند حقی است که هر پدری بر فرزندش دارد,.

حق علی علی کل مسلم حق الوالد علی ولده ((۱۶۹)) .

۲۷ اطاعت از علی (ع)

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

هرکس از من اطاعت کند, از خدا اطاعت کرده و هر کس از علی اطاعت کند از من اطاعت کرده هر کس من را نافرمانی کند, از خدا نافرمانی کرده است و هرکس علی را نافرمانی کند, مرانافرمانی کرده است ,.

من اطاعنی فقد اطاع اللّه و من اطاعک اطاعنی , و من عصانی فقد عصی اللّه و من عصاك فقدعصانی ((۱۷۰)) .

۲۸ رازدار رسول خدا(ص)

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

راز دار من علی است ,.

صاحب سری علی بن ابیطالب ((۱۷۱)) .

و عایشه از پدرش نقل می کند که علی (ع) راز دار رسول خدا(ص) بود ((۱۷۲)) .

۲۹ علی , سر پیامبر

فرمود:.

علی نسبت به من همانند سر است در بدن ,.

علی منی مثل راسی من بدنی ((۱۷۳)) .

۳۰ القاب علی

یکی از معیارهایی که می توان برای تعیین خلیفه رسول خدا(ص) به آن اعتماد کرد عناوین و القابی است که پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات خود به افراد داده است به طوری که از کتب اخبار و حدیث استفاده می شود, هیچ یک از اصحاب پیامبر

اکرم (ص) به انـدازه امیرالمؤمنین علی (ع) به دریـافت القـاب بلنـد وعناوین عالی مفتخر نبوده انـد از جمله عناوینی که پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات خویش به علی (ع)اعطا کرده است , می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۳۰ ۱ صدیق , ((۱۷۴)) .

۳۰ ۲ صدیق اکبر, ((۱۷۵)) .

۳۰ ۳ سیدالعرب ,.

روزی رسول اکرم (ص) به عایشه فرمود: ((اگر می خواهی سید و آقای عرب را ببینی به علی بن ابی طالب نگاه کن)) عایشه عرض کرد: ای پیامبر خدا مگر سید عرب تو نیستی فرمود: ((من آقای نسل بشرم و علی آقای عرب است)) ((۱۷۶)) .

۳۰ ۴ سیدالمسلمین و امام المتقین ((۱۷۷)) .

۳۰ ۵ سیدالمؤمنین و امام المتقین و قائد الغرالمحجلین ,.

یعنی : آقای مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و سرآمد روسفیدان مشهور (در قیامت).

پیـامبر اکرم (ص) فرمـود: در شـبی که به معراج رفتم , دربـاره علی بن ابی طـالب سه چیز به من وحی شـد:او آقـای مؤمنـان و پیشوای پرهیزکاران و سرآمد روسفیدان مشهور (در قیامت) است ((۱۷۸)) .

۳۰ ۶ یعسوب المؤمنین , رئیس مؤمنان ((۱۷۹)) .

۳۰ ۷ امیرالمؤمنین , ((۱۸۰)) .

۳۰ ۸ سید شباب اهل الجنه

, ((۱۸۱)) .

توضیح : به طوری که از احادیث استفاده می شود, اهل بهشت همگی جوان هستند, یعنی پیران نیزهنگام ورود به بهشت جوان می شوند بنابراین اگر کسی سید جوانان بهشتی باشد, به این معناست که سید و آقای تمام اهل بهشت است .

۳۰ ۹ خیرالبریه , بهترین مخلوقات ((۱۸۲)) .

این لقب تا آنجا برای علی بن ابی طالب (ع) مشهور شده بود که وقتی اصحاب او را می دیدند,می گفتند: قد جا خیر البریه , یعنی بهترین مخلوقات آمد ((۱۸۳)) .

۳۰ ۱۰ حجت خدا,

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

من و علی حجت خدا بر بندگان او هستیم ,.

انا و علی حجه اللّه علی عباده ((۱۸۴)) .

۳۰ ۱۱ وزیر پیامبر.

انس بن مالک می گوید: ((هنگامی که سوره نصر نازل شد, ما فهمیدیم این سوره خبر از وفات پیامبر(ص) می دهد به سلمان فارسی گفتیم : از پیامبر اکرم (ص) بپرسد که پس از او چه کسی مرجع وپناهگاه ما خواهد بود, و چه کسی را بیش از همه دوست می دارد سلمان خدمت حضرت رسید و این مطلب را از او پرسید حضرت روی برگرداند پاسخ نداد سلمان دوباره پرسید باز هم حضرت روی برگردانده پاسخ نفرمود سلمان ترسید پیامبر خدا(ص) را ناراحت کرده باشد از این رو دیگر چیزی نگفت پس از مدتی پیامبر اکرم (ص) به سلمان فرمود: می خواهی جواب سؤالت را بدهم ؟

عرض کرد: یارسول اللّه ! من ترسیدم شما را خشمگین کرده باشم فرمود: نه بدان که برادرم , وزیرم , خلیفه و جانشینم در خاندانم , بهترین کسی که پس از من به جا

می ماند و دینم را ادا می کند و وعده هایم را جامه عمل می پوشد, علی بن ابی طالب است)) ((۱۸۵)) .

امیرالمؤمنین علی (ع) در مواردی خود به این فضیلت اشاره کرده می فرمود: ((من برادر و وزیر پیامبرخدایم هیچ کس پیش از من این را نگفته و پس از من نیز کسی نخواهد گفت , مگر آنکه دروغگو باشد)) ((۱۸۶)) .

فصل چهارم : یک آسمان فضیلت

توضیح

غدیر جاری خروشانی است که از فضایل بی شمار علی (ع) سرچشمه می گیرد به حتم اگر در میان اصحاب پیامبر گرامی اسلام (ص) کسی برتر از امیرالمؤمنین (ع) بود, همو به این منصب افتخار می یافت ولی حق این است که پس از پیامبر اکرم (ص) نه تنها کسی از علی (ع) برتر نیست , بلکه هیچ یک از امت به پایه آن حضرت نمی رسد ((۱۸۷)) فضایلی که از رسول خدا(ص) و اصحابش برای علی (ع) نقل شده است , بیش از همه فضایلی است که برای تمامی اصحاب گفته اند این در حالی است که دست تبهکارسیاست , تا آنجا که در توان داشت فضایل آن حضرت را پوشاند و برای حفظ موقعیت خود, از آن حضرت بدگویی کرده است ((۱۸۸)) .

امام احمد بن حنبل می گوید: ((درباره هیچ یک از اصحاب رسول خدا(ص) به اندازه علی (ع) فضیلت روایت نشده است)) ((۱۸۹)) .

مردی در حضور ابن عباس گفت : سبحان اللّه ! چه بسیار است فضایل و مناقب علی (ع)! گمان می کنم سه هزار فضیلت در او باشد ابن عباس گفت : ((چرا نمی

گویی فضایل آن حضرت به سی هزارنزدیک تر است)) ((۱۹۰)) .

سلیمان اعمش در جواب منصور دوانیقی خلیفه عباسی که از او می پرسد چند روایت درباره علی (ع) نقل کرده ای , می گوید: ((تعداد کمی از فضایل او را توانسته ام روایت کنم حدود ده هزار یاکمی بیشتر)) ((۱۹۱)) .

ابن حجر در صواعق می نویسد: ((در شان هیچ کس به اندازه علی (ع) قرآن نازل نشده است)) ((۱۹۲)) .

همو می نویسد: ((درباره علی (ع) سیصد آیه قرآن نازل شده است)) ((۱۹۳)) .

و از ابن عباس روایت کرده است : ((در هر جای قرآن یا ایها الذین آمنوا آمده است , علی , امیر و شریف آنهاست خدا در موارد زیادی اصحاب محمد(ص) را سرزنش کرده است , ولی از علی (ع) جز به نیکی یاد نکرده است)) ((۱۹۴)) .

ما در این بخش پاره ای از فضایلی را که به آن حضرت شایستگی رهبری جامعه مسلمین و خلافت رسول خدا را بخشیده است , برمی شمریم .

۱ اشتراک گوهری با رسول مکرم اسلام (ص)

هر چند ما از کشف حقیقت این اشتراك ناتوانیم , ولی از طریق روایات می توان به وجود آن پی برد ازپیامبر اکرم (ص) روایات زیادی با بیانهای مختلف وارد شده که نشان می دهد, اصل و گوهرامیرالمؤمنین (ع) با گوهر پیامبر اکرم (ص) یکی است .

طبق این روایات :.

الف نور پیامبر اکرم (ص) و نور علی (ع) پیش از خلقت آدم (ع) وجود داشته و آن دو بزرگوار از یک عنصر آفریده شده اند ((۱۹۵)) .

منظور از نور همان , عنصر

معنوی و طینت ملکوتی است که در ایجاد ساختار وجودی انبیا و ائمه نقش اساسی دارد.

ب خداوند مردم را از درختهای گونه گون آفرید, ولی پیامبر(ص) و علی (ع) را از یک درخت آفرید.

قال رسول اللّه (ص): یا علی الناس من شجر شتی و انا و انت من شجره واحده ((۱۹۶)) .

ج خداوند علی (ع) و پیامبر(ص) را با هم انتخاب کرده است ((۱۹۷)) .

د علی (ع) چون خود پیامبر است .

اضافه بر آیه کریمه مباهله و روایاتی که در ذیل آن وارد شده است , روایات مستقلی در دست است که بر اتحاد وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) صحه می گذارد.

طبق این روایات هر وقت لازم می شد که پیامبر اکرم گروه یا قبیله ای را تهدید کند, در حالی که به علی (ع) اشاره می کرد می فرمود: ((یا دست از این کارها بردارید, یا کسی را به سراغ شما می فرستم که چون خود من است)) ((۱۹۸)) .

ه گوشت و خون او گوشت و خون پیامبر است .

لحمه لحمی و دمه دمی , گوشت او گوشت من است و خون او خون من است ((۱۹۹)) .

و علی نظیر پیامبر است ((۲۰۰)) .

ز علی ریشه و اصل پیامبر است (علی اصلی) ((۲۰۱)) منظور از این کلام شاید این باشد که همان طور که ریشه موجب ثبات درخت می شود, وجود علی (ع) موجب ثبات و دوام مکتب پیامبر و در نتیجه زنده ماندن نام آن حضرت است نیز می تواند به این معنا باشد

که علی از اصل و ریشه پیامبر اکرم است , و این تعبیری است عرفی که در مورد خویشان نزدیک به کار می رود.

ح علی (ع) همانند سر در بدن رسول خداست .

علی منی کراسی من بدنی , علی نسبت به من همانند سر در بدنم می باشد.

۲ تربیت علی (ع)

به اتفاق همه مورخان , علی (ع) از سن طفولیت در دامن پیامبر(ص) پرورید و تحت نظر آن بزرگوار تربیت شد ((۲۰۲)) .

در سالهای پیش از بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) در مکه خشکسالی و قحطی روی داد و قریش بامشکل مالی مواجه شد جناب ابوطالب فرزندان زیادی داشت , به همین جهت پیامبر اکرم (ص) به عمویش عباس پیشنهاد کرد به منظور کمک به ابوطالب هر کدام سرپرستی یکی از فرزندان او را به عهده گیرند عباس سرپرستی جناب جعفر را به عهده گرفت و پیامبر اکرم (ص) سرپرستی علی (ع) را.

ابن اثیر این واقعه را از نعمتهای الهی که خداوند بر علی (ع) ارزانی داشته می شمرد و در پایان می نویسد: ((پس از آن علی (ع) پیوسته در نزد پیامبر بود, تا آن حضرت به رسالت مبعوث شد و علی (ع)از او پیروی کرد)) ((۲۰۳)) .

آن حضرت خود در این باره می فرماید:.

آنگاه که کودک بودم مرا در کنار خود نهاد و بر سینه خویشم جا داد و مرا در بستر خودمی خوابانید, چنانکه تنم را به تن خویش می سود, و بوی خوش خود را به من می بویانید و گاه بود,که چیزی را می جوید, سپس آن را به من می

خورانید ((۲۰۴)) .

مورخ شهیر مسعودی در اثبات الوصیه می نویسد:.

رسول خدا(ص) سی ساله بود که علی (ع) متولد شد آن حضرت نسبت به او محبت شدیدی داشت به خواسته خودش فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین , گهواره علی را درکنار بستر آن حضرت گذاشت و حضرتش تربیت علی (ع) را به عهده گرفت , شیر دردهانش می گذاشت و گهواره اش را می جنبانید, تا به خواب رود, و چون بیدار می شد, با اوبازی می کرد گاه او را به دوش می گرفت گاهی در آغوش می کشید و گاهی بر سینه خودمی گذاشت و می فرمود: ((علی برادر, یاور, منتخب , وصی , ذخیره , داماد و امین من است)).

او را با خود به اطراف مکه می برد و در دشت و دره و کوه می گرداند, و چنین بود تازمانی که در مکه خشکسالی شد و ابوطالب که مردی جواد و بخشنده بود, دستش تهی گردید.

از آن زمان رسول خدا خود تعلیم و تربیت علی را به عهده گرفت ((۲۰۵)) .

۳ سابقه در اسلام

بدون شک علی (ع) اولین مردی است که اسلام آورده و به پیامبر(ص) گرویده است ولی قبل از ورود به این بحث یادآوری دو نکته ضروری است :.

یک) اسلام حضرت امیرالمؤمنین (ع) با سایر مردم یک تفاوت اساسی دارد: سایر مسلمانان در صدراسلام , وقتی به اسلام روی می آوردند که سالها بت پرستیده بودند, ولی امیرالمؤمنین (ع) هیچ گاه سر به آستانه غیر خدا نساییده و هرگز بت نپرستیده بود اگر می گوییم او اولین مسلمان است , به همان معناست

که ابراهیم خلیل (ع) فرمود: ((من اولین مسلمانم)) ((۲۰۶)) اگر می گوییم او نخستین مؤمن است , به همان معناست که حضرت موسی (ع) فرمود: ((من اولین مؤمنم)) ((۲۰۷)) اگر می گوییم علی (ع) اسلام آورد, به همان معناست , که قرآن کریم درباره ابراهیم (ع) می فرماید: ((یاد آور هنگامی را که پروردگارش بدو گفت اسلام بیاور او گفت : من تسلیم پروردگار عالمیان شدم)) ((۲۰۸)) و اگر می گوییم او ایمان آورد, بدان معناست که قرآن کریم در شان رسول مکرم اسلام (ص) می فرماید: ((رسول ما به آنچه از پروردگارش نازل شده ایمان آورده است)) ((۲۰۹)) .

دو ایمان به معنای گرایش و باو...به چیزی در افراد مختلف متفاوت است , و همین تفاوت مراتب ایمانی است که موجب قرب و بعد افراد نسبت به ساحت قدس پروردگار می شود.

امیرالمؤمنین (ع) در بالاـترین مراتب ایمان و یقین به پروردگار عالم و معارف حقه اسلامی قرار داشت و خود می فرمود: ((به خدا اگر پرده ها کنار روند, چیزی بر یقین من افزوده نمی شود)) ((۲۱۰)) .

و پیامبر اکرم (ص) درباره ایمان او می فرماید: ((اگر ایمان علی در یک کفه ترازو قرار گیرد و آسمان وزمین در کفه دیگر, ایمان علی سنگین تر از آنها خواهد بود)) ((۲۱۱)) .

حتی اگر از دو جهت پیش گفته صرف نظر کرده علی را مانند سایر مسلمانان بدانیم , باز او اولین کسی است که اسلام آورد, یعنی در همان روزی که پیامبر اسلام (ص) به پیامبری مبعوث شد.

انس بن مالک می گوید: ((رسول

خدا(ص) روز دوشنبه مبعوث شد و علی (ع) روز سه شنبه با او نمازگزارد ((۲۱۲)) یا به او ایمان آورد ((۲۱۳)) و همان روزی که رسالت خود را اعلام کرد اولین کسی که صریحا اعلام ایمان و پشتیبانی از او کرد, علی (ع) بود گرچه به حسب سن کوچکترین فرد حاضر مجلس به شمارمی رفت ((۲۱۴)) زیرا ده بهار بیشتر از عمر شریفش سپری نشده بود ((۲۱۵)) او خود می فرماید: من پیش از همه مسلمان شدم , در حالی که نوجوانی نابالغ بودم)) ((۲۱۶)) .

سابقه آن گرامی در اسلام چنان مشهور است که بسیاری از علما و مورخان اهل سنت گفته اند: ((اولیت آن حضرت در اسلام اجماعی است)) ((۲۱۷)) .

بسیاری از صحابه پیامبر(ص) و تابعین به این فضیلت اعتراف کرده اند علامه امینی (ره) پنجاه و یک نفر از صحابه و تابعین و دانشمندان اهل سنت را نام می برد که این فضیلت را روایت کرده اند, و نام پانزده نفر از شعرای صدر اسلام را که در این باره اشعاری سروده اند یاد می کند ((۲۱۸)) .

علاوه بر این , احادیث فراوانی از رسول مکرم (ص) نقل شده است که علی (ع) را اولین مسلمان شمرده است .

آن حضرت فرمود: ((اولین کسی که در کنار حوض بر من وارد می شود, کسی است که پیش از همه اسلام آورده است , یعنی علی بن ابی طالب ((۲۱۹)) .

و فرمود: ((اولین کسی که با من نمازگزارد علی بود)) ((۲۲۰)) .

و فرمود: ((هفت سال جز علی کسی با من نماز نگزارد و ملائکه بر ما

دو نفر درود می فرستادند)) ((۲۲۱)) .

بنا به نقل مسعودی در اثبات الوصیه آن حضرت دو سال پیش از بعثت با نبی مکرم اسلام نمازمی خواند ((۲۲۲)) تعابیری که در روایات مختلف این معنا را افاده می کنند, فراوان است برای نمونه به چندتعبیر مشهور اشاره می کنیم :.

۱ اول من اسلم , ((۲۲۳)) یعنی اولین کسی که اسلام آورد.

۲ اول من آمن , ((۲۲۴)) یعنی اولین کسی که ایمان آورد.

۳ اول من صلی , ((۲۲۵)) یعنی اولین کسی که نماز گزارد.

۴ اقدم امتی سلما, ((۲۲۶)) یعنی آنکه در اسلام بر همه امتم پیش است .

۵ اول المؤمنین ایمانا و اولهم اسلاما, ((۲۲۷)) یعنی آنکه پیش از همه ایمان آورد و پیش از همه اسلام را پذیرفت .

آن حضرت خود نیز بارها به این نکته تصریح کرده می فرماید: ((من اولین کسی هستم که به رسول خدا(ص) ایمان آوردم)) ((۲۲۸)) .

همچنین می فرماید: ((من نخستین کسی هستم که با رسول خدا نماز خواند)) ((۲۲۹)) .

در یکی از خطبه های نهج البلاغه آمده است :.

من در پی او بودم , در سفر و در حضر, چنانکه شتر بچه در پی مادر هر روز برای من ازاخلاق خود نشانه ای بر پا می داشت و مرا به پیروی آن می گماشت هر سال در حرا خلوت می گزید و من او را می دیدم و جز من کسی وی را نمی دید آن هنگام جز خانه ای که رسول خدا(ص) و خدیجه در آن بود, در هیچ خانه ای مسلمانی راه نیافته بود, و من سومین آنها بودم روشنایی وحی و پیامبری را می

دیدم و بوی نبوت را می شنودم ((۲۳۰)) .

و می فرمود: ((قبل از اینکه کسی از این امت خدا را پرستش کند, هفت سال در کنار رسول خدا او راپرستش کرده ام)) ((۲۳۱)) .

۴ علم و آگاهی

یکی از صفاتی که باید در تعیین رهبر مورد نظر قرار گیرد, علم و آگاهی است در تعیین رهبر و امام جامعه اسلامی که باید بر مبنای احکام شرع اداره شود, علم و آگاهی تاثیر بیشتری دارد.

اگر علم و آگاهی را از شرایط رهبریت جامعه اسلامی بدانیم , به اجماع همه علمای فرق اسلامی امیرالمؤمنین علی (ع) آگاهترین و عالمترین فرد امت است .

آن حضرت در مدت ۲۳ سال ملازمت و همراهی با پیامبر اسلام (ص) ((۲۳۲)) چنان به احکام دین احاطه پیدا کرده بود که هیچ اصل و فرعی از اسلام بر او پوشیده نبود همه اصحاب به علم او محتاج بودند, درحالی که او پس از پیامبر(ص) از همگان بی نیاز بود چرا که در طول ۲۳ سال , هر گاه سؤال می کرد, پاسخ می شنید و هر وقت سکوت می کرد بدون سؤال برایش می گفتند ((۲۳۳)) پیامبر اکرم بدو می فرمود: ((من مامورم تو را به خود نزدیک کنم و آموزش دهم)) ((۲۳۴)) .

احادیثی که درباره علم سرشار امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر مکرم اسلام (ص) به دست ما رسیده فراوان است برخی از آنها بدین قرارند:.

بعد از من آگاه ترین افراد امتم علی است ,.

اعلم امتی من بعدی علی بن ابی طالب ((۲۳۵)) .

علی ظرف علم من است ,.

علی امیرالمؤمنین وعا علمی ((۲۳۶)) .

علی باب علم

من است ,.

علی باب علمی ((۲۳۷)) .

علی صندوق علم من است .

علی عیبه علمی ((۲۳۸)) .

تو گوش شنوای علم منی ,.

انت اذن واعیه لعلمی ((۲۳۹)) .

آگاه ترین و بیناترین اصحاب در قضاوت است ((۲۴۰)) .

علی دانشش از همه بیشتر است ((۲۴۱)) .

من خانه حکمتم و علی در این خانه است ,.

انا دار الحکمه و علی بابها ((۲۴۲)) .

من شهر حکمتم و علی در این شهر است هر کس که حکمت می خواهد, از راه در بیاید,.

انا مدینه الحکمه و علی بابها فمن اراد الحکمه فلیات الباب ((۲۴۳)) .

من شهر علمم و علی در این شهر است هر کس می خواهد وارد شهر شود, از در بیاید,.

انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب ((۲۴۴)) .

مرحوم علامه امینی (ره) در جلد ششم الغدیر (ص ۶۱ تا ۷۷) در ذیل این شعر شمس الدین مامکی :.

و قال رسول اللّه انی مدینه .

من العلم و هو الباب فاقصد ((۲۴۵)) .

۱۴۳ نفر از علمای اهل سنت را نام می برد که حدیث ((انا مدینه العلم و علی بابها)) را روایت کرده اند وعلی (ع) خود می فرمود: ((رسول خدا هزار باب از علم را به من آموخت که از هر باب هزارباب گشوده می شد)) ((۲۴۶)) .

و فرمود: ((از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست بدهید, که هر چه پایین تر از عرش از من بپرسیدپاسخ خواهم داد)) ((۲۴۷)) .

و می فرمود: ((به خدا هر آیه ای را می دانم درباره چه نازل شده و کجا نازل شده است زیرا پروردگارم به من قلبی متفکر

و زبانی پرسشگر داده است)) ((۲۴۸)) .

و می فرمود: ((درباره کتاب خدا از من بپرسید به خدا قسم می دانم , هر آیه در شب نازل شده , یا درروز, در دشت نازل شده یا در کوه)) ((۲۴۹)) .

خلیفه دوم می گفت : ((علی (ع) از همه ما به قضاوت آگاهتر است)) ((۲۵۰)) .

و ابن مسعود می گفت : ((علی از تمام اهل مدینه به قضاوت آگاهتر است)) ((۲۵۱)) .

و می گفت : ((علی (ع) از همه امت برتر, داناتر و به قضاوت آگاهتر است)) ((۲۵۲)) .

یادآور می شود که آگاهی به قضاوت , عبارت دیگری از آگاهی به اسلام و سنت رسول خدا(ص) است .

عایشه می گفت : ((علی (ع) از همه مردم به سنت آگاهتر است)) ((۲۵۳)) .

و امام حسن مجتبی (ع) فردای شهادت پدر بزرگوارش به مردم فرمود: ((دیروز مردی از میان شما رفت که در علم و دانش , گذشتگان از او پیش نبودند و آیندگان نیز به او نرسند)) ((۲۵۴)) .

ابن عباس نیز افزوده است : ((علم شش بخش است : پنج قسمت آن نزد علی (ع) است و یک قسمت به سایر مردم رسیده است که علی در آن نیز با مردم شریک است او از همه بیشتر برده و داناتر است)) ((۲۵۵)) .

و هم او گفته است : ((حکمت به ده قسمت تقسیم شده است : نه قسمت از آن را به علی داده اند و یک قسمت را به همه مردم)) ((۲۵۶)) .

۵ فداکاری و دفاع از اسلام

هرکس با مطالعه تاریخ صدر اسلام در می یابد, که

عمر شریف امیرالمؤمنین علی (ع) در دفاع از اسلام سپری شد اسلام در هیچ زمانی مدافعی والاتر از علی (ع) نداشته است , و چنانکه ابن عباس می گوید,هیچ کس به اندازه او خود را در معرض خطر قرار نمی داد ((۲۵۷)) .

ما در این مجال به چند مقطع حساس تاریخ اسلام که حضور امیرالمؤمنین (ع) پیروزی حق و حفظاسلام را رقم زده اشاره می کنیم .

پس از فداکاری های سیزده ساله آن حضرت در مکه که خود شرحی مفصل و حماسی دارد اولین نمود فداکاری و از خودگذشتگی امیرالمؤمنین (ع) خوابیدن در بستر پیامبر(ص) در شب هجرت است این اقدام شجاعانه و توام با فداکاری باعث شد مشرکان متوجه غیبت پیامبر اکرم (ص) در مکه نشوند, وآن حضرت در فرصتی کافی و بدون هراس از تعقیب , نقشه هجرت خویش را طراحی کند ((۲۵۸)) دراهمیت این شب و ارزش کار علی (ع) کافی است که بدانیم آیه ذیل در همین رابطه نازل شد:.

و من الناس من یشری نفسه ابتغا مرضات اللّه واللّه رؤوف بالعباد, ((۲۵۹)) .

و گروهی از مردم , آنانند که در راه کسب رضای خدا از جان خود می گذرند, و خدا به این بندگان رئوف و مهربان است ((۲۶۰)) .

امام سجاد(ع) فرمود:.

((اولین کسی که در راه رضای خدا از جان خود گذشت , علی ابن ابی طالب (ع) بود,.

ان اول من شری نفسه ابتغا رضوان اللّه هو علی بن ابیطالب ((۲۶۱)) .

پس از هجرت , یکی از نمودهای فداکاری امیرالمؤمنین (ع) در راه حفظ اسلام , حضور درجنگ بدر

است .

از روایاتی که در این باب وارد شده چنین برمی آید که حضرتش در روز بدر چنان درخشید و از جان گذشتگی کرد, که خاطره حضورش حتی پس از شهادت آن حضرت در اذهان مسلمانان باقی بود, و پس از آن , کتب اخبار و حدیث از ذکر آن مشحون است ((۲۶۲)) .

در روز جنگ احد به حدی در راه حفظ جان پیامبر(ص) پای فشرد که بعضی از اهل حدیث گفته اند:((گشایش روز احد با صبر علی میسر شد)).

او خود فرمود: ((من در روز جنگ احد شانزده ضربت خوردم)) ((۲۶۳)) ابن اثیر در اسدالغابه می نویسد:.

در روز احد, شانزده ضربت خورد که هر یک او را به زمین می افکند, ولی جبرئیل اورا بلند می کرد ((۲۶۴)) .

و در روایتی است :.

کسی که در روز احد علمداران مشرکان را به هلاکت رساند, علی (ع) بود وقتی آنها راکشت پیامبر گروهی از مشرکان را دید, فرمود: علی جان ! به آنها حمله کن حضرت حمله کرد, آنها را پراکنده ساخت و تعدادی از آنها را کشت پس از آن پیامبر(ص) گروه دیگری رادید دستور حمله داد علی (ع) حمله کرد, آنها را پراکنده ساخت و تعدادی از آنها را کشت و چون این ماجرا برای بار سوم تکرار شد, جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) عرض کرد: یا رسول اللّه فداکاری این است .

حضرت فرمود: آری چون او از من است و من از اویم .

جبرئل عرض کرد: و من نیز از شمایم .

آنگاه صدایی شنیدند که می گفت : لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی ,

.((۲۶۵))

شمشیر اگر هست , ذوالفقار است و جوانمرد اگر هست , علی است .

در روز خندق , ضربت امیرالمؤمنین (ع) بود که سرنوشت جنگ را تعیین کرد, و عمرو بن عبدود را که نزدیک بود با هیاهو لشکر اسلام را دچار تزلزل کند, بر زمین افکند پس از آن کفار مهاجم , چنان دچارترس و وحشت شدند که بی اختیار پراکنده شده مدینه النبی از شر آنان در امان ماند پاداش آن دلیری ,نشانی بود که پیامبر(ص) برای همیشه بر سینه او آویخت : ضربت علی در روز خندق از اعمال همه امتم تاروز قیامت برتر است ((۲۶۶)) .

و هنگامی که حضرت علی (ع) به میدان می رفت فرمود: ((تمام اسلام به میدان تمام کفر می رود)) ((۲۶۷)) .

و فرشته وحی فرود آمده در شان او قرائت کرد:.

ورد اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا و کفی اللّه المؤمنین القتال , ((۲۶۸)) .

خداوند مشرکان را خشمگین برگرداند, در حالی که به هیچ خیری دست نیافتند و خداوندمؤمنان را از جنگیدن بی نیاز کرد.

نزول این آیه در شان امیرالمؤمنین به قدری مشهور و مسلم بود که بنا به نقل سیوطی در درالمنثور ابن مسعود, صحابی بزرگ پیامبر و قاری قرآن این آیه را چنین می خواند و کفی اللّه المؤمنین القتال بعلی ((۲۶۹)) , یعنی خداوند با علی , مؤمنان را از جنگیدن بی نیاز کرد.

پیوست این کلمه به آیه قرآن از سوی ابن مسعود, نشان می دهد که نزول آیه در شان امیرالمؤمنین (ع)در نزد او مسلم بوده است .

خیبر, یکی دیگر از صحنه های حضور تعیین کننده علی (ع

) بود, به این معنا که بـدون حضور او اسـلام در پشت درهای بسـته خیبر متوقف می شـد و لشـکر اسـلام ناکام به مدینه باز می گشت آنگاه معلوم نبودیهود با اسلام و مسلمانان چه می کرد دو روز متوالی لشکر اسلام از مقابل سپاه یهود شکست خورده به اردوگاه خود بازگشته بود.

پیامبر(ص) در حضور همه سپاهیان فرمود: ((فردا پرچم جنگ را به دست کسی می دهم که خدا ورسول را دوست می دارد و خدا و رسولش او را دوست می دارند, مهاجمی که هرگز فرار را تجربه نکرده است)) آن شب را همه اصحاب با این آرزو به سر بردند که فردا پیامبر(ص) احضارشان کند و پرچم را به دستشان دهد ولی با طلوع خورشید رسول گرامی (ص) علی (ع) را خواست گفتنـد: یـا رسول اللّه ! علی درد چشم دارد فرمود: او را بیاوریـد علی را آوردنـد حضـرت آب دهـان به چشـمانش مالیـد و پرچم را به دسـتش داد و راهی میدان کرد و آن فتح نمایان که در تاریخ مشـهور است به دست او انجام شد و مشـکل حضور یهود در جزیره العرب برای همیشه حل شد ((۲۷۰)) .

آن روز سپر از دست حضـرت افتـاد, یکی از درهای قلعه را بر کنـد و تا پایان جنگ به مثابه سپر دردست داشت پس از جنگ سپاهیان آزمودند و دانستند که برای حمل آن در, چهل نفر ((۲۷۱)) و برای برگرداندن آن ۸ نفر لازم بود ((۲۷۲)) .

در حنین هنگامی که همه لشکر گریختند, و رسول مکرم اسلام (ص) را تنها گذاشتند, جز سه نفر کسی در

میدان باقی نماند: عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر, ابوسفیان بن حارث پسر عموی پیامبر وامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و او بود که شجاعانه در کنار پیامبر جنگید و از جان شریفش دفاع کرد, تا جنگ به نفع اسلام مغلوبه شد ((۲۷۳)) .

پیش از آن نیز, در روز فتح مکه , علی (ع) بود که پا بر دوش پیامبر نهاده کعبه را از لوث وجود بت تطهیر نمود ((۲۷۴)) .

و خلاصه آنکه علی (ع) جز در جنگ تبوک که به دستور پیامبر در مدینه ماند, در تمام جنگهاحضور داشت ((۲۷۵)) .

ابن عباس می گوید: ((در تمام حملات , پرچم رسول خدا بر دوش علی (ع) بود)) ((۲۷۶)) .

و چنین بود که وجود علی (ع) به عنوان تایید وجود شریف پیامبر گرامی اسلام (ص) به شماررفت .

پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

لما عرج بی رایت علی ساق العرش مکتوبا لا اله الا اللّه محمد رسول اللّه ایدته بعلی نصرته بعلی , ((۲۷۷)) .

آنگاه که مرا به معراج بردند, دیدم بر پایه عرش نوشته است : خدایی جز خدای یکتانیست محمد رسول خداست او را با علی تایید کردم , او را با علی یاری کردم .

۶ قرابت

قرابت با رسول خدا(ص) یکی از امتیازاتی است که در طول تاریخ برای تصدی منصب خلافت مورداستناد قرار گرفته است تا آنجا که شاید نتوان کسی را یافت که در حال تصدی این منصب ادعای قرابت بارسول گرامی اسلام (ص) را نداشته است .

این امتیاز در سقیفه بنی ساعده , ملاک عمل قرار گرفت مهاجرانی که در سقیفه حضور داشتند به خویشاوندی

خود با رسول اکرم (ص) استدلال می کردند و با همین دلیل , انصار را از بیعت با سعدبن عباده باز داشتند ((۲۷۸)) .

ما نیز معتقدیم قرابت با رسول اکرم (ص) شرط خلافت و جانشینی است , ولی نه خویشاوندی ظاهری که اهل سقیفه در نظر داشتند, هر چند امیرالمؤمنین علی (ع) از نظر ظاهری هم نزدیک ترین فردبه رسول خدا(ص) بود او پسر عمو, داماد و برادر رسول خدا(ص) بود و در میان مسلمانان هیچ کس این سه نسبت را یکجا نداشت علی (ع) پسر عموی پیامبر بود, پسر جناب ابوطالب که نسبت به وجودمقدس پیامبر اکرم (ص) سمت پدری داشت , و عمر شریف خود را در راه دفاع از اسلام و پیامبراسلام (ص) سپری کرده و در سخت ترین , شرایط حاضر نشد دست از حمایت آن بزرگوار بردارد ((۲۷۹)) داماد پیامبر بود, شوهر حضرت صدیقه اطهر که نزد پیامبر اسلام محبوبترین انسانها بود ((۲۸۰)) هرکدام ازاصحاب که او را خواستگاری می کردند, حضرت جواب منفی می داد, تا اینکه او را به عقدعلی بن ابی طالب (ع) در آورد ((۲۸۱)) و فرمود: ((خدا به من دستور داده است : فاطمه را به ازدواج علی درآورم)) ((۲۸۲)) .

و برادر پیامبر اکرم (ص) است که حضرتش از میان تمام مهاجر و انصار او را به برادری خود برگزید ((۲۸۳)) و فرمود: در دنیا و آخرت تو برادر منی , انت اخی فی الدنیا و الاخره ((۲۸۴)) .

و فرمود: تو برادر و همراه منی , انت اخی و صاحبی ((۲۸۵)) .

پیامبر اکرم (ص

) گاهی او را برادر خود می خواند گاهی خویش خود می نامیدش و گاه او را از اهل بیت خود می شمرد.

هنگـامی که قرآن شـریف مسـلمانان را موظـف کرد تـا به عنـوان اجر رسـالت خویشـان رسول اکرم (ص) رادوست بدارنـد و فرمود: قـل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی , ((۲۸۶)) یعنی : ای رسول مـا به مسـلمانان بگو در مقابل رسالت خویش مزدی نمی خواهم جز آنکه با خویشان من دوستی کند پرسیدند:یا رسول اللّه خویشان تو کیانند؟

فرمود: ((علی , فاطمه و دو پسر ایشان)) ((۲۸۷)) .

آری علی (ع) بـا پیـامبر اکرم نسـبتی بس نزدیـک دارد که هم خود بـدان افتخـار می کنـد, و هم همه اصـحاب به آن اعتراف دارند در روز شوری اهل شوری را مخاطب قرار داده فرمود: ((شـما را به خدا قسم می دهم ! آیا در بین شـما کسـی هست که در خویشی به رسول خدا(ص) از من نزدیکتر باشد؟)) همه گفتند:نه به خدا ((۲۸۸)) .

ولی قرابت علی (ع) بـا پیـامبر اکرم (ص) از این هم نزدیکتر است آن حضـرت نه تنهـا خویش رسول خـدا, بلکه از اهـل بیت اوست ((۲۸۹)) .

هنگامی که آیه مباهله ((۲۹۰)) نازل شد, حضرت , علی , فاطمه و حسن و حسین را نزد خود خواند وعرض کرد: ((الهی اینان اهل منند)) ((۲۹۱)) .

برای اینکه همه مسـلمانان بداننـد که اهـل بیت پیـامبر چه کسانی هسـتند, وقتی آیه شـریفه و امر اهلک بالصـلاه واصـطبر علیها ((۲۹۲)) (خانواده خویش را به نماز فرما و خود در ادای آن پایمردی کن نازل شد,) تاچند ماه هر

روز صبح به در خانه آنها می آمد, می ایستاد و می فرمود:.

الصلاه رحمکم اللّه ((انما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا)),.

یعنی : وقت نماز است خدایتان رحمت کند به درستی که خدا اراده کرده است , از شماخانواده , پلیدی را دور کند و شما را پاک و پاکیزه فرماید.

خواندن این آیه شریفه , خود بیان و توضیح دیگری بود, برای اینکه همگان بدانند خانواده پیامبر کیانند.

آنگاه که علی (ع) را فرستاد تا سوره برائت را از ابوبکر گرفته خود برای ابلاغ در مراسم حج به مکه ببرد, در توضیح این کار خود فرمود: ((این سوره را جز مردی از خانواده ام کسی ابلاغ نمی کند, لا یبلغها الارجل من اهلی ((۲۹۳)) .

آری علی هم خویش پیامبر است , هم از اهل اوست ولی او فراتر از این معنا قرابتی بارسول اکرم (ص) دارد, که ما آن را شرط خلافت می دانیم : قرابتی شرط خلافت است که دو طرف نسبت را یکی می کند, تا آنجا که دوگانگی نمی ماند تا بحث از نسبت و قرابت لازم شود.

قرآن مجید فرمود: قل تعالوا ندع ابنائنا و ابناکم و نسانا و نساکم و انفسنا و انفسکم ((۲۹۴)) .

به فرمان الهی , پیامبر می بایست , پسرانش را بخواند, زنانش را دعوت کند و خودش را نیز بخواند,آنگاه با مسیحیان نجران مباهله کند و او با حسن و حسین (ع) و با فاطمه اطهر(س) و با علی (ع) آمد تاهمه بدانند آن ((خود)) که باید دعوت شود علی است که علی خود نفس پیامبر است

((۲۹۵)) .

در روز شورا فرمود: ((شما را به خدا قسم می دهم ! آیا در بین شما کسی هست که پیامبر او را به منزله خویش قرار داده باشد؟)) همه گفتند: نه به خدا ((۲۹۶)) .

و چنین بود که پیامبر اکرم (ص) می فرمود: ((علی از من است و من از علی جز من و علی کسی پیام مرا نمی رساند)).

علی منی و انا منه لا یؤدی عنی الا انا او علی ((۲۹۷)) .

و می فرمود: ((گوشت و خونش از گوشت و خون من است)).

لحمه لحمی و دمه دمی ((۲۹۸)) .

و در تهدید کفار می فرمود: ((کسی را به سوی آنان می فرستم که چون خود من است)) ((۲۹۹)) .

و در جواب کسی که از منزلت علی در قلب رسول مکرم می پرسد, رو به اصحاب کرده می فرماید:((این شخص از منزلت خودم در قلب خودم می پرسد)) ((۳۰۰)) .

و چنین است که در مقایسه آن بزرگوار با وجود مقدس رسول اکرم (ص) هر کسی بیگانه می نماید و اگرقرابت با رسول مکرم اسلام (ص) یکی از شرایط خلافت باشد, با وجود علی بن ابی طالب (ع) نوبت به دیگران نمی رسد.

۷ زهد

خلیفه و جانشین رسول خدا در جامعه اسلامی در راس هرم قدرت قرار دارد تمام ثروتهای ملی و اموال عمومی در اختیار اوست , و هموست که می تواند به هر صورتی در این اموال دخل و تصرف کند اندکی گرایش به دنیا کافی است که رهبر جامعه اسلامی را از طریق عدل و انصاف خارج کرده به سؤ استفاده ازقدرت و موقعیت خود, زیاده طلبی

و مال انـدوزی کشانـد جامعه اسـلامی در این باب تجربه های تلخی دارد افراد زیادی به نام خلیفه رسول خدا بر مسـند رهبری جـامعه تکیه زدنـد, ولی بـا مردم به شـیوه قیصـر وکسـری رفتـار کردنـد بنابراین یکی از صـفاتی که برای رهبر جامعه اسـلامی ضروری و اجتناب ناپذیر است ,زهد و بی رغبتی به دنیاست .

صفت زهد در وجود مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) چنان است که پیامبر اکرم (ص) فرمود:.

یا علی ان اللّه قد زینک بزینه لم یزین العباد بزینه احب منها و هی زینه الا برار عند اللّه و هی الزهد فی الدنیا فجعلک لا ترز من الدنیا شیئا و لا ترز الدنیا منک شیئا, ((۳۰۱)) .

ای علی ! خداوند ترا زینتی داده که محبوبتر از آن , زینتی به بندگانش نداده است و آن زینت نیکان است , که همان زهد در دنیاست خداوند تو را چنان آفرید که از دنیا بهره ای نداری و دنیا چیزی ازتو نمی کاهد.

زهـد آن حضـرت چه در زمـان خلافـت و چه پیش از آن , چنان ظهوری داشت که اسـطوره ها آفریـد اینک به چنـد نمونه از تجلی زهد و بی اعتنایی آن امام همام به دنیا و مظاهر آن اشاره می کنیم .

امیرالمؤمنین علی (ع) در زمـان خلافت خود و در حالی که تمام ثروتهای جامعه اسـلامی را در اختیارداشت , لباس وصـله دار می پوشید, ((۳۰۲)) نان خشک و غذای ساده می خورد, و معاش خانواده خود را ازدست رنج خود اداره می کرد.

سوید بن غفله می گوید: ((در دارالاماره , خدمت علی بن ابی طالب (ع) رسیدم دیدم حضرت

نشسته وکاسه ای شیر ترش که بوی ترشی آن از دور به مشام می رسد, پیش رو دارد و تکه ای نان خشک در دست گرفته که تکه های پوست جو در سطح آن به چشم می خورد نان را با دست و گاهی با کمک زانو تکه تکه می کند و در شیر می اندازد وقتی مرا دید فرمود: نزدیک بیا و از غذای ما بخور من عرض کردم : روزه دارم فرمود: از رسول خدا شنیدم که هر کس به خاطر روزه از خوردن آنچه میل دارد چشم بپوشد بر خداسزاوار است که از طعام و شراب بهشت بهره مندش کند)).

سوید می گوید: ((کنیز حضرت آنجا ایستاده بود به او گفتم چرا در حق این پیرمرد, از خدا نمی ترسید؟

چرا آرد نانش را صافی نمی کنید و این دانه های درشت را از آن نمی گیرید؟

گفت : حضرت به ما دستورداده است هیچ گاه آرد نانش را الک نکنیم حضرت متوجه صحبت ما شد فرمود: به او چه می گویی ؟

من سخن خود را برای او باز گفتم حضرت در پاسخ من فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه هیچ گاه آرد نانش الک نشد و هرگز سه روز پی درپی خود را از نان گندم سیر نکرد, تا خدایش به نزد خویش برد)) ((۳۰۳)) .

منظور حضرت از این کلام اشاره به سیره رسول مکرم اسلام است .

دیگری می گوید: ((در روز عید قربان , خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) رسیدم حضرت , آبگوشتی به ماتعارف کرد گفتم : با این همه نعمت که خدا عنایت کرده خوب بود گوشت اردک برایمان فراهم می

کردی حضرت فرمود: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: خلیفه از مال خدا جز دو کاسه حقی نداردکاسه ای که خود و خانواده اش بخورد و کاسه ای که به مردم تعارف کند ((۳۰۴)) .

از این کلام شریف استفاده می شود, حضرت , روش حکومت و مردمداری را از رسول خدا(ص)آموخته در تمام مواضع خود از آن بزرگوار پیروی می کرد تمام آنچه از حضرتش چه در زندگی شخصی وچه در زندگی اجتماعی مشاهده می شد, هر کدام درسی بود از درسهایی که در مدت بیست و سه سال همراهی با رسول گرامی اسلام فرا گرفته بود.

نوشته اند: برای حضرت فالوده ای هدیه آوردند ظرف فالوده را پیش رو نهاد, به آن نگریست و فرمود:((خوش رنگ و بویی و طعم خوبی داری , ولی من خود را به چیزی که عادت ندارم عادت نمی دهم)) ((۳۰۵)) .

در زمان خلافتش او را دیدند که در میدان کوفه شمشیری را به معرض فروش گذاشته , می فرماید:((خریدار این شمشیر کیست ؟

به خدا با این شمشیر بارها غبار غم از چهره رسول خدا زدوده ام و اگر پول یک تکه لباس داشتم , این را نمی فروختم)) ((۳۰۶)) .

در همان حالی که درآمد سالانه املاکی که وقف کرده بود به چهل هزار دینار می رسید, خود ازگرسنگی سنگ به شکم می بست ((۳۰۷)) .

او را در بازار کوفه دیدند, خرمایی را که برای مصرف خانواده خویش خریده در پارچه ای ریخته , بردوش حمل می کند علاقه مندان به یاری وی شتافتند و از حضرتش خواستند که اجازه دهد آن را به خانه

برسانند.

فرمود: ((پدر خانواده به حمل این بار سزاوارتر است)) ((۳۰۸)) .

برای همین است که وقتی نزد عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی سخن از زهد می گویند و زاهدان را نام می برند او می گوید: ((زاهدترین مردم در دنیا علی بن ابی طالب (ع) است)).

در توضیح درآمد املاك وقفی حضرت , گفتنی است که هر دینار معادل ۱۸ نخود طلاست بنابراین ۴۰ هزار دینار معادل ۳۰ هزار مثقال طلا می باشد و اگر طلا را به حداقل قیمت روز, یعنی هر مثقال ۱۶۰/ ۰۰۰ ریال فرض کنیم , درآمد سالانه اوقاف آن حضرت معادل ۴/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بوده است .

فصل پنجم : آداب و سنن غدیری

سابقه عید غدیر در میان مسلمانان

اگر عید به معنای بازگشت خاطره تحولات بزرگ در زندگی بشر باشد, در میزان فرهنگ اسلامی , روزغدیر, شایسته آن است که به عنوان بزرگترین عید بشر به ویژه مسلمانان گرامی داشته شود زیرا بزرگترین تحول عمر بشر در این روز رخ داده , و چنانکه از زبان روایات شنیدیم در این روز دین کامل و سعادت بشر تضمین شده است .

همه ادیان آسمانی , مقدمه دین اسلامند و اسلام در روز غدیر کامل شده و خداوند عالم آن را برای بشر پسندیده است .

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا ((۳۰۹)) .

و هیچ رخدادی به اندازه کامل شدن دین در زندگی نوع انسان تاثیرگذار نیست , و به همین جهت هیچ روزی مانند روز غدیر مناسب جشن و سرور نیست و درست به همین دلیل , پیامبر اکرم (ص) خود این روز را عید اعلام کرده مسلمانان را فرمود تا به او تهنیت گویند.

فرمود: هنئونی , هنئونی

ان اللّه تعالی خصنی بالنبوه و خص اهل بیتی بالامامه , ((۳۱۰)) .

به من تهنیت گویید, به من تهنیت گویید خدای تعالی مرا به نبوت , و خاندانم را به امامت ویژگی داد.

و همان حضرت فرمود:.

یوم الغدیر افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی اللّه تعالی ذکره بنصب اخی علی بن ابیطالب علما لا متی یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل اللّه فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمه و رضی لهم الا سلام دینا, ((۳۱۱)) .

روز غدیر, برترین اعیادامت من است آن , روزی است که خدای تعالی مرا مامور کرد, برادرم علی بن ابی طالب را چون نشانه ای برای امتم نصب کنم , تا پس از من بدو راه یابند, و آن , روزی است که خداوند دین مرا کامل و نعمتش را بر امت من تمام نمود و راضی شد که اسلام دین آنها باشد.

بنابراین , توجه به روز غدیر به عنوان یک عید اسلامی , ریشه در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) دارد, وپیامبر اکرم (ص) که این روز را عید اعلام کرده در حقیقت مؤسس این عید است پس از پیامبر اکرم (ص),ائمه اطهار نیز به این روز به عنوان عید توجه ویژه داشتند امیرالمؤمنین علی (ع) در روز جمعه ای که باعید غدیر مصادف شده بود, خطبه ای ایراد کرده , ضمن آن فرمودند:.

خدایتان رحمت کند! امروز در معاش خانواده هایتان توسعه دهید, و به برادرانتان نیکی کنید, و به خاطر این نعمت پیوسته که خدایتان عطا کرده شکر او را به جای آرید با هم باشید تا خداپراکندگی

هایتان را جمع کند به هم نیکی کنید تا خدا به این الفت و اجتماعتان رحمت آورد وچنانکه خدا بر شما منت نهاده , ثواب این عیـد را چنـدین برابر اعیاد دیگر قرار داده از نعمت های اوبه هم هدیه کنید نیکی در این روز مال را افزایش می دهد و عمر را طولانی می کند مهربانی دراین روز رحمت و عطوفت خدا را جلب می کند ((۳۱۲)) .

همان طور که می دانیم در زمان خلافت امیرالمؤمنین (ع) بسیاری از اصحاب پیامبر اکرم (ص) حضورداشتند, و این کلام را می شنیدند, اگر این عید نزد ایشان مسلم نبود, به حتم زبان به اعتراض می گشودند.

پس از امیرالمؤمنین (ع) تا آنجا که راویان حـدیث , موفق به ثبت آثار شده اند, همه ائمه به این روزتوجه ویژه داشـته , آن را عید می دانسته و گرامی داشته اند در این روز خود روزه می داشتند, و اصحاب ووابستگان خویش را به روزه می فرمودند.

ثقه الاسلام کلینی , در کافی از سالم روایت کرده است :.

به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا مسلمانان جز جمعه و فطر واضحی عید دیگری دارند؟ .

فرمود: آری , بزرگترین عید.

گفتم : چه روزی است ؟ .

فرمود: روزی که رسول خدا(ص) امیرالمؤمنین (ع) را به ولایت نصب کرد و فرمود:.

من کنت مولاه فعلی مولاه ((۳۱۳)) .

و از حسن بن راشد نیز روایت می کند که از امام صادق (ع) پرسیدم :.

فدایت شوم ! آیا مسلمانان جز فطر واضحی عیدی دارند؟

فرمود: آری بزرگتر و شریفتر از آن دوگفتم : چه روزی است ؟

فرمود: روزی که

امیرالمؤمنین به ولایت منصوب شد گفتم : فدایت شوم در این روز چه باید بکنیم ؟

فرمود: روزه بگیر و بر محمد و آل محمد درود فراوان بفرست و ازکسانی که به آنها ظلم کردند, اظهار بیزاری کن پیامبران الهی به جانشینان خود دستور می دادندروز تعیین جانشین را عید بگیرند گفتم : کسی که در این روز روزه بگیرد چه پاداشی دارد؟

فرمود:معادل شصت ماه روزه ((۳۱۴)) .

همچنین فرات بن ابراهیم در کتاب تفسیر نقل می کند که از امام صادق سؤال شد: آیا مسلمین برتر ازفطر واضحی و روز جمعه و عرفه عیدی دارند فرمود: آری برتر از آنها, بزرگتر از آنها و در نزد خدا شریفتراز همه آنها, و آن همان روزی است که خدا دینش را کامل کرد, و بر پیامبرش چنین نازل کرد: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا.

راوی گفت : آن چه روزی است ؟ .

فرمود: ((پیامبران بنی اسرائیل همیشه روز تعیین جانشین را عید می گرفتند و عید مسلمین روزی است که رسول خدا(ص) علی (ع) را به ولایت نصب کرد و آیاتی از قرآن در شانش نازل کرد و دین راکامل کرد و نعمتش را بر مؤمنین تمام کرد)) ((۳۱۵)) .

همچنین فرمود: ((این روز روز عبادت و نماز و شادی و سپاسگزاری است چون خدا نعمت ولایت مارا به شما بخشید من دوست دارم , شما در این روز روزه بگیرید)) ((۳۱۶)) .

در روایتی از فیاض بن محمد بن عمر طوسی است , که در روز غدیر خدمت امام رضا(ع) رسیدم دیدم حضرت عده ای از یاران خویش را

برای افطار در خانه خود نگهداشته و هدایایی که شامل لباس و حتی کفش و انگشتر می شد, به خانه هایشان فرستاده است در خانه حضرت و اطرافیان اوحالتی دیگر بودمستخدمان حضرت را دیدم که همه چیز خود را نو کرده و حتی ابزاری را که در روزهای دیگر به کارمی بردند نو کرده اند و آن حضرت درباره فضیلت و شرف آن روز سخن می راند ((۳۱۷)) .

از این گذشته از تاریخ استفاده می شود که مسلمانان در طول دورانهای مختلف به این روز توجه داشته و آن را عید می گرفته اند.

ابوریحان بیرونی در کتاب الاثارالباقیه نوشته است :.

روز هیجدهم , عید غدیر خم می باشد و آن نام منزلی است که پیغمبر پس از حجه الوداع در آنجافرود آمد و جهاز شتران را جمع کرد و بازوی علی بن ابی طالب را گرفت و از آن جهازها بالا رفت وفرمود: هر کس را که من مولا باشم , علی مولای اوست ((۳۱۸)) .

و مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف می نویسد: ((فرزندان و شیعیان علی (ع) این روز رابزرگ می شمرند)) ((۳۱۹)) .

و ابن طلحه شافعی در کتاب مطالب السؤول می نویسد:.

و این روز, روز غدیر خم نامیده شد و روز عید شد چون وقتی است که رسول خدا(ص) او را به منزلت بلندی منصوب فرمود و از میان تمام مردم فقط او را به این شرافت نایل کرد ((۳۲۰))

ثعالبی در ثمار القلوب , شب غدیر را در زمره مناسبت های خاص ذکر کرده می نویسد:.

شب غدیر همان شبی است , که رسول خدا(ص) در فردای آن در غدیر خم

بر پالان شتران خطبه ای خواند و فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه من نصره و اخذل من خذله شیعیان این شب را گرامی داشته آن را به عبادت زنده می دارند ((۳۲۱)) .

همچنین ابن خلکان در شرح حال المستعلی فاطمی پسر المستنصر می نویسد:.

در روز عید غدیر یعنی هیجدهم ماه ذی الحجه سال چهارصد و هشتاد و هفت , مردم بااو بیعت کردند ((۳۲۲)) .

و در شرح حال المستنصر فاطمی می نویسد:.

او در شب پنج شنبه دوازده شب از ذی الحجه باقیمانده از سال چهارصد و هشتاد و هفت وفات کرد و این شب همان شب عید غدیر یعنی هیجدهم ذی الحجه یعنی عید غدیر خم است ((۳۲۳)) .

چنانکه در اخبار و روایات و کلمات مورخان دیدیم , روز غدیر از آخرین سال عمر شریف نبی مکرم اسلام (ص) یعنی همان سالی که علی (ع) را به خلافت منصوب فرمود به عنوان عید شناخته شده و ازهمان سال و همان صحرا پا به پای مسلمین در طول زمان و گستره کشورهای اسلامی پیش رفته است .

از نظر تاریخی , این روز در زمان امام صادق (ع) متوفای سال ۱۴۸, در زمان امام رضا(ع) متوفای سال۲۰۳ , در زمان غیبت صغرا که فرات ابن ابراهیم کوفی و کلینی رازی می زیسته اند, در زمان مسعودی متوفای سال ۳۴۵, ثعالبی نیشابوری , متوفای سال ۴۲۹ و ابوریحان بیرونی متوفای سال ۴۳۰, در زمان ابن طلحه شافعی متوفای ۶۵۴, و ابن خلکان , متوفای ۶۸۱ هجری قمری به عنوان عیدشناخته شده بود.

از نظر گستره

جغرافیایی در مناطق شرقی جهان اسلام , یعنی ماورا النهر محلی که ابوریحان می زیسته , و نیشابور که محل تولد ثعالبی است , تا ری که زادگاه و اقامتگاه کلینی است , و تا بغداد که محل تولد و رشد مسعودی است , تا حلب که محل زندگی و وفات ابن طلحه شافعی و مصر که محل زندگی و وفات ابن خلکان است , مردم به این عید توجه داشته و آن را جشن می گرفته اند این در صورتی است که فرض کنیم هر یک از این بزرگان از محیط زندگی خود خبر داده اند, در حالی که می دانیم اولابعضی از آنها چون مسعودی و بیرونی اکثر کشورهای اسلامی را گشته اند, ثانیا در نوشته های ایشان از این روز به عنوان عید مسلمین یاد شده است .

آداب و اعمال عید غدیر

عنصر اساسی در پیدایش هر عید, در میان ملتها, حادثه ای سعادت بخش و مسرت انگیز است , که دربستر زمان اتفاق افتاده , ظرف حدوث خود را از قبل و بعد آن متمایز می سازد آنگاه مردم , آن روز را عیدنامیده , متناسب با فرهنگ و آیین خود, در طول قرون و اعصار سالروزش را گرامی می دارند.

در فرهنگ اسلامی , این عنصر اساسی , نعمت نامیده می شود, و هر انسان عاقلی خود را ملزم می داند احسان نعمت دهنده را سپاس گزارد به همین جهت یکی از روشهای کلی دین اسلام در این مناسبت ها تشریع عبادات و اعمال ویژه ای است که موجب نزدیکی بیشتر انسان به پروردگار عالم نعمت دهنده حقیقی می شود.

در روز عید غدیر

نیز همانند سایر اعیاد, عبادات و مراسم ویژه ای سفارش و برنامه ریزی شده است آداب این عید بزرگ از دو ویژگی بارز برخوردار است :.

۱ آداب این روز از نظر کمیت و کیفیت با آداب هیچ یک از مناسبت های اسلامی قابل مقایسه نیست , به طوری که می توان گفت : آنچه برای روز غدیر وارد شده , شامل طرحی جامع از همه کارهای نیک , اعمال پسندیده و یک زندگی مطلوب فردی و اجتماعی است .

۲ طبق روایاتی که از معصومین (ع) در این باره به دست ما رسیده است , هر یک از اعمال و آداب روزغدیر از ارزشی والا برخوردار است , و به همین جهت پاداشی بزرگ در پی دارد.

بنابراین روز غدیر, مناسبتی بس ارجمند و حساس است , که باید آن را گرامی داشت و تنها راه بزرگداشت و احترام این روز, التزام به آدابی است که اهل بیت (ع) برای آن مقرر کرده اند.

آداب عید غدیر در چند محور کلی عمل صالح

اشاره

هرچند تمام آداب این روز هر کدام خود عملی صالح به شمار می رود, ولی در یک دستور کلی و به عنوان مقدمه همین آداب در روایتی آمده است : ((هر کار نیکی در این روز, معادل کار نیک در هشتادماه است)) ((۳۲۴)) .

بنابراین روز غدیر موقعیتی همانند ماه مبارک رمضان و شب قدر دارد از این رو می توان گفت عمل صالح در این روزها و شبها هماره در حال شکفتن است در چنین اوقاتی شایسته است که انسان فرصت را غنیمت شمرده از حسنات و خیرات بهره کافی برگیرد.

عبادت

امام رضا(ع) فرمود: ((غدیر روزی است که خداوند بر مال کسی که در آن عبادت کند, می افزاید)) ((۳۲۵)) .

عبادت به معنای عام کلمه هر کاری است که با قصد قربت تحقق می یابد و موجب نزدیکی بنده به ساحت قدس ربوبی می شود در فرهنگ اسلامی عبادت به این معنا, می تواند در قالب هر کار مباحی صورت بندد, یعنی اگر انسان کارهای عادی خود را نیز با نیت تقرب به خدا و برای رضای حضرت درست انجام دهد, همه کارهای عادی زندگی نیز عبادت محسوب می شوند.

عباداتی که برای روز غدیر توصیه شده است , شامل تمام انواع عباداتی است که در اسلام می شناسیم نماز, روزه , غسل , دعا, حمد و سپاس , زیارت , صلوات و اظهار برائت از دشمنان هر یک ادبی از آداب این روز مبارک است .

روزه

روزه عبادتی است که علاوه بر وجوب آن در ماه مبارک رمضان , جز در عید فطر و عید قربان , در تمام روزهای سال مستحب است ولی در پاره ای از ایام سفارش مؤکد شده است و روایات از ارزش فوق العاده آن خبر می دهند یکی از آن روزها روز عید غدیر است ائمه اطهار نه تنها خود ملتزم بوده اند,این روز را روزه بدارند, اصحاب و نزدیکان خویش را نیز به روزه سفارش می کرده اند همچنین از روایات استفاده می شود که این سنت از رسول گرامی اسلام به یادگار مانده است .

از ابن هریره روایت شده که هر کس روز هیجدهم ماه ذیحجه را روزه بگیرد, خداوند روزه شصت سال را برای او می

نویسد ((۳۲۶)) .

امام صادق (ع) در روایتی , ضمن توصیه مخاطب خویش به روزه این روز می فرماید: ((روزه این روز,معادل روزه شصت ماه است)) ((۳۲۷)) .

و در روایت دیگری می فرماید: ((روزه عید غدیر خم , نزد خدا معادل صد حج و صد عمره پذیرفته شده است)) ((۳۲۸)) .

همچنین فرموده اند: ((روزه عید غدیر خم , معادل روزه تمام عمر دنیاست , اگر کسی چنین عمری پیداکند و تمام آن را روزه بدارد)) ((۳۲۹)) .

نماز

همچنان که بیشتر ایام و مواقع خاص , نمازی مخصوص به خود دارند, برای عید غدیر چند نماز با آدابی ویژه سفارش شده است .

سید بن طاووس (ره) در کتاب شریف اقبال الاعمال در ضمن اعمال عید غدیر از امام صادق سه نمازروایت کرده است طبق یکی از این روایات آن حضرت می فرماید:.

این روز, روزی است که خداوند پاسداشت حرمت آن را بر مؤمنان واجب کرده است چون در این روز دینشان را کامل و نعمتش را بر ایشان تمام نمود, و عهد و میثاقی را که در آغاز آفرینش از آنان گرفته و بعد فراموش کرده بودند, تکرار کرد و آنان را توفیق داد تا قبول کنند و از اهل انکارقرارشان نداد ((۳۳۰)) .

منظور از میثاق در این حدیث شریف همان میثاقی است که قرآن کریم در آیه ۱۷۲ سوره اعراف به آن اشاره کرده می فرماید: ((به یادآر هنگامی که خدای تو ذریه فرزندان آدم را از پشت آنها برگرفت و آنها را برخود گواه ساخت , تا به پروردگاری و یگانگی او اعتراف کردند, تا در روز قیامت نگویند ما از

یکتایی ویگانگی تو بی خبر بودیم)).

این میثاقی است که خداوند متعال بر توحید و یگانه پرستی از نسل بشر گرفته است .

بنابراین از این حدیث استفاده می شود که خداوند همان طور که برای خداپرستی و توحید از بشرپیمان گرفته , برای ولایت نیز چنین کرده است میثاق بر توحید, به هر صورتی که واقع شده باشد, درمورد ولایت نیز به وقوع پیوسته است .

اگر کسی می خواهد مانند کسانی باشد, که آن روز همراه رسول خدا بودند, و با راستگویانی که دردوستی امیرالمؤمنین با خدا و رسولش صادقانه برخورد کردند, هم مرتبه باشد و مانند کسانی باشد که دررکاب رسول خدا(ص), امیرالمؤمنین (ع), امام حسن و امام حسین شهید شدند, و مانند کسانی باشد, که در زیر لوای حضرت مهدی و در خیمه او هستند, و از بزرگان و نجیبان باشد, نزدیک زوال ظهر یعنی همان وقتی که پیامبر اکرم و اصحابش به نزدیکی غدیر خم رسیده بودند دو رکعت نماز بگزارد, و پس ازنماز, سجده شکر به جا آورده صد بار بگوید: شکراللّه ((۳۳۱)) .

آنگاه حضرت دعایی طولانی به مخاطب خویش تعلیم داده که پس از این نماز بخواند این دعاعمدتا شامل چند محور کلی است :.

۱ اذعان و اعتراف به عقاید صحیح و بر حق اسلامی , چون توحید و نبوت ,.

۲ شکر و سپاس نعمت ولایت ,.

۳ اظهار دشمنی با دشمنان , و دوستی با دوستان حق ,.

۴ آرزوی ثبات قدم و پایداری در راه حق .

در یکی از فقرات این دعا می خوانیم .

پروردگارا! به لطف و احسان تو بود که ما موفق شدیم دعوت

پیـامبرت را اجـابت کنیم و او راتصـدیق نماییم , به آقای مؤمنان ایمان آوریم و نسـبت به طاغوت و بت کفر ورزیم پس آن را که ما به ولایت برگزیدیم , والی ما گردان و با پیشوایانمان محشور کن , که ما با یقین , به ایشان گرویده تسلیم امرشان شده و به ظاهر و باطن , شاهد و غایب , و مرده و زنده ایشان ایمان آورده ایم و به پیشوایی و سروری ایشان خشنود و راضی هستیم .

آنها برای وساطت بین ما و خـدا کافی هسـتند, به دیگری نیاز نیست , جایگزینی برای ایشان نمی خواهیم و جز ایشان همـدم و همرازی نگیریم ((۳۳۲)) .

در فرازی دیگر از این دعا آمده است :.

خدایا تو را گواه می گیریم که دین ما همان دین محمد و آل محمد و سخن ما همان سخن آنان است دین ما دین ایشان است همان می گوییم که ایشان گفتنـد و بـدان می گرویم که ایشان گرویدنـد هر چه را آنها انکار کردنـد, ما نیز منکریم هر که را دوست داشـتند, ما نیزدوست داریم هر که را دشمن داشتند ما نیز دشمنی می کنیم هر که را لعنت کردند, لعنت می کنیم از هر که بیزاری جستند بیزاری می جوییم , و رحمت می فرستیم بر هر کس که ایشان رحمت فرستادند ((۳۳۳)) .

این نمـاز تجلی روح توجه به نعمتهـای الهی و شـکر گزاری حقیقی از نعمتهـاست به جـا آوردن این نمـازدر نزدیکی ظهر روز غدیر نشانه آن است , که نمازگزار می داند در این هنگام جبرئیل امین به منظور ابلاغ حساس ترین پیام الهی ((۳۳۴)) و

اساسی ترین رکن دین نازل شده و اصل ولایت را برای بشر به ارمغان آورده است ولایت , ضامن بقای اصل دین و روح شریعت و پشتوانه توحید و رسالت و حامی فضیلت و تقوادر جامعه بشری است , اصلی است که اقامه قسط را که هدف اصلی از ارسال رسولان الهی و انزال کتب آسمانی است به عهده دارد ((۳۳۵)) اصلی که اگر ابلاغ نشود, رسالت الهی به انجام نرسیده است ((۳۳۶)) .

نمازگزار به این همه توجه دارد و به منظور شکرگزاری از این نعمت عظمی سر بر سجاده عبودیت می نهد, و شاکرانه در پیشگاه ربوبی پیشانی به زمین می ساید و خاضعانه دست توسل به ذیل عنایت حق بر می دارد که همیشه او را در این مرتبه بلند حفظ, و سراسر حیاتش را از این چشمه فیاض سیراب کند وچنین است که همرتبه یاران رسول خدا و همسنگ مجاهدان صدر اسلام می شود با شهدایی برابری می کند که در رکاب امیرالمؤمنین , امام حسن و امام حسین (ع) شاهد مقصود را در آغوش کشیده اند وهمانند کسانی است که زیر لوای مهدی آل محمد(ص) شمشیر می زنند و در خیمه او هستند.

زیارت

زیارت سرچشمه زلال وصل است که در پی تلاش مشتاق مهجور, در اجابت عطش اشتیاق , دست می دهد و جان او را از صافی وصل سیراب و روحش را در جاری قرب از داغ فراق تطهیر می کند زیارت ,محصول مهر و اجر صبری است که مردان راه را می دهند و زیارتنامه نامه ناخوانده روزگار وصل ومهرورزی است .

آنچه زائران در حرمهای معصومین (ع

) می خوانند, در حقیقت مجموعه ای از عرض ارادت و مودت و آموزه های صحیح است که شخص زایر در ملاقات با معصوم , به او عرضه می دارد و تائید او را می گیردو این شیوه ای است که از سلف صالح به یادگار مانده است .

روز غدیر, روز ولایت و وصایت است روزی است که به حضرت امیرالمؤمنین (ع) تعلق داشته به نام نامی آن بزرگوار به جشن و سرور اختصاص یافته است از این جهت یکی از آداب مهم آن تجدید عهد وبیعت و ایجاد رابطه معنوی با صاحب ولایت است بر شیعه مشتاق است که در این روز, در پیشگاه وصی رسول اعظم بایستد و به دستور آن حضرت با جانشینش بیعت کند و هر سال این عهد را تجدیدنماید و در آستانه باب علم نبی (ص) عقاید خود را عرضه کند, و نامه باورهای خود را به مهر تایید آن امام همام بیاراید.

در روایتی است که امام رضا(ع) فرمود: ((هر جا که هستی , سعی کن روز غدیر نزد قبر مطهرحضرت امیرالمؤمنین (ع) حاضر شوی زیرا در این روز خداوند متعال گناهان شصت ساله اهل ایمان رامی بخشد و دو برابر ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش جهنم آزاد می کند)) ((۳۳۷)) .

در صورتی که حضور در کنار قبر شریف آن حضرت میسور نباشد, می توان از دور آن حضرت رازیارت کرد.

از ائمه اطهار برای روز غدیر سه زیارت نقل شده است که هر سه را می توان از دور و نزدیک خواندمشهورترین آنها زیارت امین اللّه است که از

نظر متن کوتاه و مختصر و از نظر سند بسیار متقن و معتبراست در این زیارت , خطاب به ساحت قدسی امیرمؤمنان می خوانیم .:

سلام بر تو ای امین و حجت خدا در روی زمین شهادت می دهم ای امیرمؤمنان که تو در راه خداچنانکه شایسته بود کوشیدی , به کتاب او عمل کردی و از روشهای پیامبرش پیروی نمودی , تاوقتی که خدا بهترین پاداش خود را برای تو در نظر گرفت و تو را به جوار خویش خواند و روح بنلدت را کنار خود آورد و هر چند تو بر تمام خلایق برهانهای کافی داشتی , خدا با شهادتت حجت را بر دشمنان تو تمام کرد.

الهی ! دلهای اهل خشوع حیران توست , راه به روی مشتاقان کویت باز است , آنان که قصد کوی تو کرده اند, نشانه های واضح دارند قلوب آنان که بر تو وارد می شوند, از غیر تو خالی است آنکه تو را بخواند, صدایش به بالا می رود, و درهای اجابت به رویش گشوده است و آنکه با تو رازگوید دعایش مستجاب است توبه آنکه به سوی تو بازگردد مقبول است هر کس از خوف تو گریه کند, بر قطرات اشکش رحمت آوری , هر کس تو را به یاری طلبد یاریش می کنی , هر کس از توکمک بخواهد, به او کمک می رسانی وعده هایی که به بندگان داده ای عمل می کنی , و هر کس ازتو بخواهد, لغزشهایش را نادیده می گیری ((۳۳۸)) .

احسان و نیکی

یکی از آداب عید غدیر, احسان و نیکی به اهل ایمان است در این باب , سفارشهای فراوانی از

ائمه اطهار(ع) رسیده است از نشانه های اهمیت احسان در این روز, آن است که :.

اولا: در اخبار و روایات , با عناوین گوناگون و مختلفی به آن سفارش شده است انفاق , احسان , یاری ,مساوات , هدیه دادن , مهمانی کردن , اطعام , افطاری دادن , عطوفت و مهربانی و تلاش در رفع حوایج برادران ایمانی از جمله عناوینی است که برای توصیه به احسان و در اخبار و روایات به کار رفته است .

ثانیا: توصیه شده است , کسی که برای احسان در این روز, توان مالی کافی ندارد, وام بگیردامام علی (ع) می فرماید: ((کسی که وام بگیرد, تا به برادران مؤمنش کمک کند, من از سوی خدا ضمانت می کنم که اگر او را زنده نگه داشت , بتواند وامش را بپردازد, وگرنه آن دین از عهده او برداشته شود)) ((۳۳۹)) این در حالی است که می دانیم وام گرفتن از نظر شرع کار پسندیده ای نیست , و اسلام حق الناس را بسیاربا اهمیت شمرده است .

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در یکی از جمعه ها که با روز غدیر مصادف شده بود, خطبه ای خواندند که بخشی از آن بدین قرار است :.

خدایتان رحمت کند! هنگامی که بعد از تمام شدن این مجلس متفرق می شوید, معاش خانواده خود را توسعه دهید, و به برادرانتان نیکی کنید, و خدای را به سپاس نعمتی که عطایتان کرده شکرگزارید کار نیک در این روز مال را به ثمر می نشاند و عمر را زیاد می کند و مهربانی به یکدیگر,رحمت و عطوفت خدا را برمی انگیزد, تا آنجا

که می توانید از آنچه خدایتان بخشیده , با سخاوت به برادرانتان ببخشید.

شاد و شادمانه با هم ملاقات کنید و خدای را به شکرانه آنچه عطایتان کرده سپاس گزارید بر آنان که چشم امید به شما دارند, بیشتر احسان کنید تا می توانید, بین خود و ضعیفان و زیر دستانتان به مساوات رفتار کنید.

در این روز یک درهم انفاق مساوی دویست هزار درهم است , و خدای اگر بخواهدبیشتر می بخشد.

هر کس نخست به برادرش نیکی کند, و با اشتیاق به او احسان نماید, پاداش کسی را می گیرد که دراین روز روزه گرفته است ((۳۴۰)) .

جشن و سرور

پسندیده است , انسان مؤمن در این روز در حدود عرف , و با مراعات موازین شرعی , بساط شادی وسرور چیده و زندگی اش با زندگی هر روز متفاوت باشد از جمله نشانه های شادمانی که در روایات موردتاکید قرار گرفته , غسل کردن , عطر زدن , زینت کردن , و آراستن خود, خانه و کوی و برزن , پوشیدن لباس نو, فاخر و پاکیزه , دید و بازدید, تبریک گفتن , مصافحه و توسعه در معیشت است .

شادی در روز غدیر, علاوه بر اینکه مصداق همسویی و همدلی با اهل بیت است , خود نیز موردتاکید و سفارش قرار گرفته است .

امام صادق (ع), در روایتی , پس از آنکه جریان روز غدیر را تشریح کرده بخشی از آداب این عیدسعید را برمی شمرد, می فرماید: ((آنگاه بخور, بنوش و علی رغم آنان که در این روز اظهار حزن و اندوه می کنند خدا غم و اندوهشان را دو چندان کند در

بزرگداشت این روز اظهار شادی و سرور کن)) ((۳۴۱)) .

خوب است , اگر انسان به خاطر درگذشت عزیزی یا حادثه ای و بلایی غمزده و عزادار است , در این روز لباس سیاه را کنار بگذارد امام رضا(ع) فرمود: ((این روز روز پوشیدن لباس های نو و کندن سیاه است)) ((۳۴۲)) .

شایسته است , انسان در این روز فاخرترین لباسهای خود را بر تن کند امام رضا(ع) فرمود:.

این روز, روز زینت است هر کس به احترام روز غدیر, خود را بیاراید, خداوند همه گناهان کوچك و بزرگش را می بخشد, و فرشته ای را مامور می کند تا سال دیگر برای اوحسنه بنویسد, و درجاتش را بالا ببرد, و اگر در این مدت بمیرد, شهید است , و اگر زنده بماند سعادتمند است ((۳۴۳)) .

همچنین شایسته است با برادران مؤمن با شادمانی مواجه شده , کاری کند, که همگان شادی و سروراو را دریابند.

امام رضا(ع) فرمود:.

این روز, روز تبسم در روی مردم با ایمان است هر کس در این روز به روی برادرش تبسم کند, خداوند در روز قیامت با رحمت به او نگاه می کند و هزار حاجت او را برآورده می کند و برای او در بهشت قصری از در سفید بنا می کند و چهره اش راشاداب می سازد ((۳۴۴)) .

دعا

دعا, یکی از بزرگترین عباداتی است که در دین مقدس اسلام تشریع شده است دعا همان عبادتی است که قرآن شریف فرموده است : ((هر کس از روی تکبر از آن سر باز زند, با ذلت و خواری واردجهنم می شود)) ((۳۴۵)) .

دعا, سخن گفتن

انسان با معبود یکتا و خالق هستی و موجب توجه و عنایت خداوند به بندگان است .

قرآن کریم می فرماید:.

قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعائکم , ((۳۴۶)) .

بگو اگر دعایتان نباشد, پروردگارم به شما توجه نخواهد کرد.

دعا ضرورت زندگی انسان است زندگی بدون دعا موجی است سردر گم که در نهایت سر به مرداب مادیت دنیا خواهد کوبید دعا آهنگ زندگی و بانگ جرس کاروانی است که رو به مقصود دارد زندگی دردعا جوانه می زند, با دعا رشد می کند و ثمر می دهد.

بنابراین با صرف نظر از اینکه انسان حاجتی داشته باشد, یا در بند استجابت و برآورده شدن حاجتش باشد, دعا برنامه همیشگی و نیاز دائمی زندگی انسان مؤمن است , ولی گاهی موقعیتی خاص و فرصتی ویژه پیدا می شود که دعا در آن می شکوفد, به بار می نشیند و وجود انسان را حلاوت می بخشد.

روز غدیر یکی از بهترین فرصتها و موقعیتهای ویژه دعاست .

امام رضا(ع) می فرماید: ((روز غدیر روزی است که دعا در آن مستجاب می شود)) ((۳۴۷)) .

به همین جهت برای این روز علاوه بر دعاهایی که در تعقیب نمازهای مستحبی و به مناسبتهای مختلف در این روز وارد شده , چند دعای مستقل نیز وارد شده است .

محور دعاهای غدیر

اشاره

محور اصلی در دعاهای روز غدیر نعمت ولایت است دعا کننده در این روز به بیانهای مختلف درباره این نعمت بزرگ با خدای خویش سخن می گوید.

گاهی این نعت عظمی را یاد کرده خدا را برای آن شکر و سپاس می گزارد گاهی از خدا می خواهد, که این نعمت را از او سلب نکند

و در تمام عمر بر آن پایدار و استوار بماند گاهی از خدا می خواهد همان طور که این کرامت را به او داده و او را شایسته پذیرش ولایت کرده , از گناهانش چشم پوشیده لغزشهایش را ببخشد.

گاهی می خواهد که توفیقش دهد, تا به لوازم ولایت ملتزم باشد, اطاعت محض از ولی را که شرطاساسی ولایت است , برای او میسر نماید و او را توفیق دهد تا با دشمنان ائمه دشمنی ورزد و بادوستانشان دوستی کند.

در فرازی از دعای صبح روز غدیر که به نام دعای وقت زینت مشهور است , چنین می خوانیم :.

ما دوستدار علی (ع) و دوستدار دوستان اوییم , همان طور که امر کردی با او دوستی می کنیم و بادشمنانش دشمنی می کنیم از هر که از او بیزاری جوید, بیزاری می جوییم , بغض آنان را که بغض او در دل دارند, در دل می پروریم و به آنان که محبت او دارند محبت می ورزیم ((۳۴۸)) .

و گاهی شئوون مختلف و مقامات متعدد ائمه را یاد می کند و با ذکر آنها قلب خود را جلا می دهد واوج عظمت اولیای دین را به تماشا می نشیند, و با درودهای پی درپی , روح خود را به آن ارواح پاک متصل می کند و در اقیانوس بیکران فضایل انسانی شناور می شود.

در یکی از دعاهای روز غدیر می خوانیم :.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمه القاده والدعاه الساده و النجوم الزاهره و الاعلام الباهره و ساسه العباد و ارکان البلاد و الناقه المرسله و السفینه الناجیه الجاریه فی الغامره , ((۳۴۹)) .

خدایا

درود فرست بر محمد و آل محمد, آن پیشوایان رهبر, دعوت کنندگان سرور, ستارگان درخشان و نشانه های واضح آنان که امر بندگان تو را تدبیر می کنند, ارکان آبادی زمینند,معجزه ای که مردم را به آن آزموده ای و کشتی نجاتی که در گردابهای ژرف روان است

الهی ! درود فرست بر محمد و آل محمد خزانه داران علمت , پایه های مستحکم توحید ویگانه پرستی , ستونهای دین و معادن بزرگواری آنان که از میان آفریدگانت برگزیدی و از بین بندگانت اختیار کردی آن متقیان پاکیزگان , نجیبان و نیکان , بابی که مردم بدان آزمایش می شوند:هر که در آن درآمد نجات یافت و هر که سر باز زد سقوط کرد.

خدایا! درود فرست بر محمد و آل محمد, اهل ذکر که فرمودی از ایشان بپرسیم ,خویشاوندان که امر به محبتشان کردی , و حقشان را واجب نمودی و بهشت را سر منزل کسانی قرار دادی که ازایشان پیروی کنند.

الهی درود فرست بر محمد و آل محمد, چنانکه آنان به طاعت تو امر کردند و از معصیت توبازداشتند, و بندگانت را به یگانگی تو راهنمایی کردند.

عقد اخوت

یکی از ابتکارات اسلام , ایجاد استوارترین ارتباطات , بین کسانی است که بر حسب ظاهر هیچ گونه ارتباطی با هم ندارند برادری نزدیکترین ارتباطی است که بین دو نفر وجود دارد علقه برادری در بین تمام ملل علاقه ای مطمئن و محکم است , ولی در میان اعراب خصوصا در دورانهای گذشته از اعتباربیشتری برخوردار است , به طوری که ملاک حق و باطل , و راست و خطا قرار می گرفت .

در این عرف

, برادر ذی حق است و بایـد تاییـد شود و بایـد به یاری اش برخاست , اگرچه در حقیقت ظالم و متجاوز باشـد و کسـی که در مقابل اوست بایـد مغلوب گردد, اگر چه بر حق باشد در چنین محیطی , اسـلام با تعریفی جدید از مفهوم اخوت و برادری این باور نادرستی را هدف گرفته چنین تعریفی از برادری و اخوت , ارائه می دهد:.

انما المؤمنون اخوه ((۳۵۰)) .

یعنی : فقط مؤمنان با هم برادرند.

پس غیر مؤمن در این خانواده بیگانه است , اگرچه در همین خانواده زاده و بالنده شده باشد.

این اصلی است که قرآن شریف بنا نهاده است بر اساس این اصل همه مؤمنان در این خانواده بزرگ باهم برادرند.

پیامبر گرامی اسـلام (ص) در دو مقطع خاص زمانی قبل و بعد از هجرت به منظور حفظ انسجام مسلمانان و مقابله با مشکلات خاصـی که حکومت نوپـا و جـامعه اسـلامی را تهدیـد می کرد, این اصل عمومی دینی را عینیت بخشـیده به ایجاد علقه خاص برادری بین مسلمانان اقدام نمود و همه مسلمانان را دو به دو با هم برادر کرد.

گروه بسیاری از علمای بزرگ تاریخ و حدیث نوشته اند: ((۳۵۱)) .

ملاک پیامبر اکرم در تعیین برادر برای هر یک از مسلمانان , تناسب خصلت ها, و قرب مراتب ایمانی ایشان بودم)).

آن حضـرت کسانی را که مشابه و مماثل یکدیگر تشخیص می داد با هم برادر می کرد, مثلا عمر را باابوبکر, طلحه را با زبیر, عثمان را با عبد الرحمن بن عوف , ابوذر را با مقداد, و دخترش فاطمه زهرا (س)را با همسرش ام سلمه پیوند

داد.

به همین دلیل , امیرالمؤمنین علی (ع) را با هیچ یک از مسلمانان برادر نکرده او را برای خود ذخیره نمود ((۳۵۲)) برای خود نیز برادری انتخاب نکرد, تا اینکه امیرالمؤمنین آمده عرض کرد: ((می بینم اصحابت را با هم برادر می کنی , ولی برای من برادری انتخاب نکرده ای روحم از کالبد خارج شده و کمرم شکسته است اگر بر من خشمگینی حق سرزنش داری)) حضرت در جواب فرمود: ((قسم به خدایی که مرا به حق برانگیخت , من این کار را به تاخیر انداختم , تا تو را برای خود انتخاب کنم)) ((۳۵۳)) .

آثار اخوت اسلامی

اصلی که در اسلام با عنوان اخوت و برادری تاسیس شده است , تنها یک امر اعتباری محض و براساس برنامه ظاهری نیست , بلکه حقیقتی است که آثاری واقعی و حقیقی در پی دارد امت واحده محمدی (ص) و خانواده بزرگ اهل ایمان تابع نظم خاصی است هر عضو این خانواده در قبال اعضای دیگر وظایفی دارد و متقابلا از حقوقی برخوردار است .

احادیث زیادی از ائمه معصومین (ع) به دست ما رسیده که وظایف و حقوق برادران ایمانی را تعیین می کند جامعترین دستور العمل در این زمینه حدیثی است که از رسول مکرم اسلام رسیده است , و ما آن را از کتاب مکاسب محرمه شیخ انصاری نقل می کنیم .

شیخ انصاری از کتاب وسائل الشیعه از کنزالفوائد شیخ کراجکی از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت کرده است که رسول مکرم اسلام (ص) فرمود: هر مسلمانی بر برادر خود سی حق دارد که ذمه او بری نمی شود مگر

اینکه آن را ادا کند یا صاحب حق بر او ببخشد:.

۱ یغفر زلته ،.

لغزش او را ببخشد.

۲ و یرحم عبرته ،.

بر اشکش رحمت آورد.

۳ و یستر عورته ،.

عیبهایش را بپوشد.

۴ و یقیل عثرته ، .

چون درافتد, دست او گیرد.

۵ و یقبل معذرته ،.

پوزش او را بپذیرد.

۶ و یرد غیبته ،.

چون او را غیبت کنند, از او دفاع کند.

۷ و یدیم نصیحته ،.

همیشه خیرخواه او باشد.

۸ و یحفظ خلته ،.

برادری و مودتش را حفظ کند.

۹ و یرعی ذمته ،.

امان او را مراعات کند ((۳۵۴)) .

۱۰ و یعود مرضه ،.

در بیماری عیادتش کند.

۱۱ و یشهد میته ،.

چون درگذشت جنازه اش را تشیع کند.

۱۲ و یجیب دعوته ،.

دعوت او را بپذیرد.

۱۳ و یقبل هدیته ،.

هدیه او را قبول کند.

۱۴ و یکافی صلته ،.

نیکی ها و هدایای او را جبران نماید.

۱۵ و یشکر نعمته ،.

نعمت های او را شکر گزارد.

۱۶ و یحسن نصرته ،.

به نیکی یاریش کند.

۱۷ و یحفظ حلیلته ،.

در حفظ ناموسش بکوشد.

۱۸ و یقضی حاجته ،.

حاجت او را برآورد.

۱۹ و یستنجح مسئلته ،.

حاجت خود را از او بخواهد.

۲۰ و یسمت عطسته ،.

و چون عطسه کند, به او بگوید((یرحمک اللّه)).

۲۱ و یرشد ضالته ,.

گمشده او را راهنمایی کند.

۲۲ و یرد سلامه ,.

سلام او را پاسخ دهد.

۲۳ و یطیب کلامه ,.

با او به نیکی مکالمه کند.

۲۴ و یبر انعامه ,.

عطای او را بپذیرد.

۲۵ و یصدق اقسامه ,.

قسم های او را باور کند.

۲۶ و یوالی ولیه ,.

دوستانش را دوست بدارد.

۲۷ و لا یعادیه ,.

و با آنها دشمنی نکند.

۲۸ و ینصره ظالما و مظلوما اما نصرته ظالما فیرده عن ظلمه و اما نصرته مظلوما فیعینه علی اخذ حقه ,.

او را یاری

کنـد, چه ظـالم باشـد چه مظلوم , یعنی اگر ظـالم است , او را از ظلم بـاز دارد و اگر مظلوم است او را در گرفتن حقش یـاری کند.

۲۹ و لا یسلمه و لا یخذله ,.

او را بی یاور و تنها رها نکند.

۳۰ و یحب له من الخیر ما یحب لنفسه و یکره له من الشر ما یکره لنفسه ,.

خوبیهایی را که برای خود می پسندد, برای او هم بپسندد و بدیهایی را که برای خود نمی پسندد, بر اوهم نپسندد.

آنگاه حضـرت علی (ع) فرمود: شـنیدم رسول خدا(ص) می فرمود: ان احدکم لیدع من حقوق اخیه شیئا فیطالبه به یوم القیامه فیقضی له علیه ,.

یعنی : گاهی یکی از شـما بعضـی از حقوق برادر خویش را ادا نمی کنـد و او در روز قیامت حقوق ضایع شـده خود را مطالبه می کند و او [ضایع کننده حق برادرش]در محضر عدل الهی محکوم می شود ((۳۵۵)) .

عقد اخوت در روز غدیر

مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان , عقد اخوت را در زمره آداب عید غدیرشمرده می نویسد:.

شایسته است در این روز عقد اخوت با اخوان مؤمنین و کیفیت آن به نحوی که شیخ ما درمستدرک وسائل ((۳۵۶)) از کتاب زادالفردوس نقل فرموده چنین است که بگذارد دست راست خودرا بر دست راست بردار مؤمن خود و بگوید:.

و اخیتـک فی اللّه و صافیتـک فی اللّه و صافحتک فی اللّه و عاهـدت اللّه و ملائکته و کتبه و رسـله و انبیائه والا ئمه المعصومین علیهم السلام علی انی ان کنت من اصحاب الجنه والشفاعه واذن لی بان ادخل الجنه لا ادخلها الا و انت معی

.،

یعنی : در راه خدا با تو برادر شدم و در راه خدا با تو صافی شدم و در راه خدا با تو دست دادم و با خدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و رسولان و پیامبرانش و ائمه معصومین عهد کردم , که اگرمن از اهل بهشت و شفاعت بودم و اجازه یافتم وارد بهشت شوم جز با تو وارد نشوم .

آنگاه طرف مقابل بگوید: قبلت , یعنی : قبول کردم .

پس از آن بگوید: اسقطت عنک جمیع حقوق الا خوه ما خلا الشفاعه والدعا والزیاره ,.

یعنی : تمام حقوق برادری جز شفاعت و دعا و دیدار را از تو ساقط کردم .

وظایف هر مؤمن در قبال برادران دینی خود دو گونه است : برخی دارای حکم شرعی بوده تکلیف محسوب می شوند, بدین معنا که هر مؤمنی موظف است , در قبال برادران ایمانی خود به آنها ملتزم باشد پاره ای دیگر حقوقی هستند که به دیگری تعلق دارد.

از آنجا که حکم شرعی قابل اسقاط نیست , یعنی هیچ کس نمی تواند حکم شرع را ساقط کند,بنابراین آنچه در این عقد اسقاط می شود, جنبه دوم است , یعنی هر کس حق مطالبه خود را ساقطمی کند, اما از آن جهت که هر یک از این حقوق از احکام شرع بوده و هر کس مامور به امتثال آنهاست ,ساقط شدنی نیستند.

آثار عقد اخوت

بدون شک این عقد از جهت اجتماعی موجب تالیف قلوب و جلب محبت و احیای روحیه همکاری است از نظر معنوی نیز ثمره ای بس ارزنده دارد که همان تعهد شفاعت است شفاعت اصلی است که مابر مبنای تعالیم قرآن آن را

پـذیرفته بدان معتقدیم , و می دانیم که خداوند متعال به هر کس بخواهد اذن شـفاعت می دهد ((۳۵۷)) یک دسته از شفاعت کنندگان در قیامت همان مؤمنانند, البته به اذن پروردگار.

بنابراین انسان با خواندن این عقد در حقیقت راهی به سوی رحمت و رضوان پروردگار عالم می گشاید ولی باید توجه داشت آثاری که بر برادری نسبی و برادری رضاعی چون محرمیت , ارث و صله رحم مترتب است , بر این برادری مترتب نیست .

بنابراین دو نفر که با هم عقد اخوت می خوانند, باید از اختلاط با محارم یکدیگر خودداری کرده وبدانند که این عقد موجب نمی شود هر یک از آن دو نسبت به خواهران , دختران و مادر دیگری محرم شود.

عقد اخوت بین زنان

اخوت در لغت عرب معـادل مفهوم برادری نیست , بلکه معنـایی گسترده تر دارد, که خواهری را نیز شامـل می شود اهـل لغت می گویند ((اخ یعنی کسـی که در یک صـلب یا یک رحم با تو مشترک است)) بنابراین اخوت , خواهر را نیز شامل می شود به همین دلیل معادل عربی خواهر, یعنی اخت , مؤنث اخ به حساب می آید از این رو تمام دسـتوراتی که درباره اخوت مؤمنان وارد شده به طور یکسان شامل زنان ومردان می شود حضـرت رسول مکرم اسـلام (ص) نیز به هنگام ایجاد اخوت بین مؤمنان در مدینه ,دخترش فاطمه زهرا را با همسرش ام سلمه خواهر کرد ((۳۵۸)) .

بنابراین عقد اخوت در روز غدیر اختصاصی به مردان نداشته زنان نیز می توانند با هم عقدخواهری بخوانند.

کتابنامه

۱ آثار الباقیه , ابوریحان بیرونی , ترجمه اکبر دانا سرشت , چاپ انتشارات ابن سینا,سال ۱۳۵۲ هجری شمسی .

۲ اثبـات الوصـیه للامـام علی بن ابی طالب (ع), ابوالحسن علی بن حسـین بن علی مسـعودی , متوفی به سال ۳۴۵ ه ق , چـاپ انتشارات بصیرتی : قم , چاپ پنجم .

انتشارات نهضه المصر للطباعه و النشر و التوزیع قاهره (سنی).

۴ اسـدالغابه فی معرفه الصـحابه , عزالـدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری معروف به ابن اثیر متوفی به سال ۶۳۰ ه ق , چاپ (سنی).

۵ اسـنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب , شـمس الـدین محمد بن محمد بن محمد جزری شافعی , متوفی به سال ۸۳۳ ه ق , چاپ انتشارات کتابخانه امیرالمؤمنین (ع), اصفهان (سنی).

۶ اعلام الوری باعلام

الهدی , امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از دانشمندان قرن ششم ه ق چاپ دارالکتب الاسلامیه , تهران (شیعه).

۷ اقبال الاعمال , رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس مشهور به سیدبن طاووس متوفی به سال ۶۶۴ ه ق چاپ سنگی از انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران ۱۳۹۰ ه ق ۱۳۴۹ ه ش (شیعه).

۸ الامامه و السیاسه , معروف به کتاب تاریخ الخلفا, ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری ,متوفی به سال ۲۷۶ ه ق , چاپ شرکت انتشاراتی مصطفی بانی و پسران مصر (سنی).

۹ امتاع الاسماع , تقی الدین احمد بن علی مقریزی , چاپ لجنه التالیف و الترجمه و النشر بالقاهره :۱۹۴۱ م (سنی).

۱۰ بحارالانوار, علامه محمد باقر مجلسی , چاپ مؤسسه الوفا بیروت : ۱۴۰۳ ه ق ۱۹۸۳ م (شیعه).

۱۱ البدایه و النهایه , ابوالفدا حافظ بن کثیر دمشقی , متوفی به سال ۷۷۴ ه ق چاپ دارالکتب العلمیه بیروت : ۱۴۰۵ ه ق ۱۹۸۵ م (سنی).

۱۲ تاج العروس , سید محمد مرتضی حسینی زبیدی , چاپ گروه فنی وزارت ارشاد و اخبار کویت :۱۳۸۵ ه ق ۱۹۶۵ م (سنی).

۱۳ تاریخ الامم و الملوك , ابو جعفر محمد بن جریر طبری , چاپ انتشارات استقامت قاهره : ۱۳۵۸ ه ق ۱۹۳۹ م (سنی).

۱۴ تاریخ بغداد, ابوبکر احمد علی خطیب بغدادی , متوفی به سال ۴۶۳ ه ق چاپ دارالفکر بیروت (سنی).

۱۵ تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر, غیاث الدین بن همام الدین الحسینی مشهور به خواندامیر متوفی به سال ۹۴۲ ه

ش (سنی) چاپ انتشارات کتابفروشی خیام , تهران , چاپ سوم : ۱۳۶۲ ه ش (سنی).

۱۶ تاریخ روضه الصفا, میر محمد بن سید برهان الدین خاوند شاه مشهور به میرخواند متوفی به سال ۹۰۳ ه ق چاپ انتشارات مرکزی , خیام , پیروز (سنی).

۱۷ تاریخ مدینه دمشق , معروف به تاریخ ابن عساکر, بخش ترجمه امام علی بن ابی طالب , ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه اللّه شافعی معروف به ابن عساکر متوفی به سال ۵۷۱ ه ق چاپ مؤسسه محمودی , بیروت : ۱۳۹۸ ه ق ۱۹۷۸ م (سنی).

۷۳ تذکره الخواص , علامه سبط ابن جوزی , متوفی به سال ۶۵۴ ه ق چاپ مؤسسه اهل البیت ,بیروت : ۱۴۰۱ ه ق ۱۹۸۱ م (سنی).

۱۸ التفسیر الکبیر, ابوعبداللّه محمد بن عمر بن حسین طبری معروف به امام فخر رازی متوفی به سال ۶۰۶ ه ق (سنی).

۱۹ تفسیر فرات , ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی , از علمای دوره غیبت صغری , چاپ مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی , تهران , چاپ اول : ۱۴۱۰ ه ق ۱۹۹۰ م .

۲۰ تلخیص الشافی , شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن طوسی , متوفی به سال ۴۶۰ ه ق چاپ دارالکتب الاسلامیه , قم , چاپ سوم : ۱۲۹۴ ه ق ۱۹۷۴ م (شیعه).

۲۱ التنبیه و الاشراف , ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی , متوفی به سال ۳۴۵ ه ق چاپ انتشارات دارالصاوی , قاهره (سنی).

۲۲ تهذیب التهذیب , شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی

بن حجر عقلانی , متوفی به سال ۸۵۲ ه ق چاپ دارالکتب العلمیه , بیروت , چاپ اول : ۱۴۱۵ ه ق ۱۹۹۴ م (سنی).

۲۳ ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب , ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری , متوفی به سال ۴۲۹ ه ق چاپ دارالمعارف , قاهره (سنی).

۲۴ الجامع لاحکام القرآن , معروف به تفسیر قرطبی , ابوعبداللّه محمد بن احمد, نصاری قرطبی ,چاپ داراحیا التراث العربی , بیروت (سنی).

۲۵ حلیه الاولیا و طبقات الاصفیا, ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی , متوفی به سال ۴۳۰ ه ق چاپ دارالکتاب العربی , بیروت : ۱۴۰۷ ه ق ۱۹۸۷ م (سنی).

۲۶ الدر المنثور فی التفسیر بالماثور, علامه جلال الدین عبد الرحمن سیوطی , متوفی به سال ۹۱۱ ه ق چاپ کتابخانه آیه اللّه العظمی مرعشی نجفی , قم : ۱۴۰۴ ه ق (سنی).

۲۷ ذخائرالعقبی , ابوالعباس احمد بن عبداللّه بن محمد بن ابوبکر بن محمد الطبری , متوفی به سال۶۹۴ ه ق چاپ مکتبه القدسی قاهره : ۱۳۵۶ ه ق (سنی).

۲۸ راهنمای حرمین شریفین , ابراهیم غفاری , معاصر, چاپ انتشارات اسوه : ۱۳۷۰ ه ش (شیعه).

۲۹ ربیع الابرار و نصوص الاخبار, محمود بن عمر زمخسری , متوفی به سال ۵۲۸ ه ق چاپ انتشارات دارالذخائر, قم : ۱۴۱۰ ه ق .

۳۰ الریاض النضره فی مناقب العشره المبشره , ابوالعباس احمد بن عبداللّه طبری مشهور به محب طبری متوفی به سال ۶۹۴ ه ق چاپ دارالندوه الجدیده , بیروت , چاپ اول : ۱۴۰۸ ه ق ۱۹۸۸ م (سنی).

۳۱ سنن ابن ماجه , ابو

عبداللّه محمدبن یزید قزوینی , متوفی به سال ۲۷۵ ه ق چاپ داراحیاالتراث العربی , بیروت : ۱۳۹۵ ه ق ۱۹۷۵ م (سنی).

۳۲ سنن ترمذی , ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره , متوفی به سال ۲۷۹ ه ق چاپ دارالفکر,بیروت (سنی).

۳۳ السیره النبویه , ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری متوفی به سال ۲۱۳ ه ق چاپ انتشارات مصطفی بانی و پسران , مصر: ۱۳۵۵ ه ق ۱۹۳۶ م (سنی).

۳۴ السیره الحلبیه , علی بن برهان الدین حلبی , متوفی به سال ۱۰۴۴ ه ق چاپ دارالمعرفه ,بیروت (سنی).

۳۵ السیره النبویه و الاثار المحمدیه , سید احمد زینی مشهور به دحلان چاپ دارالمعرفه , بیروت ,چاپ دوم (سنی).

۳۶ الصواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع و الزندقه , احمد بن حجر هیتمی مکی , متوفی به سال۹۷۴ ه ق چاپ دارالکتب العلمیه , بیروت : ۱۴۰۵ ه ق ۱۹۸۳ م (سنی).

۳۷ العقد الفرید, احمد بن محمد بن عبدربه الاندلسی , متوفی به سال ۳۲۸ ه ق چاپ داراحیاالتراث العربی ۱۴۰۹ ه ق ۱۹۸۹ م (سنی).

۳۸ الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب , شیخ عبدالحسین احمد الامینی , چاپ انتشارات حیدری ,تهران : ۱۳۹۶ ه ق ۱۹۷۶ م (شیعه).

۳۹ فرائدالسحطین , ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی خراسانی , متوفی به سال ۷۳۰ ه ق چاپ مؤسسه محمودی , بیروت : ۱۴۰۰ ه ق ۱۹۸۰ م (سنی).

۴۱ فیض القدیر شرح الجامع الصغیر, علامه محمد عبدالروف المناوی , چاپ دارالمعرفه , بیروت :۱۹۷۲ م ۱۳۹۱ ه ق (سنی).

۴۲ الکافی , ابوجعفر

محمد بن یعقوب کلینی , متوفی به سال ۳۲۸ ه ق چاپ دارالکتب الاسلامیه۱۳۶۷ ه ش (شیعه).

۴۳ الکامل فی التاریخ , عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکرم شیبانی معروف به ابن اثیر متوفی به سال ۶۳۰ ه ق چاپ دارصادر, بیروت : ۱۳۸۵ ه ق ۱۹۶۵ م (سنی).

۴۴ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل , محمود بن عمر زمخشری , متوفی به سال ۵۲۸, چاپ دارالکتاب العربی , بیروت (سنی).

۴۵ کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال , علاالدین علی المنقی بن حسام الدین الهندی البرهان فوری , متوفی به سال ۹۷۵ ه ق چاپ مؤسسه رسالت , بیروت : ۱۳۹۹ ه ق ۱۹۷۹ م (سنی).

۴۶ لسان العرب , ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور آفریقایی مصری , متوفی به سال۷۱۱ ه ق چاپ انتشارات نشر ادب الحوزه ۱۴۰۵ ه ق ۱۳۶۳ ه ش (سنی).

۴۷ مجمع البحرین , شیخ فخرالدین طریحی , متوفی به سال ۱۰۸۵ ه ق چاپ انتشارات مرتضویه ,تهران (شیعه).

۴۹ مجمع الزوائد و منبع الفوائد, نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی , متوفی به سال ۸۰۷ ه ق چاپ دارالکتاب العلمیه , بیروت : ۱۴۰۸ ه ق ۱۹۸۸ م (سنی).

۵۰ المراقبات , حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی , متوفی به سال ۱۳۴۳ ه ق چاپ چاپخانه حیدری , تهران : ۱۳۸۱ ه ق (شیعه).

۵۱ المستدرک علی الصحیحین , ابوعبدالله حاکم نیشابوری , چاپ دارالمعرفه , بیروت (شیعه).

۵۲ مستدرک الوسائل , حاج میرزا حسین نوری طبرسی معروف به محدث نوری متوفی به سال ۱۳۲۰ ه ق چاپ مؤسسه آل البیت

, قم : ۱۴۰۷ ه ق (شیعه).

۵۳ مسند امام احمد بن حنبل , امام احمد بن حنبل , چاپ دارصادر, بیروت (سنی).

۵۴ مصباح المتهجد, شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی , متوفی به سال ۴۶۰ ه ق چاپ مؤسسه فقه الشیعه , بیروت , چاپ اول : ۱۴۱۱ ه ق (شیعه).

۵۵ مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول , کمال الدین محمد بن طلحه شافعی , متوفی به سال ۶۵۴ ه ق نسخه خطی مؤسسه دارالحدیث , قم (سنی).

۵۶ معجم البلدان , ابوعبداللّه یاقوت بن عبداللّه حموی بغدادی , متوفی به سال ۶۲۶ ه ق چاپ داراحیا التراث العربی , بیروت : ۱۳۹۹ ه ق ۱۹۷۹ م (سنی).

۵۷ المعجم الکبیر, ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی , متوفی به سال ۳۶۰ ه ق چاپ داراحیاالتراث العربی , بیروت : ۱۴۰۵ ه ق ۱۹۸۴ م (سنی).

۵۸ مقتل الحسین (ع), موفق بن احمد بن محمد مکی خوارزمی , متوفی به سال ۵۶۸ ه چاپ انتشارات مفید, قم (سنی).

۵۹ المکاسب , شیخ مرتضی انصاری , متوفی به سال ۱۲۸۱ ه ق چاپ سنگی از انتشارات اطلاعات تبریز: ۱۳۷۵ ه ق (شیعه).

۶۰ المناقب , موفق بن احمد بن محمد مکی خوارزمی , متوفی به سال ۵۶۸ ه ق چاپ جامعه مدرسین قم : ۱۴۱۱ ه ق (سنی).

۶۱ مناقب علی بن ابی طالب , معروف به مناقب ابن مغازلی , تالیف ابوالحسن علی بن محمد بن محمدالواسطی الجلابی الشافعی مشهور به ابن مغازلی متوفی به سال ۴۸۳ ه ق چاپ مکتبه الاسلامیه ,تهران : ۱۴۰۳ ه

ق (سنی).

۶۲ مناقب الامام امیرالمؤمنین , حافظ محمد بن سلیمان کوفی , از دانشمندان قرن سوم ه ق چاپ مجمع احیا الثقافه الاسلامیه , قم : ۱۴۱۲ ه ق (سنی).

۶۳ منتهی المال در احوالات نبی و الل , حاج شیخ عباسی قمی معاصر, چاپ سازمان انتشارات جاویدان (شیعه).

۶۴ میزان الاعتدال فی نقدالرجال , ابوعبداللّه محمد بن احمد بن عثمان ذهبی , متوفی به سال ۷۴۸ ه چاپ دارالمعرفه , بیروت (سنی).

۶۵ نزل الابرار بماصح من مناقب اهل البیت الاطهار, تالیف محمد بن معتمدخان بدخشانی حارثی ,متوفی به سال ۱۱۲۶ ه چاپ شرکه الکتبی , بیروت , چاپ دوم : ۱۴۱۳ ه ق ۱۹۹۳ م (سنی).

۶۶ نظم دررالسحطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین , جمال الدین محمدبن یوسف بن حسن بن محمد زرندی حنفی , متوفی به سال ۷۵۰ ه ق چاپ انتشارات نینوی (سنی).

۶۷ نهج البلاغه , ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی , معاصر, چاپ سازمان انتشارات و آموزشی انقلاب اسلامی , تهران : سال : ۱۳۶۸ ه ش (شیعه).

۶۸ نوادر الاصول فی معرفه احادیث الرسول , ابوعبداللّه محمد حکیم ترمذی , متوفی به سال ۳۱۹ ه ق چاپ دارالکتب العلمیه , بیروت , چاپ اول : ۱۴۱۳ ه ق (سنی).

۶۹ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه , شیخ محمد بن حسن حر عاملی , متوفی به سال۱۱۰۴ ه ق چاپ مؤسسه آل البیت , قم (شیعه).

۷۰ وفیات الاعیان و انبا ابنا الزمان , شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلکان معروف به ابن خلکان متوفی به

سال ۶۸۱ ه ق چاپ داراحیا التراث العربی , بیروت : ۱۳۹۷ ه ق ۱۹۷۷ م (سنی).

۷۱ وقعه الصفین , نصر بن مزاحم منقری , متوفی به سال ۲۱۲ ه ق چاپ انتشارات مدنی , قاهره .

۷۲ ینابیع الموده , سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی , متوفی به سال ۱۲۹۴ ه ق چاپ مکتبه الحیدریه , نجف , ۱۳۸۴ ه ق ۱۹۶۵ م (سنی).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹